

به نام خداوند جان و خرد
عنوان رساله جهت دریافت درجه دانشوری
”مکاتیب شریفه“



تألیف

غلام محی الدین قصوری

”تصحیح و تدوین متن مع تحشیه و تعلیقات“



به راهنمایی

به کوشش

پرفسوردکترمحمد اقبال ثاقب

رضوانه خالق

۳۰۷-MPH-۲۰۰۵

گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه جی سی لاهور

DECLARATION

I, Mr./Ms. رضوانہ خاتون Roll No. 307-MPH-2005
student of M.Phil in the subject of Persian
session _____, hereby declare that the matter printed in the thesis
titled "مکاتیب شریفہ" - تالیف - علامہ محمد ادریس قسوری
is my own work and has not been printed, published and submitted as
research work, thesis or publication in any form in any University, Research
Institution etc in Pakistan or abroad.

[Signature]
Signatures of Deponent

Dated: _____

DECLARATION

I, Mr./Ms. رضوانہ خالق Roll No. 307-MPH-2005

student of M-Phil in the subject of Persian.

session _____, hereby declare that the matter printed in the thesis

titled "مکاتیب شریفہ" - تالیف - علامہ محمد امین قصوری

is my own work and has not been printed, published and submitted as research work, thesis or publication in any form in any University, Research Institution etc in Pakistan or abroad.



Signatures of Deponent

Dated: _____

RESEARCH COMPLETION CERTIFICATE

Certified that the research work contained in this thesis titled

مکاتیب شریفہ
تالیف: "غلام محی الدین قصوری"

has been carried out and completed by Mr./Ms. رضوانہ خلیق

Roll No. 307-MPH-2005 under my supervision during his/her M.Phil
studies in the subject of Persian.

Date _____ Supervisor Mohammed Ghaffar Sajid

Submitted Through

Mohammed Ghaffar Sajid
Chairman
Department of Persian
Govt. College University,
Lahore

Prof. Mohammed Ghaffar Sajid
Chairperson,
Department of Persian
GC University, Lahore

A. B. Khan
Controller of Examinations
GC University,
Lahore

RESEARCH COMPLETION CERTIFICATE

Certified that the research work contained in this thesis titled

مکاتیب شریفہ
تالیف: "غلام محی الدین قصوری"

has been carried out and completed by Mr./Ms. رضوانہ خلاق

Roll No. 307-MPH-2005 under my supervision during his/her M.Phil

studies in the subject of Persian.

_____ Date

_____ Supervisor

Submitted Through

Mohammed Ghulam Sajid
Chairman
Department of Persian
Govt. College University,
Lahore

Prof سید
Chairperson,
Department of Persian
GC University, Lahore

AB Khan
Controller of Examinations
GC University,
Lahore



التقاسی

این کاوش را بہ مادرِ فدا کار و پسرِ مہربان
مسنوب می‌کنم کہ محبت و شفقت ایشان مرا
تا این مقام رسانیدہ است

فہرست اختصارات

- آنندراج : فرهنگ جامع فارسی از شاد محمد پادشاہ
- اسٹینگاس : Persian English Dictionary From Steingass
- الف : نسخہ خطی "مکاتیب شریفہ" کتابخانہ دانشگاہ پنجاب
لاہور
- ب : نسخہ خطی "مکاتیب شریفہ" مملو کہ پرفسور محمد
اقبال مجددی
- بزرگ سخن : فرهنگ بزرگ سخن از حسن انوری دکتر
- ج : جلد
- دہخدا : لغت نامہ دہخدا از علی اکبر دہخدا
- ح : رحمۃ اللہ علیہ
- رضو : رضی اللہ تعالیٰ عنہ
- ص : صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
- ص : صفحہ
- صص : صفحات
- ع : علیہ السلام

عمید	:	فرہنگ عمید از حسن عمید
غیاث	:	غیاث اللغات از غیاث الدین محمد لاہوری
۴	:	میلادی
معین	:	فرہنگ فارسی از دکتر محمد معین
تفسی	:	فرہنگ تفسی
۱۰	:	هجری شمسی
۱۱	:	هجری قمری
۱۲	:	عیسوی
۱۱	:	بین قلاب خدو و اختلافات از طرف مصحح بیان شدہ است

www.mujaaddiway.com

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان ها	شماره
يك		۱ پیشگفتار
		۲ مقدمه
۳		مکتوب نگاری در شبه فارسی
پنج	معارف مجموعه های مکتوب سپهریان فارسی	
۶		مکتوبات صوفیه
سیزده		اوضاع ادبی در دوره سبک ها
پانزده		سبک نثر "مکتوب شریفه"
پانزده		بررسی در احوال وزندگانی مؤلف
نوزده		بررسی در احوال وزندگانی مولانا عبدالرسول نقصوری
بیست و یک		معرفی نسخه خطی "مکتوب شریفه"
بیست و سه		معرفی "مکتوب شریفه"
بیست و پنج		ارزش ادبی "مکتوب شریفه"
بیست و هشت		ارزش معنوی "مکتوب شریفه"
سی و یک		روش کار
سی و چهار		عکس های نسخه خطی
		۳ متن

شماره	عنوان ها	صفحه
۱	به زبان عربی	مکتوب اول
۸	به طور مطلع نامه	مکتوب دوم
۱۰	به نام مولوی نور محمد	مکتوب سوم
۱۲	به نام محمد اشرف	مکتوب چهارم
۱۵	به نام محمد اشرف	مکتوب پنجم
۱۶	به نام محمد اشرف	مکتوب ششم
۱۸	به نام محمد اشرف	مکتوب هفتم
۲۰	به نام مبارک دین محمد	مکتوب هشتم
۲۲	به نام مولوی غلام علی	مکتوب نهم
۲۵	به نام حضرت شیخ عبدالرحمن و مولوی محمد بخش و مولوی عبداللہ	مکتوب دهم
۲۶	به نام محمد اشرف	مکتوب یازدهم
۲۷	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب دوازدهم
۳۱	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب سیزدهم
۳۳	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب چهاردهم
۳۵	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب پانزدهم
۳۷	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب شانزدهم
۳۸	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب هفدهم
۴۰	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب هجدهم
۴۱	به نام محمد سراج الدین	مکتوب نوزدهم
۴۲	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب بیست
۴۳	به نام مفتی غلام معنی الدین	مکتوب بیست و یکم



شماره	عنوان ها	صفحه
۳۳	مکتوب بیست و دوم به نام مفتی غلام محی الدین	
۳۴	مکتوب بیست و سوم مفتی غلام محی الدین	
۴۵	مکتوب بیست و چهارم به نام مفتی غلام محی الدین	
۴۶	مکتوب بیست و پنجم به نام مفتی غلام محی الدین	
۵۰	مکتوب بیست و ششم به نام مفتی غلام محی الدین	
۵۱	مکتوب بیست و هفتم به نام مفتی غلام محی الدین	
۵۲	مکتوب بیست و هشتم به نام مفتی غلام محی الدین	
۵۵	مکتوب بیست و نهم به نام مفتی غلام محی الدین	
۵۶	مکتوب سی به نام مفتی غلام محی الدین	
۵۸	مکتوب سی و یکم به نام مفتی غلام محی الدین	
۵۹	مکتوب سی و دوم به نام محمد اشرف	
۶۰	مکتوب سی و سوم به نام مفتی غلام محی الدین	
۶۲	مکتوب سی و چهارم به نام مفتی غلام محی الدین	
۶۵	مکتوب سی و پنجم به نام مفتی غلام محی الدین	
۶۵	مکتوب سی و ششم به نام مفتی غلام محی الدین	
۶۷	مکتوب سی و هفتم به نام مفتی غلام محی الدین	
۷۰	مکتوب سی و هشتم به نام مفتی غلام محی الدین	
۷۲	مکتوب سی و نهم به نام مفتی غلام محی الدین	
۷۶	مکتوب چهل به نام مفتی غلام محی الدین	
۷۸	مکتوب چهل و یکم به نام مفتی غلام محی الدین	
۷۸	مکتوب چهل و دوم به نام مفتی غلام محی الدین	
۸۰	مکتوب چهل و سوم به نام مفتی غلام محی الدین	

شماره	عنوان ها	صفحه
۸۲	به نام مکتوب چهل و چهار	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۸۳	به نام مکتوب چهل و پنج	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۸۵	به نام مکتوب چهل و شش	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۸۷	به نام مکتوب چهل و هفت	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۸۸	به نام مکتوب چهل و هشت	به نام محمد سراج الدین
۸۹	به نام مکتوب چهل و نه	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۹۰	به نام مکتوب پنجاه	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۹۲	به نام مکتوب پنجاه و یک	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۹۳	به نام مکتوب پنجاه و دو	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۹۵	به نام مکتوب پنجاه و سوم	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۹۷	به نام مکتوب پنجاه و چهار	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۹۷	به نام مکتوب پنجاه و پنج	به نام سید محمد کمال
۹۹	به نام مکتوب پنجاه و شش	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۱۰۰	به نام مکتوب پنجاه و هفت	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۱۰۱	به نام مکتوب پنجاه و هشت	به نام مکتوب غلام معنی الدین
۱۰۳	به نام مکتوب پنجاه و نه	به نام مولوی غلام نبی
۱۰۴	به نام مکتوب شصت	به نام مولوی غلام نبی
۱۰۷	به نام مکتوب شصت و یک	به نام مولوی غلام نبی
۱۰۹	به نام مکتوب شصت و دو	به نام مولوی غلام نبی
۱۱۱	به نام مکتوب شصت و سوم	به نام مولوی غلام نبی
۱۱۲	به نام مکتوب شصت و چهار	به نام مولوی غلام نبی
۱۱۳	به نام مکتوب شصت و پنج	به نام مولوی غلام نبی

شماره	عنوان ها	صفحه
۱۱۹	مکتوب شصت و شش به نام مولوی غلام نسی	۱۱۹
۱۱۷	مکتوب شصت و هفت به نام مولوی غلام نسی	۱۱۷
۱۱۵	مکتوب شصت و هشت به نام مولوی غلام نسی	۱۱۵
۱۱۱	مکتوب شصت و نه به نام مولوی غلام نسی	۱۱۱
۱۲۳	مکتوب هفتاد به نام مبارک الله بخش	۱۲۳
۱۲۵	مکتوب هفتاد و یک به نام مولوی صاحب	۱۲۵
۱۲۶	مکتوب هفتاد و دوم به نام مبارک الله بخش	۱۲۶
۱۲۷	مکتوب هفتاد و سوم به نام سراج الدین	۱۲۷
۱۲۸	مکتوب هفتاد و چهارم به نام محمد اشرف	۱۲۸
۱۲۹	مکتوب هفتاد و پنجم به نام سراج الدین	۱۲۹
۱۳۰	مکتوب هفتاد و ششم به نام مفتی غلام محمد	۱۳۰
۱۳۳	مکتوب هفتاد و نهم به نام حکیم غلام حبیب	۱۳۳
۱۳۴	مکتوب هفتاد و دهم به نام مفتی غلام محی الدین	۱۳۴
۱۳۵	مکتوب هفتاد و یازدهم به نام مفتی غلام محی الدین	۱۳۵
۱۳۶	مکتوب هفتاد و بیستم به نام مفتی غلام محی الدین	۱۳۶

مکتوبات حافظ عبدالرسول قصوری

۱۳۸	مکتوب اول به نام مفتی غلام محی الدین	۱۳۸
۱۳۹	مکتوب دوم به نام مفتی غلام محی الدین	۱۳۹
۱۴۱	مکتوب سوم به نام مفتی غلام محی الدین	۱۴۱
۱۴۲	مکتوب چهارم به نام مفتی غلام محی الدین	۱۴۲

صفحہ	عنوان	شمارہ
۱۳۳	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۳۵	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب شہدائے
۱۳۶	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۳۸	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۳۹	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۵۰	یہ نام سید عیوب علی شاہ	مکتوب ہجرت
۱۵۱	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۵۳	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۵۵	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۵۶	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۵۷	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۵۸	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۵۹	یہ نام مفتی غلام محی الدین	مکتوب ہجرت
۱۶۰	یہ نام حافظ نور الدین	مکتوب ہجرت
۱۶۱		۲ تعلیمات
۱۶۲		۳ ولادت
۱۶۳		۴ اشعار
۱۶۴		کتاب
۱۶۵		مکتوب
۱۶۶		کتاب
۱۶۷		۵ مکتوب ہجرت

سیدنا محمد ﷺ

www.muhammadsway.com

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر آفرینش بر نگزید

بعد از چند و تنای خدای مصلح و خرد بر پیغمبر آخر الزمان (ع) به عرض می رسد که مکتوبی شریفه از غلام محلی الشیخ قسوری مکتوبات عربی تصوف و طریقت است که مکتوبات به عهد سیدکها نوشته شده بود. استخوانی و سنگ بر فسوس و کزین برتر آفرینش بر نگزید و این است فارسی، دانشگاه می سی لاپور و دانشگاه می سی لاپور که راهنمایی این رساله را پذیرا شدند و به این جانب همکاری داشتند.

من از استاد محمد آقای بر فسوس نظام مصوفی عالی بسیار ممنون و تشکر هستم که بدون کمک ایشان این گروه را در این رساله راهنمایی فرمودند. کربلای عالی گوناگون را راهنمایی بر لوزی ممنون و ممنون است. من بر فسوس و کزین ظهور احمد سید علی بر فسوس محمد نور علی و اشیخ و استاد می میم که در این رساله هیچ گونه کمک هیچ نوردیدند.

از آقای بر فسوس محمد رفیق و استاد می میم که در این رساله راهنمایی فرمودند و در این رساله راهنمایی فرمودند و در این رساله راهنمایی فرمودند.



نسخه خطی که مال شان بود، از هیچ گونه کمک دریغ نور زیدند.

از آقای پرفسور محمد اقبال مجددی نیز تشکر می نمایم که فتو کپی نسخه مکتوب شریفه عطا فرمودند و از کتا بخانه غنی و ثروت مند ایشان هم استفاده نمودم از آقای پرفسور دکتر خورشیدالحسن رضوی ود کتر امین احمد بسیار ممنون هستیم ایشان برای من بسیار زحمت کشیدند و نه تنها اشکالات عبارات عربی را حل فرمودند بلکه ابیات عربی را در تصحیح نمودند.

کلامند گروه زبان و ادبیات فارسی، آقای مظفر را هم تشکر می نمایم که جهت فراهمی کتب مرا به هر مرحله کمک نمودند.

از خانواده، پدر و مادر و خواهران را نیز تشکر می نمایم که در پایان این رساله تحقیقی بسیار یاری نمودند.

در آخر می گویم که هیچ کار از لغزش و خطا مصون نیست این کار نیز دانشجویان است. به بزرگوارانی خودشان از کوتاهی های من صرف نظر فرمایند.

باتشکر فراوان

رضوانه خانی

۲۰۰۵-۲۰۰۴

۳ نوامبر ۲۰۰۸



www.mufaddidway.com

در قرآن پاک مکتوب حضرت سلیمان در سوره النمل (۳۱-۳۰) دیده می شود
 نام های رسول اکرم و خلفای راشدین در کتب اخبار و تاریخ منقول است که
 به زبان عربی می باشد. مکتب صوفیای اسلام بیشتر به زبان فارسی است.
 بزرگ ترین صفت مکتوبات بزرگان تصوف سلامت و فصاحت آن باشد.
 برخی از آن به تشایی و مصنوع هم نوشته شده است. که نویسنده گان التزام
 قلبه نموده و آیات قرآنی و مقولات عربی را تکرار کرده اند. عده ای از مکتوبات
 عرفاء و صوفیاء را شاه پاره های آن می توان گفت.

وصف های بلذ که در مکتب صوفیاء یافت می شود به قرار ذیل

است:

- ۱- استشهاد از آیات قرآنی اعتدالت نوی و اشعار و مقولات زبان عربی.
- ۲- باوجودیکه زبان مکتب فارسی باشد امثال کلمات عربی به کثرت

دیده می شود.

- ۳- اهتمام سماع بدایع و قلبه بندی.
- ۴- به عرض انبیا و تقسیم اسلوب این نامه ها روزه اطباب و تطویل طرد به

مقاله ایچلو اختصار.

اموال، نامه ها رایج دوستی رسمی انباری و غیر رسمی دوستی تقسیم

می‌کنند. نامه‌های رسمی آن‌ها می‌باشند که کارگزاران حکومت، سیاست با طبقات گوناگون مردم درباره امور رسمی اداری با نظائر آن به یکدیگر می‌نویسند. نامه‌های غیررسمی به نوشته‌های ساده و آکنده از عواطف و احساسات صمیمانه می‌گویند که عموم مردم به یکدیگر می‌نویسند. پیش‌تر مکتوب را به سلطانیات و اخوانیات تقسیم می‌کردند. سلطانیات یا مکتوب سلطانی، نامه‌هایی بودند که شاهان به یکدیگر می‌نوشتند و به نامه‌های دوستانه نیز اخوانیات می‌گفتند.

معرفی مجموعه‌های مکتوب مهم به زبان فارسی

در زبان فارسی مجموعه‌های مکتوب که از لحاظ تاریخ و ادب بسیار

مهم است، در ذیل معرفی کرده می‌شود.

۱- مکتوبات علامی

این مجموعه مکتوب ابوالفضل علامی می‌باشد که بر سه دفتر مشتمل

است و بعد از وفات نویسنده، خواهرزاده او عبدالصمد فراهم کرده تنوین نموده.

و این کار در ۱۳۱۵ ه. ق (۱۹۰۶ م) با تمام رسالت، در این مجموعه فرامین شاهی

هم دیده می‌شود و اطلاعات سیاسی و آیینی با ارزش هم فرامین رسالت.

۴- رفعات حکیم ابوالفتح گیلانی

در رفعات معلومات تاریخی جغرافیائی معاشرتی و تمدنی بیش بها به نظر خوانندگان می رسد که کتاب های تاریخی آن دوره از این اطلاعات تهی باشد.

۳- سه نثر ظهوری

این مجموعه مکتوب که مال شاعر معروف ظهوری تر شیری است يك نمونه بارز و گران قدر انشای مرصع می باشد که قرن ها پیش دستکاران انشایر مشق مانده است.

۳- مکتوبات سعدالله خان

این مجموعه نوشته های نواب سعدالله خان است که وزیر نخست شاه جهان پادشاه بود. این بر ۳۶ نامه ها مشتمل است درین کتاب ده مراسله شاهی است که از طرف شاهجهان پادشاه و شاهزاده اورنگ زیب به نام شاه ایران نوشته شده است.

۵- چهارچمن

نام دیگر این کتاب "مشفات چمن بهان" است که مشتمل است بر اطلاعات روز تا روز که مشتی چمن بهان بر همین لاهوری به خدمت

شاهجهان و امیرای مهم ارسال کرده است.

۱. چهارمین

بصورت مکتوبات بعد صلح کنوا است که نوع حضور روح
 قوی شاعران یافته بود. این کتاب در سال ۱۰۰۰ هجری نگاشته شد
 و این حضور چندین مکتوب و نامها اشکوبه این نگارش و تالیف
 داشته اند است و بعضی از آن اشعار شاعران یافته در عهد
 بر خور

۲. ششمین

چندین است و شش مکتوبه نام کند که در تالیف که از عهد
 حد سر و نام بعضی از عیال او است و بود که در عهد صلح
 و نگارش شده

۳. هفتمین

بسیار از نام شاعران خود این حضور یافته این کتاب مکتوب
 یافته است که در این عهد شاعران و شاعران خود در عهد صلح
 بوده و این حضور بعد از صلح و تالیف و نامی است که در
 عهد صلح یافته و در نامی حضور در عهد صلح این حضور یافته
 در شاعران یافته در آن که در عهد صلح که در عهد صلح

۹- آداب عالمگیری

این مجموعه مکتوب دیگر اورنگ زیب عالمگیر است که میر منشی
 او ابوالفتح قابل خان از طرف آقای خود به نام شاهجهان امرا و وزرای مقتدر و
 شاهزادگان نوشته بود.

۱۰- چهار عنصر

مجموعه انشای شاعر عبدالقادر بیدل عظیم آبادی می باشد که از سال
 ۱۰۹۵ هـ.ق (۱۶۸۳ م) تا سال ۱۱۱۶ هـ.ق (۱۷۰۳ م) نوشته بود. این کتاب بر
 چهار ابواب مشتمل است از این باب "چهار عنصر" نامیده شد.

۱۱- نگارخانه منشی

این مجموعه مکتوبات و نگارشات دولتی است که منشی ملک زاده
 در سال ۱۹۰۵ هـ.ق (۱۶۸۳ م) ترتیب داده است. در ضمن این مجموعه نویسنده
 راجع به حال خود چیزی هم نوشته و اطلاعات مهم درتعلق انشانویسان مهم
 فراهم کرده است. و بعضی والعات تاریخی هم نوشته است.

مکتوبات صوفیه

مجموعه های مکتوب که به بزرگان منصوبه منسوب است- به

قرار قبیل است:

۱- مکتوب قاضی حمید الدین ناگوری

قاضی موصوفه مرید شیخ شهاب الدین سپهرزادی وهم نشین خواجه

قطب الدین بختیار کاکلی بوده در مکتوب او جنبه های سوز عشق و افکار

شور انگیز دیده می شود-

۲- مکتوبات شیخ حمیدالدین صوفی ناگوری

شیخ حمیدالدین صوفی که هم به ناگور منسوب است- مرید بانی

سلسله چشته در هند خواجه معین الدین چشتی اجمیری بود- از طرف مرشد

خود لقب سلطان الثرکین یافته بود- او با شیخ بهاء الحق زکریا ملتانی در

چنین معاملات و واردات تصویب اختلاف داشت- در این ضمن مابین این هر دو

بزرگان سلسله نامه نویسی بوده است- این مجموعه مشتمل است بر نامه

هایی که از طرف شیخ حمیدالدین صوفی به شیخ بهاء الحق زکریا ملتانی

فرستاده بود-

ج. مکتبب مخدوم جیلان جلال الدین بخاری

مخدوم جلال الدین بخاری مرید شیخ الاسلام برکن الدین فریسی مشکی
وهم خلیفه شاه نصیر الدین محمود چراغ دهلوی بود. مجموعه مکتبب او "مقر
تلف" نام دارد. این مجموعه را در سال ۱۳۴۲ ه. ق (۱۹۶۳ م) تاج الدین سیاه پوش
ترتیب داد که ۱۳۲ مکتوبات در بر دارد.

د. مکتوبات شیخ شرف الدین احمد بنی مغربی

تعلق شیخ شرف الدین احمد بنی مغربی به سلسله فریبی بود و او این
سلسله را در ایالت بهار فروغ شاپانی نام خود مجموعه های مکتبب شیخ در
صفت است که مکتوبات یک صدی و مکتوبات دویست و سی نام دارد. اول الذکر
مشمول است بر خطوط به نام قاضی شمس الدین جوهری. این مجموعه به زبان
اردو هم نقل شده است.

ه. مکتوبات اشرفی

مجموعه مکتبب حضرت سعید اشرفی جیلانر مشکی است که فرزند
سلطان ابراهیم فرماشوی سلطان بود و بر سلطنت پشت یازده به حلقه منصوره
در آمده بود. مجموعه مکتوبات ایشان به عنوان "مکتبب اشرفی" هم خیلی
معروف می باشد.

۲- مکتوبات گیسو دراز

حضرت بنده نواز گیسو دراز به سلسله چشتیه منسوب بود- و عمر خود به مقام گلبرگه (ایالت دکن) پسر نمود- او مرید خواجه نصیرالدین محمود چراغ دہلی بوده است مجموعه مکتوب ایشان به نام "مکتوبات گیسو دراز" معروف است-

۳- گلزار لولہ

مجموعه ۱۴۱ مکتوب است که نوشته صوفی بزرگ ایالت بنگال شیخ نور الدین معروف به قطب نور الدین می باشد- این مجموعه را احسان الدین ملکپوری ترتیب داده است-

۴- مکتوبات شیخ عبدالقدوس گنگوہی

شیخ عبدالقدوس صوفی بزرگ معروف و صاحب کتب و کرامات بوده است- صاحب تالیفات کثیره بود که در آن ها مجموعه مکتوب شیخ هم شامل است که ۱۹۳ تفسیرها در بردارد-

۵- مکتوبات حضرت خواجہ یحییٰ بانی دہلوی

خواجہ یحییٰ بانی دہلوی بانی صوفی بزرگ و مرشد حضرت شیخ احمد سرھندی صاحب بہ مجدد الف ثانی بود- مجموعه مکتوب او بر ۹۳ خطوط مشتمل است-

۱۰- مکتوبات کلینی

مجموعه نامه های شیخ کلیم الله جهان آبادی است مشتمل بر ۱۳۲ مکتوب که در سال ۱۸۹۷م از دهلای نشر شده بود. غیر از مسائل تصوف از این مکتوبات راجع به سرگرمی های تبلیغی هم اطلاعات شایسته بهیم می رسد.

۱۱- مکتوبات امام ربانی مجدد الف ثانی-

چنانکه از عنوان ظاهر می شود این مجموعه مکتوب حضرت شیخ احمد غزالی، نقشبندی سرهندی است که لقب او امام ربانی و مجدد الف ثانی بوده است. در سلسله مکتوبات این مکتوبه اهمیت فوق العاده ای دارد. نام های است که به نام سرمدان و دوستان و عقیدت بیان خود می نوشتند.

۱۱- مکتوبات شیخ محمد معصوم

شیخ محمد معصوم خلیفه حضرت مجدد الف ثانی بود. این نامه های بسیار مهم به نام شاه اورنگ زیب عالمگیر برای معروف عصر خود و هم به نام سرمدان و اراد استغفار نوشت. شیخ محمد معصوم کار با لفظان پند و مرشد خود نامه داد وینت زندگی با مقصد و با موفقیت بسر برد.

۱۳- مکتوبات شاه ولی الله دهلوی

شاه ولی الله محتاج هیچ معرفی نباشد. شخصیت او مانند آفتاب روشن

است. او هم عالم ربانی بود و هم صاحب عرفانی. مکتوبات او که به زبان فارسی نوشته شده بود، به چاپ رسیده است.

۱۴. مکتوبات مرزا مظفر جان جانا

این مجموعه بر ۸۸ نامه ها مشتمل است. او یکی از مصوفه معروف سلسله نقشبندیه به محسوب می شود است که در مکتوبات خود بیش تر را جمع به احوال و اشغال صوفیانه حرف زده است.

۱۵. مکتوبات شاه غلام علی

مکتوبات شریفه که مجموعه شامل بیست و پنج مکتوب یا نامه شاه غلام علی و گرد آورده شاگردش شاه رؤف احمد زکات رانسوری (۱۲۰۱-۱۲۵۳ ه. ق.) است.

اوضاع ادبی در دوره سیک ها

غلام محی الدین قصوری از معروفترین عرفای زمان سیک ها بود. در این دوره زبان دیوان دستگاه حکومتی فارسی بود. یعنی زمانی که صدفا سال بود در هند زبان رسمی و دیوانی حکومت های کوچک و بزرگ شبه قاره به ویژه در میان فرماں رواها و پادشاهان و نیز زبان میثقی میان گویندگان زبان های گوناگون این سرزمین به طور بود. اما در این هنگام، با گسترش روز افزون علوم و

قدرت انگلیسی ها در هند، فارسی در آن جزو به قول نهاد و فارسی کار بردی
 هندیان، به ویژه در شرو و از آن میان در پنجاب، بلخ، گوری گسترده از واران
 اردو و هندی و بومی دستخوش انحطاط شده بود. خود سبک ها در ادبیات
 فارسی شبه قاره، سهم شایان توجهی ندارند و شمار نویسندگان سبک در برابر
 هند و ها بسیار اندک است. با این همه، گروهی از سبک های درسی خواننده آثار
 سوادمندی در زمینه های گوناگون به جاهای اندک بی علاقهگی سبک ها به زبان
 و ادبیات فارسی را می توان از سبکی ناشی از دشمنی و جنگ های خونین آن
 ها با پادشاهان و امرای مسلمان شبه قاره، به ویژه پادشاهان گورکانی دانست که
 کینه و دشمنی میان دو فرقه پدید آورد و سبک ها را از فراگیری زبان فارسی باز
 داشت. از سوی دیگر، سبک ها بیشتر در روستاهای گرهستانی مناطق اطراف
 پنجاب می زیستند و در فرصت های مناسب به گشتار و چپاول روستاهای
 مسلمان نشین می پرداختند و کم تر به دانش آموختن توجه می کردند. لذا رنجیت
 سنگه برای زبان و ادبیات فارسی اهمیت فراوان قابل بود و صاحبان علم و دانش
 از گروه های گوناگون هندو سبک و مسلمان به دربار وی می آوردند و از او
 نواخت می یافتند. مشکلات رنجیت سنگه با انگلیسی ها به فارسی انجام می
 گرفت و حتی گمان می رود که امروزه گو گویش می شد تدریس و قلم

پدر، حضرت شاه غلام مصطفی به سال ۱۳۰۳ هـ بمطابق ۱۷۸۸ء فوت شد.
 مزار آن در قصور است لذا وی در عالم سفر سنی از شفقت پدر محروم شد و به
 سرپرستی عمویش شیخ محمد پرورش یافت. علوم معقول و مقول را فرا گرفت
 و مراحل تصوف و سلوک را پیچود. از عمویش مکتوبات حضرت امام ربانی
 خوانده بود. سپس در ۱۲۳۳ هـ بمطابق ۱۸۱۸ء برای اذیت تحصیل به دهلی
 رفت و از شاه عبدالعزیز دهلوی علم حدیث آموخت

بعد از وفات عمویش در تصوف به شاه غلام علی نقشبندی دست ارادت
 داد و از او خرقه خلافت گرفت. در یک پسر و دو دختر داشت. دوباره
 ولادت پسر خود در "تحفه رسوله" پیش از ولادت وی بشارت داد. بعد از یک
 سال اشاعت "تحفه رسوله" پسر وی متولد شد. غلام محی الدین قصوری در
 ۱۲۷۰ء فوت شد و در قصور مدفون است.

پسر غلام محی الدین مولانا عبدالرسول قصوری جانشین و خلیفه وی
 بود. علاوه از این خلفاء وی به شرح زیر می باشند:

مولانا غلام نسیم نسیمی خلیفه الله شریف ضلع جهلم، مولانا غلام مرتضی

نیریل شریف، مولانا مفتی غلام محی الدین نمک مینا، صاحبزاده غلام احمد

نمک مینا، مولانا غلام دستگیر قصوری هلندی، مولانا محمد اشرف بهروی.

مولانا عطاء اللہ قندھاری مولانا کرم الہی بھروی، مولانا محمد صالح کنگاچی مولانا سلطان احمد کا نگڑہ والی، مولانا علم الدین و حافظ محمد الدین چکوری ضلع گجرات، مولانا نورالدین چکوری ضلع گجرات۔

غلام محی الدین قصوری برای ملاقات مخلصان خود سالی ہلک، دوبار بہ ہلک پٹن، لاہور، بہار، نعلک میانی، شاہ پور، چوہر کنگ، دیرہ اسماعیل خان میں رفتند اور درمکتوبات خود ذکر میں کتف۔

”وَقَتِي كِه قَتِيرِ دَرِ هَلَكِ پَتْنِ اَسْبَدَ بُوَدِ مَخْلَصَانِ مَلِكِ بَارِ بَرَايِ مَلَاَقَاتِ قَتِيرِ وَ بَرَدَنِ قَتِيرِ دَرِ مَلِكِ خُوِيَشِ اَمَدَه بُوَدَنَد۔ بَا اِيْتِشَانِ وَعَدَه نَمُوَدَه رَا جَعِ قَصُورِ شَدِيم۔ اَكْتُونِ بَرَايِ وِفَايِ اُنِ وَعَدَه قَصْدِ اُنِ سُوْبِ نِيَوَام۔ تَابَه شَاهِ پُورِ رَسِيْدَه شَد۔ فَرْدَا اِنشَاءَ اللّٰهِ تَعَالٰی قَصْدِ شَرِيفُورِ خَوَاعِدِ شَد۔“

آثار غلام محی الدین قصوری

آثار او مشتمل بر کتاب ها و رساله های زیر است:

۱- شرح گلستان سعدی به فارسی

۲- رساله علم سیرات به عربی

۳- منظومه تحفه رسوله

۴- منظومه زادالحاج به زبان پنجابی

۵- حد غلام محی، منظومت شریفه ص ۲۱

۶- اسطوانات ص ۲۰

۱۰. رساله عقاب (مطرح) در سبک نوحه

۱۱. سلاک العزیز فی تعویذ اسماء المشهوره (القراسی شام)

۱۲. حلیه سارکسی کریم

۱۳. الفنا چند در عشق و معرفت به قراسی

۱۴. دیوان حضور نقی

۱۵. لیرالطیفت

۱۶. خطبات حضور

۱۷. مکتب طه

۱۸. مکتب شریه

۱۹. مکتوبات سوادری معتمد صالح کلمی

۲۰. مکتوبات سوادری علامه معتمد

۲۱. مجموعه مکتوبات نقی در بار خود

۲۲. ریاض الطود

۲۳. منظومه شرح سوره سجنه

۲۴. خلاصه الشریع فی فقه امامت اهل البیت

۲۵. قصید عقاب

۲۱- مدح پیر زال (فارسی و پنجابی نظم) و مدح حضرت شون انقلین

۲۲- شجره های خود طریقه احمدیه و قادیانیه و چشمتیه در نظم فارسی

۲۳- رساله رد فرقه و هتیه در اثبات استماع موتی است

۲۴- مخطوطات حضرت شاه غلام علی

یادرسی در احوال و زندگانی مولانا عبدالرسول قصوری

مولانا عبدالرسول قصوری پسر حضرت مولانا خواجه غلام محی الدین قصوری بود. او در قصور به سال ۱۲۳۵ هـ متولد شد. پدر وی (غلام محی الدین قصوری) قبل از پیدایش وی در "کعبه رسوله" بشارت پیدایش وی داد. مولانا عبدالرسول قصوری قرآن را حفظ کرد. ظاهری علوم در مدرسه پدر خود آموخت و به خلافت پدر خود تایل آمد. مولانا عبدالرسول به سال ۱۲۹۴ هـ فوت شد. غلام دستگیر قصوری قطعه وفات او این طور یاد آورده است:

عبدالرسول قبله عالم بخواب کرد

سلیب نبی را شد الله اکبری

ای ختم خاندان قصور از تویی قصور

خلف الرشید از اب و اجناد برتری

بهر خطا به پست پروان با صفا

آمد بحال زلمین از بنده برتری

تاریخ و اصل از سر برکت غلام خواند

رونق فرای دین متین پیمبری

مولانا عبدالرسول به زبان فارسی و عربی شعر می گفت، عزل او به زبان

فارسی درج ذیل است

بها که رنگ گل و گلستان نخواهد ماند

بها که غلغلة بلبلان نخواهد ماند

منازلیل کاین گلستان نخواهد ماند

ندرو و قمری و سرو جهان نخواهد ماند

غنی و مفلس و شاه و گداو مال جهان

ملوک و مملکت، زمین و زمان نخواهد ماند

کجا است آن جم، جام جهان نعلیش کجا

چو خضر زند گیش جلوان نخواهد ماند

تن تو در شکم گور خاک خواهد شد

به فر تو گلو دوستان نخواهد ماند

فروش شاهی خود را ای عبید رسول

که شان و شوکت و نام جهان نخواهد ماند

معرفی نسخه خطی

تکمیل در روز ۱۳۰۵ قمری در شهر اصفهان

خط و سبک کاتبی آریه و شرح درسی است

نصف اول

بر کتاب الفقه کبیر ابن ابی شیبہ از امامان اربعین

بر حدود اربعین در روز ۱۳۰۵ قمری در شهر اصفهان

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

کتاب

الفقه کبیر

ابن ابی شیبہ

www.mujaddidway.com

معرفی نسخه خطی

"مکتب شریفه" از غلام محی الدین قصوری" به صورت دو نسخه

خطی و جود دارد که معرفی آن ها به شرح زیر می باشد.

نسخه الف:

در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاہور به شماره ۴۳۷/۱/۳۷۸۰ نگه‌داری

می شود و این رساله به کار بردم و در این رساله به طور نسخه الف یاد شده

است.

مؤلف: غلام محی الدین قصوری

صفحات: ۱۰۱

قطع اندازه: 17.5" X 11.5" سانت

خط: شکست

سطور: 19

آغاز:

مکتوب اول

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالشُّكْرُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ



لَا كَيْفَ بَرَّيْنَا وَلَا كَيْفَ

لَا جِدَّةَ وَلَا تَعْبَدُ

الغلام:

کتاب مفتاح الصلوة و اجزاء شرح تصیہ ضرور خواہند فرستاد.

وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ تَبِعَ الْهَدٰی ؕ

چگونگی مخطوطہ:

بعضی جا کرم خوردہ و کلمات از بین رفتہ و ناخوانا است

لشکہ بہ

در کتبخانہ شخصی بر اسور محکمہ اہل مجددی گرفتہ ام در این نسخہ

فقط مکتوبات بہ نام غلام ہی موجود است این نسخہ آغاز و انجام ندارد.

صفحات: ۸

قطع ندارد: ۱۹.۵ × ۱۴.۵ سانت

خط: نستعلیق

سطور: ۱۵

آغاز:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَنْزَلَ عَلٰی عَبْدِهِ الْکِتَابَ وَ اَلَمْ یُخَلِّقْ لَهُ سُوْرًا

بخط نستعلیق
بخط نستعلیق
بخط نستعلیق

اختتام:

دیگر آن که محمد صدیق اهل صلاحیت است طریق شده است توجه
برای جاری شدن قلب او نموده شده، جاری شده است هر طور او را مشغول
عنايات خود فرمایند والسلام: تمت تمام ل
این نسخه را "نسخه ب" نام داده ام.

معرفی "مکاتیب شریفه"

مکاتیب شریفه از غلام محی الدین قصوری که تصحیح و تدوین متن آن
به عهده اینجانب بود، یکی از نسخه های خطی است که آگاهی فراوان درباره
تصوف و طریقت مروجه آن زمان و سوفیای آن دوره را در بردارد.
در این مجموعه هشتاد و یک مکتوب متعلق به غلام محی الدین قصوری
می باشد، و هفده مکتوب به پسر وی عبدالرسول قصوری تعلق دارد.

غلام محی الدین قصوری این مکاتیب را به پدران خود، مفتی غلام محی
الدین، مولوی غلام نس، محمد سراج الدین، مولوی نور محمد، بیان دین
محمد، محمد کامل، غلام حسین، پیر بخش نوشته است. به نام مفتی غلام

محی الدین مکتوب را این طور آغاز می کند
"الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ وَجْهِهِ
وَ حَسْبُ نَعْمَتٌ عَلَيْهِمْ"

درجہ برادر دینی و مخلص یقینی مقبول الٰہی موصول بارگاہی صاحب
حضور و آگاہی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمہ رب العلمین لاقادۃ
المسلمین لا عنان معین الاقام بعد لا سلام اللہ علیکم و علی جمیع من لدیکم
معروض ان کہ رقیبہ کریمہ ایشان از دست مبارک جوامہ حجام رسیدہ مسرور
گردانیدہ —————

وہ نام غلام محی الدین طور می نویسد۔

اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِہِ الْاَبْنٰی اسٹافی، برادر دینی و مخلص یقینی
مقبول الٰہی موصول بارگاہی صاحب العضور والا شعلال حضرت مولوی
غلام محی سلمہ خلیق الشیخ والشیخ القدر غلام محی الدین احمدی قصوری
رزقہ اللہ تعالیٰ دوام العضور بعد لا سلام اللہ علیکم و علی جمیع من لدیکم
معروض ان کہ الحد للہ والامتہ کہ قدر امروز کہ روز پنجشنبہ چہار دہم ماہ
شعبان المعظم است۔

واختتام ہر مکتوب این طور می کنند

رقیبہ

قدر غلام محی الدین قصوری علی عنہ معرورہ بہ تاریخ عقدہم ماہ ربیع
الاول ۱۳۳۲ ہجریہ مقدسہ اشہاد اللہ تعالیٰ بہ مطالعہ لا بعدہ مفتی صاحب
سہیل مقبول برادر دینی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمہ رب العلمین در

ایضاً

درجہ برادر دینی و مخلص بانی مقبول آلہی موصول بارگاہی صاحب
حضور و اگلی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمہ رب العلمین لافادۃ
المسلمین از عمام معدن الاقام بعد از سلام اللہ علیکم و علی جمیع من لدیکم
معروض آن کہ رقیہ کریمہ ایشان از دست مبارک جویا حجام رسیدہ مسرور

گرفتیدہ —————

بہ نام غلام محی الدین این طور می نویسد۔

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى، برادر دینی و مخلص بانی
مقبول آلہی موصول بارگاہی صاحب الحضور والا ضحاک حضرت مولوی
غلام محی سلمہ خالق الشیخ والمسیح الامیر غلام محی الدین احمدی قصوری
رضی اللہ تعالی عنہم الحضور بعد از سلام اللہ علیکم و علی جمیع من لدیکم
معروض آن کہ الحمد لله والامت که تقریر امروز کہ روز پنجشنبہ چهار دهم ماہ
شعبان المعظم است۔

واختتام هر مکتوب این طور می کند

رقیہ

قر غلام محی الدین قصوری علی عنہ معروض بہ التریخ عظیمہ ماہ ربیع
الاول ۱۳۳۲ ہجریہ مطبوعہ النشاء اللہ تعالی بہ مطابعہ لا معہ مفتی صاحب
مبارک مقبول برادر دینی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمہ رب العلمین در

آید۔

درجت برادر دینی و مخلص یقینی مقبول السی موصول بارگاہی صاحب
 حضور و اگاہی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین لافانہ
 المسلمین از ہتمام معفن الا نام بعد از سلام اللہ علیکم و علی جمیع من لدیکم
 معروض آن کہ ربیعہ کریمہ ایشان از دست مبارک جواہر حجام رسیدہ معروض
 گردانیدہ —

بہ نام غلام محی الدین موصول

اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ وَ سَلَامٌ عَلٰی عِبَادِہِ الَّذِیْنَ اَسْتَظَلُّوْا بِرَادِہِ دِیْنِی وَ مَخْلَصِ یَقِیْنِی
 مقبول السی موصول بارگاہی صاحب الحضور والا ضحلال حضرت مولوی
 غلام نبی سلمه خالق الشیخ والنسی از قلم غلام محی الدین احمدی قصوری
 رزق اللہ تعالیٰ دوام الحضور بعد از سلام اللہ علیکم و علی جمیع من لدیکم
 معروض آن کہ الحمد للہ والامت کہ قلم امروز کہ ۱۰ پنجمینہ چہار دہم ماہ
 شعبان المعظم است۔

واختتام ہر مکتوب این طور می کند

ربیعہ

قلم غلام محی الدین قصوری علی غتہ معررہ بہ تاریخ ہفتم ماہ ربیع
 الاول ۱۳۱۳ ہجریہ مقدسہ انشاء اللہ تعالیٰ بہ مطلقہ لا معہ مفتی صاحب
 سہروردی مقبول برادر دینی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین در
 آبد۔

ارزش ادبی "مکاتیب شریفه"

مؤلف در این مکتوبات بسیار نکته های جالب بیان نموده است که یکی ادب دوست نمی تواند که از آن صرف نظر کند. چند نکته های مهم ادبی این تالیف به قرار ذیل است:

☆ غلام محی العین با عبارت های مسجع و مقفی مکتوبات را مزین ساخته است مثال:

"هر کجا که باشند با خدا باشند و معرض از ما
سوابقند. عرض از زندگی ادای وظایف جسمانی
و روحانی است و وظیفه جسمانی ترك شهوات
نفسانی است. و وظیفه روحانی ترك خنکرات غیر
حقانی است" ۱

"در خدمت بزرگت جامع حسانت، منبع خیرات،
امام العزیز، نفاع المسلمین، مظهر هدایت و ارشاد،
صاحب صدق و استناد، جناب مفتی صاحب" ۲

☆ مؤلف این مکتوبات را از اقوال بزرگان و عربی عبارت تزیین داده است.

به طور مثال:

و در اقوال بزرگان اکرام و ارادت است

”مَنْ حَسِبَ الزَّوْجَ الْأَعْلَىٰ فَهُوَ يَنْطَعِ الزَّوْجَ الْأَعْلَىٰ“

عربی عبارت:

”الخير فيما مع الله افضل بنينا مولانا ما انت له

اهل ولا تفعل بنينا مولانا ما نحن له اهل“ برادرا

چون اعتماد بر امر هیچ نیست و کار دنیا هیچ در

هیچ نیست.”

☆ غلام محی الدین قصوری در برخی موارد از آیات عربی نیز استفاده نموده

است. مثال

”مَنْ مَنَعَ الْإِنْسَانَ مِنْ حَقِّهِ كَفَرَ بِاللَّهِ

بِالْفِعْلِ وَالْقِيَانِ وَالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ“

☆ مؤلف از آیات شعری بزرگ مثل جلی و شیخ سعدی استفاده نموده

است

جلی:

عزیمت کرده روزی عسکری

که بهر خود کند تحصیل قونی

بیست و هفتم

بجائی دید شهبازی نشست

ز قید دست شاهان بلورسته

زمانی کلرد در بیکار او کرد

لعاب او همه در کلر او کرد

چو آن شهباز کرد از وی کناره

لعابش غیر تازی چند باره

مسم آن عنکبوت زار و زلف

فتاده از مراد خویشش دور

سعدی:

نصا کشتی آنجا که خواهد بود

و گونا غنا جامه بران دره

☆ غلام محی الدین قصوری در این مکتوبات به خود به نام های گوناگون

یاد کرده است.

مثال ها ملاحظه شود

کلیه در خدمت برادر دینی و مخلص دینی

محمد اشرف سلطه رب الاقوی والاضعف از دعا

گوی مسکین غلام محی الدین احمد عفی عنہ^۱
" ازادہ فقیر بعد از عید ماہ مبارک فریاد حج شریف و
صلیوات ہزار مبارک حضرت بابا صاحب
مقرر است "۲

ارزش معنوی "مکاتیب شریفہ"

از لحاظ معنوی این مکتوبات ہم بسیار غنی است مؤلف در این
مکتوبات خیلی چیز ہا را ذکر کردہ است کہ از لحاظ معنوی این مکتوبات را
بہ مرتبہ بلند سرتر از می کنند۔

مؤلف از گوناگون کتب ہا و رسالہ ہا استفادہ نمودہ است۔

مخدوم الاولیاء حضرت پیرعلی ہجویری در "کشف المحجوب" در احوال
خود آورده اند "کہ روزی من پر خود را وضو می کشا بدم در فل من آمد کہ
ہر گاہ ہر سو بہ فضا و تقدر الین است۔ جلسہا پس از اذان چرا خود در بند
دارند و خدمت پیران کنند۔ سربلک بالا کردہ فرمودند "ہر گاہ کہ حق
سخنہ تعالیٰ خواہد کہ تاج شامی بر سرخوان زانہ لہد" اورا در خدمت
دوستان خود فرستاد۔ اتنی و نیز آورده اند کہ در آخر وقت حیات کہ نوع
عقرب بود۔ من در خدمت ایشان بودم از یکی راجعی بہ فل داشتم نظریہ من

کرده فرمودند "ای پسر ترا یک مسقه شرعی بیا موزیم که از رنج هادل تو فارغ شود. بدان که هر گاه به قضا است و رضایه قضا واجب" این بگفتند و جان به حق تسلیم کردند!

حضرت امام شیخ حافظ احمد قسطلانی که امام علماء حدیث است، در "مواهب لدنیه" نوشته "که نور روحانیت سید الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم مانند نور شمس است که در هر جامی نهد، هم در مشرق و هم در مغرب، کسی چنانست که از آن نور مستور است، پس این نور را غایب پنداشتن راه نابینانان برداشتن است!"

حضرت شیخ جان محمد جالندهری در رساله کلمات طیبات نوشته اند که من در وقعه از وقایع از سید الانبیاء پر سیدم "یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من در جلند هر و آن جناب در مدینه مبارکه، پس احوال مرا آن حضرت چگونه می یابند؟ آن حضرت فرمودند: "که من به هر مومن نزدیکترم از نور چشم او به چشم آری من لَمْ یَلُکْ لَمْ یَدْرِ قَدَرِ کَرِیمِ لَرَشْفَلُوتِ بَعْدَ نَسِی کَرِیمِ و اَرِهاند و به سعادت حضور آن نور رسانند."

☆ مؤلف برای وضاحت جا به جا از آیات قرآنی احادیث نبوی استفاده

نموده است.

به طور مثال آیت قرآنی

“ لا جرم با به نامن مصارت کشید ” اِنَّا اِلَيْهِ
 رَجَعُونَ ” آن واقع اسرار قضا و قدر را بهم لازم که
 متوقع حصول نعمت معیت که خلاصه هر امنیت
 است خود را داخل ما صدق ” اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰلِحِيْنَ ”

گرداند]

به طور مثال حدیث لجرى

و شکر بیان کبار که واسطه واسطه اند بجهانید آورد
 و فی الحدیث ” مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّامُ لَمْ يَشْكُرِ اللّٰهَ ”
 * مؤلف مکتوبات را و ظائف و اوراد را بهم آرامته کرده است
 ” که خدای عطا محمد مبارک باد جنبه الحلال
 عقده اشکال مابین ستاره الفجر و الفرض يك صد يك
 بار ” يَرْجُمُ ” و يك صد يك بار ” الرَّجْمُ ” می

خوانده باشند]

* ” می باشد که بر غوره در سراج الدین را به فرمایند که این دعا بعد از هر
 نماز سه بار خوانده باشد ” اَللّٰهُمَّ اجْزِنِيْ فِيْ مُصِيْبَتِيْ وَ اَخْلِفْ لِيْ خَيْرًا
 مِنْهَا ” انشاء الله تعالی به اجر این صورت نیز خواهد شد]

مؤلف در بین واژه‌های محلی نیز به کار برده است مثلاً:

دمڑی، ڈیرہ، وغیرہ

روش کار

متن مکتوب شریفه به شیوہ نوین ویراستاری و تصحیح گردیده است۔

ہنگام تصحیح متن نکات زیر را مراعات گردیده است۔

☆ حرف اضافی "کے" جز فعل به صورت جدا گانہ نوشته شدہ است چون:

ہدست: بہ دست

بتاریخ: بہ تاریخ

☆ "می" از فعل جدا گانہ نگاشته شدہ است چون:

میکنند، می‌کند

میرسند، می‌رسند

☆ در برخی موارد نسخہ "گ" بہ صورت "ک" آمدہ بود۔ ہنگام تصحیح

متن "ک" بہ "گ" عوض گردیدہ است:

کردن، گردن

کشودن، گشودن

☆ بعضی جملات میان "س" و "ش" نبود کہ ہنگام تصحیح این درست شد

است چون:

جسین جلیس

۱۶ پسوند "ها" به صورت جدا گانه نگاشته شده است مثل:

انضامها، افضلها

بسر تنها، بمرت ها

۱۷ املائی برخی واژه ها به شرح زیر عوض گردیده است چون:

میباشد، می باید

اوشان، ایشان

مجلس، ملت

دویم، دوم

ذات، دات

۱۸ به جای "بای" و "جهول" "بای" معروف بر کار برده شده است مثال:

شپاری، شپاری

آسی، آسی

۱۹ بعضی جا تفاوت میان "ق" و "ک" بود که هنگام تصحیح این دوست شده

است چون شرفیور را شرفیور عوض گردیده است۔

☆ بعضی جا واژه هابدون نقطه نوشته شده بود. هنگام تصحیح نقطه ها گذاشته شده است.

☆ بعضی جا تفاوت میان "ح" و "ه" نبود. که هنگام تصحیح این درست شده است. مثل حجوبری را هجوبری تبدیل گردیده است.

☆ نام ها که در متن آمده است، از آن ها در تعلیقات توضیح بیشتری داده شده است. از واژه های مشکل متن يك فرهنگ نامه یادکر معانی مرتب گردیده است و بعد از تعلیقات وقوع یافته است.

نَمُوذِرٌ لِّلْعَالَمِينَ
يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ
دُخَانًا مُّسَكَّرًا
تَوَسَّطَ الْجَحِيمِ الْمُلُوكُ
فِي ظُلْمٍ لَّيْلٍ مُّسَكَّرًا
لَمَّا كَانَتْ هُمْ مَحْمُورِينَ

www.mujaaddidway.com

سورة الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوْتَادَ
مِمَّا يَدْرِكُونَ
بِالْحَقِّ يَدْعُونَ
تَلَوْنَاهُ بِالْأَعْيُنِ
وَمَا يَدْرِكُهُ الْمَن
وَمَا يَشْعُرُ بِهِ
الْأَلْبَانُ
وَمَا يَدْرِكُهُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي خَلَقَ
الْمَوْتَادَ مِمَّا
يَدْرِكُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوْتَادَ
مِمَّا يَدْرِكُونَ
بِالْحَقِّ يَدْعُونَ
تَلَوْنَاهُ بِالْأَعْيُنِ
وَمَا يَدْرِكُهُ الْمَن
وَمَا يَشْعُرُ بِهِ
الْأَلْبَانُ
وَمَا يَدْرِكُهُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي خَلَقَ
الْمَوْتَادَ مِمَّا
يَدْرِكُونَ

www.mujaahidway.com

۱۰۰

مکتوب اول در صورت بارین منظر است که در میان القوم کمال السادین
 ملبوسان آن حضرت موهبا فقام محمد بن متفان الله و جیب السین بلور شوم و جمل
 بر کتف آیین از موهبت بسیار آن عتیقه در آنجا از من سیاه شد
 زیادت مستوفی در صورت با جایت منور و مشهور نگذار استماع
 هر چه مشرف به من طوریه حزن و اندوه غم و الم کبر کمال بخاطر ناتوانی سر سمانا که
 که نوبت صحبت و تلامع اعراضینا مکرر بود که چون بجناب و اب قال بجا آورید
 نقل آن حضرت در موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 این دنیا مظهر علم و سرور بود که یکبارگی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 حضرت سید جید که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 در آن آنکس قلب و القیاسی موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 که قابل مکرر موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 چنین بود که این موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 و عاشق فانی بود در موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 المیر علی العایب و لاجرم ما من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 سعادت نژاد موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 تقاضا موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 موفق و موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 برکات ظاهر و باطن موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من
 ذات ابرکات موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من موهبتی که در آنجا از من

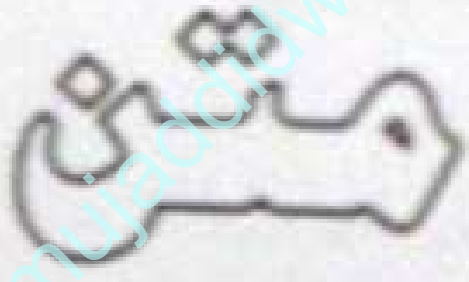
۱۰۱



www.mujaaddiaway.com



www.mujaaddidway.com



مَكْتُوبٌ أَوَّلٌ

أَعْتَدَ لِمَنْ هُوَ الْوَجِيدُ

وَالشُّكْرُ لِمَنْ هُوَ الْعَجِيدُ

لَا كَيْفَ لِرَبِّهَا وَلَا كَيْفَ

لَا حِدَّةَ وَلَا تَبِيدُ

مَنْ تَعَلَّمَ صَلَواتَهُ لَا عَيْدُ

لَا عَدْلَ لَهَا وَلَا عَيْدُ

وَأَلَى وَسَخِرَ الْعَظِيمُ

وَالنَّعْمَ وَكُلُّهُمْ سَعِيدُ

مَنْ أَعْطَاهُمْ فَلَدَ تَرِيدُ

فَدَ كَانَ نُجَّتَهُمْ حَيْدُ

بَعْدَ مَقْبَلِ أَحْفَرِ السَّمَاءِ وَأَجْرُ الشَّرِّهِ الْمَسْكِينِ الْمَسْكِينِ الْكَيْثُ الْعَزِيدُ

سَلَمُوا الْقَلْبَ بِأَلْسِنِ الْعَفْرِ عِلَامِ نَحَى الْبَيْتِ الْعَلِيِّ نَلَعْنَا وَالْقَضَوِيُّ نَوْلَمَا

وَمَسْكَنًا وَالسُّكْرُ لِرَبِّ الْعَلِيِّ نَلَعْنَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ الْقَائِمُ الْقَائِمُ إِلَى خَيْرِهِ مَنْ حَرَمًا

اللَّهُ تَعَالَى بِتَحْفِيظِهِ طَبِيعَتِهِ مِنْ تَرَابِ مَدِينَةِ الرَّسُولِ وَشَهْرَةِ لِي الْحَرَامِ الْوَالِدِ

كاشف في رابعة النهار وهو مزيد الخمول وذوقهم أسرار القرآن والحديث
 وبهارة كل عوي وخيب منغص أنواع العلم والعرفان منج القسام الشعام
 والاعناس المتخيل بأخلاق سيد المرسلين القائل بنا "أنا من المتكلمين".
 طاهر النسب مطهر العصب معلول خضرة البرقي، زبدة آل اس ٢٠ إلى أبوت
 الأنصاري مولانا الشيخ أحمد غزب، صلاة الله تعالى عن كل كذب طي لنا
 سمعت في بلدة قصور ذكر مدائح جنابكم بالوفور طرز شولي إلى إيتاركم نوران
 الثور فر كنت المطايا وركبت المنابر لطفك القيلي والشايب وتغجلت
 بنا ناسب وما لا ناسب حتى وصلت إلى موضع شيخ يوسف حفظ الله تعالى
 ساكنه عن الشعب فتبينت أن خدماتكم أدخلوا من هذا المقام بكثير من الأيام.
 فتعزت منهنوا وتضرت منهنوا فلكنا لم أجدهم من أهي تمكك به افعل
 العلي، قلن الله بيرة السلي.

عزمت كرد روي عنكوتی

که بهر خود کند تحصیل قوتی

بجلی دید شهبازی نشسته

ز قید دست شاهان بر رسته

زمانی کلر در پیکارا و کرد

لعب او همه در کلر او کرد

جو آن شهباز کرد از وی کناره

نعلندش غیر تازی چند بهره

منم آن عنکبوت زارور نجور

فتاده از مراد خویشتن دور

فَلَيْتَ عَرِيفًا فِي أَعْيُنِ الْعُمَمِ وَخَرِيفًا فِي أَعْيُنِ الْهُمَمِ مَحْتَى وَضَلَّ كِبْرِيَاكُمْ
 الْعَالِي السَّكَلِي كَاللَّالِي ، مُخْتَرًا بِاسْمِ هَذَا الْعَالِي نَجَاةَ اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ يُؤْخَذُ
 بِالْأَعْدَامِ وَالنَّوَامِي مُصَلِّيًا لِمَا سَجَفَتْ بَيْنَ الْأَعْيُنِ وَالطَّرَانِ مِنْ كِرَامِ الْخَلَائِكُمْ
 وَطَطَّامِ إِسْفَاقِكُمْ مَعَ الْأَشْرَانِ وَالْأَخْلَافِ - وَأَيُّ جِلَّتِ أَخْتَرُ مِنْ هَذَا السُّفْسَافِ -
 وَأَيُّ لَطَفِ أَكْبَرُ مِنْ تِلْكَ الْأَطْفَانِ الْفَجْرَاكُمُ اللَّهُ تَعَالَى جَزَاءَ الْأَسْلَافِ مِنْ
 الْأَخْلَافِ - فَخَضَلْ بِذَلِكَ الْعِبَادَةَ تَعَدَّ الْمَنَامَ فَإِنَّ الْمَكْتُوبَ لَسَبِّ الْخَلَائِقِ نَزَالٌ
 عَنْ قَلْبِي بَضْفِ الْأَخْرَانِ وَاللَّهُ قَادِرٌ عَلَى إِزَالَةِ النُّصَبِ الْبَاقِي بِالْفَضْلِ وَالْإِحْسَانِ -
 وَأَلَيْسَ كُمْ نَسَمَ الْإِسْتِغْطَانِ أَنْ لَا إِسْمَ - كَأَنْتُمْ سَوِيٌّ مِنْ نَعَاةٍ حُسْنِ الْعَالِيَةِ وَخَيْرُ
 الْعَالِيَةِ مِنْ قَلْبِكُمْ الضَّاهِي فِي التَّحِيَّةِ الْمُؤَوَّزَةِ بَعْدَ الرُّؤْيَا الْمُطَهَّرَةِ وَبَعْدَ بَيْتِ
 اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى الطَّوَابِ وَبِئْسَ أَسْأَلُ اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُجْمَعَ تَبَتُّا وَتَبَتُّكُمْ بِفَقْرِهِ فِي

الذئباً بالجسمان أو بزخمتيه في الجنان وأن يُخرجكم وإيها من دار الكفر والطغيان
 التي دار الإيخان بالأمن والأمان وما توفيتي إلا بالله إليه تبتلي وعليه التكلان -
 وصلى الله على خير خلقه محمد سيد الأنس والجان ما كثر الجليلد ان وما نؤد
 الفرقدان آمين يارب العالمين - وإزادة الفير المستهام الإلانة في هذا الحقام إلى
 آجر شهر محرم الحرام فإن تفضلتكم وتصلحتكم بجواب هذا الجرقاب فهو غين
 الرحمة وموجب لإزادة الثواب والله أعلم بالصواب -

جواب از مكتوب اليه رحمة الله عليه *

سلام الله ما كثر التلي

على تلك التسائل والتكالي

سلام في سلام بالسلام

على مخلوم أشتاب الكرام

سلام على عالمي متولي

به حل من فان كل الأنام

سلام على طائفي كغيب

بطولها تم حج الكرام

نداء كواكب الراس ونهوضه خطيرى

التيكتم والفتواهي على النغم الكثر

فان لم تكن على نوالته فلان لي

استن نوالى بالذعام وينسكرا

الغنىة ايمو المنو نهد بدميق الامعاء والامعاء المنكروا بروايع الانشاء

والاخرى مقلون منير لي بحر الوداء منقذ الرقاع وينقلهم القساوي وجرار النوايح

وكتير حتم الاكواع والاقواع في هواه الاجتماع يماكتيوا مشني ولألفه ووقاع

والضلوا والستلام على وسوايه المنكروا المنكطي من نوي الانسلي المنكروا من

سكبر النوايح وعلى الء والفاء صاحب الفرة والاضطجاج والمنطوية مع الاخشاب

والنوايح

كسابتة منو كوك مشني المنطوا والعا ف ايمو الاخشاب المنو نهد من

قروسي لي ونكروا الفنى حنك النغم القروى ايمو الاخشاب المنو نهد والخطبي

حداي الوداء منطبع الفضائل وسك النوايح منزع الاكليم وسكها الاكليم

خاير استن النكلاية والمنكوب حايض تغلي القردا والسرلاب منكر الحيرة

الانطوي والاضطجاج حطوب وسكها منطبي الاضطجاج والمنكروا الاضطجاج منكر

المنكروا المنكروا نوا حنك النغم القروى ان حنك النغم القروى حنك

سلام كراچي الرزق من نهدله خاطر

النكم وانوالى على النعمه اكثر

لما لم تكن على نراكم لانا

انسان نوالى بالمعاه ويشكر

العند لمه المشوقه بتعالج الامعاء والامعاء النظره بزوالع الانشاء

والاختراع باليدى حيز في بحار الوداد نشفاء الزجاج بدفهم السان وجراح التوايح-

وعن حيز الاتوايح والانتوايح في هواه الاجتماع "بما يخطو نفسى وللاطه وتناج"

والظلوا والسلام على رسوله محمد والتطلى من نبي نوع الانسان النكرم تن

سليم الاتوايح وعلى ايه والله صاحب الام والاشطناج وانصاحه مع الاختاب

والانتاج-

انما بقدر شوقه شغف اللغوات والعا ف امر النكم التسلية من

الزاجى الى زخونه الفنى غناء اعلى العزى الى اعلى اخوار الضفاء واغلى

غلام الوقاء منفتح المنطقى ومنع الفوايد منزع الانبل وتلغا الاقاييل-

خبر انسان الكمال والفتك طبع على المرحان والعراب مركز قلوبا

الاطمان والاشطناج تحكب منظره نخلص الاضمان ونكرم الاخلاي ونور خلقه

النحو الضاعى نور خديقه السطفاه الزاويه ان فناء الما نطول جناب رب

الغالبين على مؤلفنا شيخ صاحب شيخ غلام نعي الطيب المشايخ الصديقين
 والى انساب الطالاب بفلايد فزايه فوايد، مؤشعة والقوة النجيب المنعكبين
 برشخاب فيه مؤشع فالتكشوف بحالها الغابر الخاكي المشخاب النابر في
 كنت مضمونا بقراب العلم وعرويه ومنهوما بقول اقتاره وشنوبه مبنا
 علوم الآداب الذي قلنا على القنوب في الرتب انما انشخر في العتبات المهدي
 المستغلبة من عروبان بخاره والتولفت بنواحي الرسل المؤشعة والاسامع
 المنشخرة من الاغار نسيم انخلاء حتى كلفت بيتا نابعه وانخراي تغلوت
 لنور المؤشع وانساع المؤشع والافند ومن انما الكنت المنسخت طبرع
 من الجصاب طابع في مراتب البلاغة التي الصاب كالت انما اولي الآداب
 ان هذا القس طبعات "لقنفرح بتطاعه شرفا وادبه قلوبى وعنه به اربى
 وكمل بوزوه نضالتي ومنسرتني والاقبين خلافا "للمشرون بها العكرون"
 ولتقن بفتاة "سفره من زجني نختوه جنتا بسنك" كقول الشاعر الفارسي

امر ه الطان من نورا تو آمد بسوي من

گنم مگر نسیم خدایا چه رسیده

با اسرار بحیر غور شهید طود سوخت

با کدیوان شمشک ز راه سخن رسیده

ز اب حیات مکرمات لطف، ہم جو حضور

عمرم دراز کرد کہ عمرت دراز باد

از روی لطف مخلص نادیدہ را نواخت

مخلص مباد، بی او مخلص نواز باد

آتالیٰ مِنکَ یا فخرَ الاعلیٰ

کِتَابُ لَفْظَةِ مِثْلِ اللَّالِیٰ

آتالیٰ کِتَابُ مِنْ کَرِیْمِ کَانَ

قَلَابِدُ فَرْقِ لِي نُحُورِ الْكَوَائِبِ

قَلْبُكَ لِي اَعْلَا وَسَهْلًا وَمَرْحَبًا

بِخَيْرِ كِتَابِ اِجَاءِ لِي مِنْ خَيْرِ كِتَابِ

وَرَدَتْ عَلَيَّ صَجِيحَةً مِّنْ فَاوِئِلِ

فِي الْفَضْلِ فَادَّعَى الْفَاوِئِلِ

فَلَا رَالَ نَجْدُكُمْ وَقُبُوضُكُمْ اَحْسَنَ الشَّمَالِ وَالطَّيْبَ الْاَخْلَاقِ حَبْرًا كُمْ اللهُ

خَيْرًا الْجَزَاءِ وَاَسْأَلُ اللهُ تَعَالَى اَنْ يُرَاقِنَا وَاِيَّاكُمْ زِيَارَةً تَهَيَّبُ اللهُ الْحَرَامَ ثُمَّ الرُّؤُوسِ

الْمُطَهَّرَةِ فِي الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ ثُمَّ يَجْمَعُنَا وَاِيَّاكُمْ فِي الْجَنَّةِ فَالْمَرْجُوُّ مِنْ عِنَابِكُمْ اَنْ

لَا تَنْسُونَا مِنْ الْمَحْوَابِ الْمَرْجُوَّةِ الْاِجْلِيَّةِ وَاَيْضًا لَا تَنْسُونَا اِلَى جِنِّ الْخُلَاقَةِ مِنْ

۱- در متن نسخه "المر" سهواً قلم است که باعث اختلال در شعر باشد

۲- در متن نسخه "اب" سهواً قلم است که باعث اختلال در شعر باشد

۳- در متن نسخه "الفاو" سهواً قلم است

الکتاب المُسْتَطَابِ الْمَمْلُوءِ بِالْعِنَاةِ مُجْتَمَعًا مِنَ الْكِرَامَةِ لِأَنَّهُ يُظَنُّ قَلْبِي مِنْ بَلَدِ
الْبَسْرَةِ وَتَفْرَحُ الرُّوحُ بِذَلِكَ الْأَعْرَافِ إِسْمَاءُ مَعَكُمْ إِنَّمَا كُتِبَ

كُتِبَ إِلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعِلَاحِ

عَلَى وَدِّي يُطِيرُ مَعَ الرِّيحِ

وَلَوْ أَنِّي أَطِيرُ لَطَرْتُ شَوْقًا

فَكَيْفَ يُطِيرُ مَكْسُورُ الْعِنَاحِ

إِذَا الْأَخْبَابُ فَتَكَمُّ التَّلَاحِي

فَلَا شَيْءَ لِي مِنَ الْكِتَابِ

وَالسَّلَامُ مِنِّي عَلَى خَلِيفَتِكُمْ الْأَكْبَرِ اسْمُهُ مَوْلَى غلام محمد ملواری

الشَاكِرُ قَرِيبٌ شَيْخُ يَوْسُفَ قَطَطِ

مکتوب دوم (به طور صلح نامه)

مَسْئُولًا وَمُخْتَدِمًا وَأَوْصِيًّا وَمُسْتَبْعًا، أَمَا بَعْدُ فَرَحِمَتِ مَسْئَلَتَانِ

امیر ۱۶ صاحب نشان از قزوین غلام محی الدین قادری قریشی قصوری رزاقه الله

دوام الحضور، واضح آن کہ مولوی محمد حسن نرد این ضعیف تشریف

آورده فرمود کہ کسی بی خبری من نهد و با بیت بسته است لهذا چهار

گواہ عادل شرعی کہ از اعتماد من به واقعی واقف اند، آورده ام۔ پس ظاہر می

کنیم که من بنده خدا ام و اسب مصطفی ام ﷺ و معتقد چهار بار کسارام و محب
 اهل بیت اطهارم رضی الله تعالی عنهم اجمعین و فضل هر چهار بار کسار
 موافق خلافت ایشان می دانم و اسیر المومنین حضرت معاویه را به موجب
 فرموده- حضرت غوث الاعظم رضی الله تعالی عنه و از ضلالت خلیفه پنجم می
 خوانم- و بر خوردن گوشت خرگوش چنان عاشقم که خواهم که خام خورم
 لیکن خام خوردن حرام است- پس حرام چگونه خورم؟ خر را قرضی نیستم که
 خرگوش بخورم بلکه شیر شنی ام که سراو به گوش خورم و گوشت خرگوش را
 هم جوش داده می خورم و هم پیریان- زیر آنچه هر دو مروی است- از رسول
 ائمهان و پیریان صلی الله علیه و آله و طوبی محبت قلنت دل مرا در گردن
 آفتابته و لذت خوردن کرده دل مرا از دست برده و منلی مایی چنان می دارم-
 دوست که می خورم هم گوشت و هم پوست- و علاقه منی دارم و از منقلب
 باطله مدعیه بزارم و محبت اولیاء الله دین و ایمان من است و مدح حضرت
 غوث الاعظم رضی الله عنه و از ضلالت عنها هرز جان وورد زبان من است-
 و استعداد و توسل به اولیاء الله خود می کنم- پس دیگر راجه گونه مع کنم؟ و
 نیاز حضرت غوث الاعظم رضی الله تعالی عنه من خود می دهم- پس غیر راجه
 سان راه زانم؟ و زیارت قبور عوام المسلمین را مستحب می دانم برای دعا و

استغفار (ص ۱۴) و زیارت قبور اولیاء اللہ ہم برای دعا ہم برای توبہ به فراموشی
 فیوض مشایخ آن ها پس انکار آن چه گونه سلام؟ اینست عقیده من و اینها
 است - گواہان من "فثبت بهذه الشهادة المشجعة الشريفة" دعوی مولوی
 محمد حسن "موجب علی کفی تسلیم نومین باللہ مضائقہ و مؤالانہ" پس بناء
 علیہ شیخ فتح الدین سلمه رب العلمین با مولوی صاحب محمد حسن مصالحو
 فرموده اند و لامراضی استغفار نموده اند که مجادله واقعہ فیما بین ایشان
 نفسانی نبود - بلکه محض برای دین متین سیدالمرسلین صلی اللہ تعالیٰ علیہ
 وآلہ واصحابہ اجمعین حق سبحانہ جلشاه این صلح سبب ہدایت خلق اللہ
 گرداند - بہ حرمت خون و الصادقہ

[ص ۵] مکتوب سوم

فَوَيْسَ إِلَىٰ مَنْ قَبَّلَ كُلَّ قَابِلٍ

بِالْفِطْلِ وَالْفَيْضِ وَالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ

در خدمت فیض درجت مولوی صاحب مہربان اشفاق نشان مقبول

در گاہ ملک نشان تقاع انار ضفاح العنار فیض تاسیس بالو عطا والتفہیم

مولانا حضرت مولوی نور محمد سلمه الصدق از مسکن مسکن قہر غلام

معنی الدین قادری قریشی قصوری رزق اللہ تعالیٰ دوام الحضور بعد از سلام

اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ عَلِيٍّ جَمِيعٍ مَنْ لَدَيْكُمْ مَبْلَغُ أَنْ كَمَا مَكَاتِبُهُ مَعْدِنُ الْمَعَاتِبِ إِذْ صَبَتْ
 مِيَاهُ غِلَامٍ نَسِيٍّ رَسِيدَهُ بِهٖ فَرِحَ وَنَرِحَ رَسَائِدَهُ. أَمَّا الْفَرِحَ فَلَوْ سَوَّلَ بِشَرِّهِ شَفَا بِكُمْ
 مَعَ حُصُولِ الْأَمَانِي وَ أَمَّا لَشَرِّحَ فَلَوْ سَوَّحَ عَدِمَ رِضَا بِكُمْ عَنْ هَذَا الْعَبْدِ الْخَلِيِّ بِهَرِ
 حَالِ عِتَابِ دُوسْتَانِ خَوْضِ نَرِزِ خَشْتُو دِي بِهٖ خَوَابِيَانِ دَقَلْتِي بِنَاهَا إِنْ نَظَرَ بِهٖ ظَاهِرِ
 حَقِّ جَانِبِ أَنْ أَخْلَى الْبَقِيلِ وَ أَحْسَنَ الْعَقِيلِ اسْت. اِمَا جَوْنِ بِهٖ حَقِيقَتِ الْأَمْرِ
 نَكْرَتِ اِبْنِ خَلَايِي بِهٖم مَتَشَبِهَتِ بِهٖ قَبِيلِ تَلْوِيلِ ذِي تَعْوِيلِ اسْت. كَمَا مَسْجِي إِزْ
 عَقُوبَتِ الْخُرُويِ وَ تَشْكِيلِ اسْت.

قصه محاجه حضرت كليم الله و صفي الله (عمر ۱۸) علي نبينا و عليه السلام
 ياد فرمايد و از خاطر مبارك امثال اين دعاها را ياد فرمايد. جف القلم بما هو
 كامن

تغاد تدور دست من اختيار

که بر خویشتم را کنم بخشيار

و آنچه از باب فرط اشتياق به تلاق و اعتنائ اين آمده اند. گویا از رزايين

اهل سوره گفلا انشاء فرموده اند.

ترا از من اگر بر سبه داغ است

نه پنداری کزان داغم فراغ است

از این نکته جهان آگاه باشد

که دلها را بهد لها راه باشد

اکنون تمام مسئول از در گام ذوالجلال آنست که بقدره علیه و رحمت
 علیه قبل از حلول منبه به حصول احسن الامنیه که عبارت از ملاقات جسمیه
 است در اذیه ماضیه فرمایند: "اللَّهُ عَلَىٰ مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِالْآجَاءِ جَدِيرٌ" - و آنچه
 در سوره تصحیح کلمه من توجیه زیاده و بعضیت اختیار فرموده اند: البتہ راضیہ
 ما جوده اند: اما هر دو توجیه منقول فیہ "أَمَّا الْأَوَّلُ فَلَان تَحَامِ الْمُنُونِ الْعَصْرِيَّةِ
 وَالشَّرُوحِ الْمُعْصَرِيَّةِ مُتَّفِقَةً عَلَىٰ اخْتِيَارِ مَذْهَبِ الْبَصْرِيَّةِ وَخِلَافِ الْجُمْهُورِ هُوَ
 الْمَرْجُوحُ وَالْمَشْهُورُ وَأَمَّا إِمَامُ الْفُقَهَاءِ وَالصُّوْفِيَّةِ فَقَدْ أَخَذَ فِي الْقِرَاءَةِ مَذْهَبَ الْكُوفَةِ
 لِأَنَّهُ قَوَاعِدُ الْحَوِّ وَالصَّرْفِيَّةِ وَأَنَّهُ فِي سُوْرَاتِ اخْتِيَارِ بَعْضِيَّةِ تَبْدِيلِ مَضْرُوعٍ
 مَجْرُودٍ بِمَضْرُوعٍ مَزِيدٍ مَر قَوْمٍ فَرَمُوْدَهُ اَنْد- سَهْر بِلَا تَبْدِيلٍ بِمَضْرُوعٍ مَزِيدٍ اَسْلًا
 صَحِيْحٌ كَالْمَرْجُودِ " وَهُوَ اَظْهَرُ مِنْ اَنْ يَخْفِي " اگر به جای مضارع مجرد ماضی
 معلوم مزید آرند البتہ صورت صحت پیدا کند. اعلم الله من فضائه فضیلت
 بناها این همه تاویلات رکبکات و توجیهات و ابیات از قسم دل بر جای است-
 حق آنست که اسم مبارک الله را از این فرطاس بر دارند و در دل خود فرا آرند-
 و لفظ خلق به جایش گذارند- (ص ۹) و مضارع معلوم مجرد را به ماضی مجهول

اعلام بدل سازند و در مصراع اول بهم به تبدیل و تغییر بعضی کلمات پردازند. تا شاهد بیت در دل ربانی چیست گردد و کمر معترضان در زبان گشائی مست گردد به این طریق اتقی نسبت ممکن بیان جمله متعین اعلم الخلق من فضله یعنی اعلم الله الخلق بعض فضائل حبیبه و قریبه علیه و علی اله و اسحبه الف الف صلوة و سلام با من بعضه لفظی کهنه هرگز مناسبت نداشت مناسب لفظ جمله است که نوشته شد. دل می خواهد که تمام سخنان طبع زاده علمی پدیه محفل ساسی گرامی تعلیمه آماده کرده شود که فرصت به دست نمی آید.

بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِحُكْمِ مَا يُرِيدُ فَخَيَّرَنَا اللَّهُ وَخَيَّرْنَاكُمْ لَوْصُولِهِ وَبِإِنَّا وَبِإِيَّاكُمْ قَوْلُهُ
 آمِنُ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ.

در باب تفویض فریض میان غلام نبی حاجت تکرار نیست که آن مسکین را چنانچه جز لطف پروردگار نیست و تقلید احوال مساکین عادت یا سعادت سیدالمرسلین است و قائله تعالی و ایماکم به متابعت احوال حبیب و اقواله و افعاله و اسرار و انواره. آمین یا رب العالمین.

مولود شریف که در خدمت لطیف فرستاده شده است. بر خوردار حافظ محمود را ضرورت نقل آن مهربانی خواهد فرمود که بسیار طلب نموده است. دوسه بیت در آن مولود زاینده شده اند، در پشت نوشت شده در موضع

مناسب درج خواهند نمود آن نوسه بیت برای آن زایده کرده شد که در دیوه
 چون بعضی و با بیان پیدا شده اند که منکر علم رسول الله صلی الله علیه وسلم
 به احوال است شده اند. می گویند "که رسول الله را صلی الله علیه وسلم هیچ
 اطلاع برا احوال است نیست. بلکه از گفتن با رسول الله منع می کنند و می
 گویند که با برای نداء است و نداء حضور را لقاها امر ۱۰ می کنند و رسول
 الله غایب اند و نداء غایب جایز نیست" "الی عن ذلك من الهیئات" پس
 به رد این طایفه زایده علم رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان کرده شد.
 والسلام

مکتوب چهارم

برادر دینی و مخلص دینی: مقول در گره آن موصول باز گره رسالت پناه
 محمد اشرف سلفه رب الاقوی والا ضعف از فقر غلام محی الدین بعد از السلام
 علیکم ورحمة الله وبرکاته منکشف آن که قبل از این رفعه برای طلب ایشان
 نوشته به دست خسر مطی صاحب میان غلام محی الدین جیو فرستاده شد.
 شاید که به آن برخورد در رسیده که تشریف فرمای این صوب نگردیده اند.
 اکنون به تکرار ارقام نموده شد. می باشد که به مجرد دیدن رفعه نیاز خود را در
 اینجایر ساند که برای ملاقات ایشان دل نیاز منزل خیلی خواهند است. به غیر

و خوبی محصل و میسر باد حاشیه تفسیر بیضاوی و تفسیر بیضاوی ضروری همراه آورده باشند.

در خدمت والد شریف خود و بر خوردار محمد شریف و میان صاحب میان محمد باقر و مخلوم صاحب و دیگر مخلصان است السلام علیکم رسالتند. و در خدمت میان محمد کلال مقبول ذوالجلال دعاها رسالتند و در خدمت حکیم صاحب مهربان اشفاق نشان مقبول در گاه رب الدارین حضرت حکیم غلام حسین اشواقی که از نه دل مشغول است. پندرا و مستجاب باد. خدا کند که زیارت ایشان نصیب این بر نشان گردد. آمین بِرَبِّ الْعَالَمِينَ.

مکتوب پنجم

اسبعد در خدمت فیض عظمت کسرم الزمان عمیم الاحسان نُورِ الْاِسْلَامِ وَالْحَمْدُ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ تَعَالَى دَرَجَتِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِينَ. از فقیر غلام محی الدین قصوری بعد از ابرار مراتب اشوان ضروری مبلغ آن که از استماع خبر و حنت اثر امس ۱۱۱ انتقال اهل خانه فقیر صاحب بگانه صد باب مصائب بروی دل این معنی معایب گشود. و هزار کتاب غنوم بر دین باطن این غاصی کتاب غنوم رونمود. چون این داه فضل را جز استعمال ضلایب سر ضرر هیچ دو اندید. لاجرم با به دامن مصالحت کشید اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

آن واقف اسرار قضا و قدر را هم لازم که متوقع حصول نعمت معیت که خلاص
 هر استیجت است. خود را داخل ماصدق "إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ" کرده اند. او
 تعالیٰ شانه بر روح آن مغفوره شایب رحمت نازل ساخته داخل حلقه خاندان
 غائبان قیامت فرماید و بقیمانندگان را از جمیع حوادث سماوی و ارضی در امان
 خود نگاه و محفوظ دارد. و مقاصد دارینی و مطالب کونیستی حسب دل خواه بر
 آرد. آمین.

دیگر آن که اجابت تعویذ واقع مرض عرض طاعون به این بر ملین محزون
 از کمال اجابت مقرون رسیده است. به کرات محروب گردیده است. بالفعل در
 تصور هم ظهور این فتور بسیار شده بود. در گردن هر که این تعویذ هست. شد اثر
 اثر این بلا رسته شده. لهذا به دست حامل عزیز الله نام قنبر بیست و یک تعویذ
 در خدمت شریف رسانیده. می باید که بعد از اتمام نیاز که شرح تعویذ
 سوادگیری است. رائج الحکام در جید مجید نومزید خود یک تعویذ معلق
 فرمایند. و دیگر تعویذ در اعناق دیگر صاحبان اعناق نمایند. انشاء الله
 عزیز اصلا اثر این بلا نخواهد شد.

الهی تاجهان باشد تو باشی

ز عالم تا نشان باشد تو باشی

والسلام اولاً و آخراً.

از حضرت مائی صاحب و قبله دعا های مزید عز و علای مستجاب باد دو
 مبلغ روپیه که بعد از شش ماه کامل به دست آدم خود عنایت فرموده بودند،
 رسیدند.

ج: این هلا تو آید و چنین هاتو کنی

اص ۱۴ به این عاجز نوازی ها سلامت با کرامت باشند مگر آن که

رفای وعده پارتی اگر کنون گردد

پس از ایام مسرت بدل فزون گردد

مکتوب ششم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ، (۱) بعد در خدمت برادر دینی

و مخلص دینی محمد اشرف سلمه رب الاقوی والا ضعف از دعا گوی مسکن

غلام محی الدین احمدی عفی عنه بعد از السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،

معلوم آن که قبل ازین رقعہ طلب ایشان در دست خسرمفتی صاحب میان

غلام محی الدین به طرف ایشان فرستاده شد. به جواب آن مشغول نگشتند،

باعث تعجب بود. اکنون به دریافت رسیده که تعلیم و تفریح مسافران

گذاشته به تعلیم صیان کفران علیهم المنة والخذلان بر داغته اندک استماع

این واقعه حسرت بر حسرت اوی داده "فَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخَوْرِ بَعْدَ الْكُورِ" می‌دانا
 می‌دانا که بغض کفار از دل آن نیکو کفر نقص شده باشد. با محبت دنیا کامل
 گردیده باشند. لم این مقدمه مشکله را مفصلاً قلمی فرمایند تا اطمینان کلی و
 تسلی جعلی حاصل شود. و چون اراده آمدن این صوب فرمایند اول به کرات
 مرات اوله ثلثه مرات استخاره فرمایند و چون استخاره راه دیده عزم این صوب
 شوند. و دل قنبر جهت زیارت ایشان بسیار خواهان است. به احسن الوجوه
 میسر باد. تعلیم بسیار مطلقاً مستطی شهاده است. چه جای کفار "أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

رَبِّي مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَتُوبُ عَلَيْهِ"

در خدمت والد شریف خود و محمد شریف و محمد باقر صاحب

و مخدوم صاحب و میان محمد کلال مقبول ذوالجلال و دیگر مخلصان اخلاص

کمال السلام علیکم معروض باد.



مکتوب ہفتم

برادر دینی و مخلص بقیی مقبول در گاہ رب الاقوی والا ضعف مخلصی

محمد اشرف سلمه اللہ و ابی و رزقہ اللہ کمال التقوی از قنبر غلام محی الدین

احمدی علی عنہ بعد از السلام اللہ علیکم اس ۱۱۳ در علی جمع اہل بیت کم

مشہود، آن کہ مثنی ملید صورت انصرام یافت، کہ از تحریر احوال خود ناہل

و تساهل شده اند. بلکه در جواب سه چهار رفعه به یک بار نیز داخه اند. ازین
 ره گنر انتظاری کمال و ازین سر اضطراری مآلاً بقا نماید حال نرد اشتغال
 است. خدا کند که قانع آن شواغل غیر بوده باشند. آنچه از تعلق تعلیم بنود
 مرود مسموع می شود. باعث تضاعف عموم و تزیید عموم می گردد. بارب
 بنا بران فعل که ظاهرش شیع است. بر مصلحتی دینه بوده باشد. اما خوف لا
 تُهزى نَفْسِي إِذْ أُنْفَسِي لِأَمْرَةٍ بِالسُّوَا دَامِنِ كَبِيرِ حَالِ اسْت. به هر حال رجوع
 و انابت در هر لحظه و هر ساعت به در گناه ذوالجلال لازم وقت شناسند. که به
 جزاهات و توفیق و تائب او تعالی خانه و عز او | بر پناه خرابی در خرابی است.
 بی عنایت حق و خاصان حق گر ملک باشند سیاستش ورنه اراده فقیر در راه
 رجب پسران حضرت خان صاحب یا سفرد ایشان خوب متعلق است. و قصد
 بردن شما به طرف دیره هم منجر د. می باید که شما هم تکرار و مستعد شده باشید
 که مخلصان دیره بسیار مشتاق دیدار شما اند. خدا کند که ملاقات ایشان
 مهتر شود. حاجه مولوی عبدالحکیم بر عبدالغفور که مستعار ایشان بود. به
 است میان بود ها کسب داد فرستاده شده. به ایشان خواه فرستید.

انشاء الله تعالی در خلعت والد ماجد خود و برادر خود و میان صاحب

معد باقر جیو و مظلوم صاحب و غیره مخلصان السلام علیکم رسانیده باشند.

مکتوب هشتم

اَخْتَدُ بِكَوَسْلَامٍ عَلٰى عَنَابِوَالْبَيْتِ اَسْتَظِلُّ بِوَالِدِ دِيهِ وَ مَخْلَصِ دِيهِ

مکتوب در گناه آگهی موصوف در گناه رسالت پندار مصدر حضور و دوام آگهی

مخلصی ام میان دین محمد صله الصمد از دامن باختر قهر غلام محی الدین

احمدی علی عنه بعد از السلام علیکم ورحمة الله و برکت مبین آن که مراد

مسرور مواصلة بعد از مواصلة حاصله رسیده مسرور گرفتارنده از قرب جو از

ایشان ام- ۱۱۴ | خاطر بر ایشان است و از معرا احتیاج کفر دل مکسور گردید

اَكْبَرُ مِنْهَا سَمِعَ اللهُ اَفْعَلَ بِهَا مَوْلَانَا مَا لَمْ يَلَمْ لَمْ يَلَمْ لَمْ يَلَمْ لَمْ يَلَمْ

لَمْ يَلَمْ - بود را چون اعتماد بر عمر بیج نیست و کار دنیا بیج در بیج نیست

بهر آن بود که خود را از غلبش تلاش معانی فروع است و در کنج به کنج

تساعت پرداخت به ذکر و فکر و عبادت که سعادت دین است طبع زندگانی

سرمی بر فکرت تا فردای نیست به امن و کرامت و سلامت بی سلامت معشور

من شریف اکنون که این بار پرداخت لوان تلاش معانی فروع است از جانب

به ادریس به صدق پندار حساب سلامت بوده و من تعبد که اولیای شک

و عزایر شک به گرم و فضل خویش به حرمت و سستی بران صفا کیش آن برادر را

مع جمع در ایشان عزت کلی و جمعیت جمعی عطا فرموده که فریب محبت به

مجردی که خط ایشان کشاده شد، فیض حضور و جمعیت از آن آماده شد. دل قوی دارند. انشاء الله تعالی مقدمه مرغوبه حسب دل خواه به ظهور خواهد رسید. می باید که ختم کسب حضرت خواجگان معمول دارند و ناخه نسلاند. فقیر را از خیر خواهی خودد می غافل نه انگارند. قصد فقیر برای زیارت فیض بشارت قطب الاقطاب الاحباب حضرت شکر گنج رحمة الله از مدتی بود، اکنون به انضمام رخصته است. اگر حق سبحانه خواسته باشد از قوت به فعل خواهد رسید. برای ملاقات فرحت آیات آن الخلاص سبحان تقاضای خاطر فقیر است که بیان از آن نامر است. به احسن الوجوه والیسر الاطوار میسر و محصل باد.

کند خدای عطا محمد مبارک باد جهة الحلال عقده اشکال ما بین ست الفجر و الفرض يك سد یکبار "تار جیم" و یک سد یکبار "کرجیم" می خوانده باشند. و جمع دار خود را هم تلقین این اسم اعظم فرموده باشند. البی آنچه در دهرین بحال آن مقبول کونین بهتر باشد. به همان نوع امر. ۱۵ | معامله فرما "انک زوت رجیم".

باز تو به فعل بد ما کلام کن

بما تو بهمان کن که بدان معروضی

در خدمت جمیع مخلصان و مختصان السلام علیکم رسانیده باشند.
 فریب يك سال است که میان صاحب میان محمد اشرف جیو تشریف فرما
 ای این مکان اند به تحریر و تسلیم طالبان مشغول از دل و جان اند. اسلحه
 سوره مع الآف اشوان مشحونه می رسانند. قدری سزی بقله العله فرستاده
 شد. نصی خود و نصی حواله جمع دار فرمایند. سر سزی دارین نصیب باد.
 بانون والصاد.

مکتوب نهم

بر خوردار نصیبت شعرا مکتوب پروردگار مولوی غلام علی سلمه الله
 اولی از فقیر غلام معنی الدین قصوری رزق الله تعالی دوام الحضور بعد از دعا
 مزید اعتناء الجلاء آن که جلت مکتوب متلانی را از مقبول لایزالی به طریق
 نواتر و نوالی رسانیده. مسرور گردانیدم. جواب مکتوب اول مکتوب من رسید. هشت
 روزی و دیگر اشیاء برسوله که به خانه فرستاده بودند در داک ارسال نموده شد.
 تعجب که به آن بر خوردار رسید. تعجب اول داک در میان آمده باشد. قصور
 ظر ایست. در هر دو مکتوب مر قوع بود که سبب عدم ترسیل و تحریر شغل به
 شواغل باطن بوده باشد. بر خور دارا شغل باطن دولسم است. یکی شغل مع
 الله دوم شغل مع غیر الله. شغل اول دربار این غیر معول مقلود و شغل ثانی

در حق این معدن عصبیانی موجود تمام عمر در مسجد نشست ام- اما پر دم دل در
بزار بست ام- مناسب حال من گفتم آن که گفتم-

چو هر ساعت از من به جای رود دل

به تنهایی اندر صفای نیا شد

کسی را که مال است زرع اوا تجارت

چو دل با خدا شد جفای نیا شد

اگر قادر کریم به طفیل صاحب خلق عظیم علیه و علی اله السلام

الجسیم باطن معاصی موطن این عظمت موطن (ص- ۱۶) به نور حضور خود

مسرور گرداند از قدرت کامله او هیچ امید نیست " إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ " و

لیکن نظریه اسباب عادی که شیب بشیب بدل گردیده و سلطان موت لشکر بر

سر کشیده لوح و لحظه از معاصی خلاصی نیست و خیر از و عید یوم یَوْمُ خُلْدٍ

بِالْأَقْدَامِ وَالسُّوَابِیْسِ نیست- حصول این مأمول غیر معقول می نماید- اما

الْحَمْدُ لِلَّهِ که از کفر و شرک بیزارم و باوجود اسرار علی المعاصی امید وار

رحمت عظام باشد- که مالک عرض مجید به برکت توحید به فضل مزید توبه

سند از معاصی قدیم و جدید از زانی داشت خانمه بر ایمان عطا فرماید- آمین

بَارِئُ الْعَالَمِیْنَ

.. جواب این آرزوی من چه خوش است

نویدین آرز و برابر بیان

وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ خَيْرَ صَلَواتِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسْخَلَهُ الْجَنَّةَ

دیگر آن که زینج رابع "شرح مشکوٰۃ شریف" نقل کنایه شده است.

کتاب بیکار نشسته است. صراط مستقیم برای نقل در کار تمام است اگر آن

بر خورد دار از سالش آید. انشاء الله تعالی بعد از انتساح چاه واپس نموده آید.

جواب این سوال به جلدی خواهند نمود که انتظار بسیار است. و برآورد و

حاجات پروردگار است. و شوق در مختار هم برقرار است که در کتب فقه به

منزله قطب المذلل است. اگر مطوع بحسنی خفیف الحجم میسر شود. مراد

خاطر این خاکسار است. والا نقل کنایه در هم لاجل است. و فضل حق

اسرار کند هر دشوار است "وَمَنْ تَوَقَّعْنِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ" و

وای تبار کنایه یوریا مولوی خدا بخش را گفته شد.

می گوید که به دیر تبار خواهد شد. آن بر خورد دار اور لقا کید به نویسد

بوعده کوزه گلان به دست حامل رقیبه ارسال نموده آمد. گادی ل بستان به

فقر ملاقات کرده نمی روند که به دست ایشان فرستاده شود. فقیر

معتذر است. والسلام لولآ و آخر.

مکتوب دهم

قَعَمَةُ اللَّهِ وَسَلَامٌ عَلَيَّ عِبَادِي الَّذِينَ اسْتَطَعُوا مَا بَعَدَ مِنْ خِدْمَتِي فِيهِمْ

ترجمت برادر دینی و مخلص یقینی مقبول الهی موصول بارگاہی حضرت شیخ
عبدالرحمن و بر خورده از آن مولوی (ص-۱۶) محمد بخش و مولوی عبداللہ
سلمہ اللہ تعالیٰ از داعی بالخیر فقیر غلام محی الدین قادری قریشی قصوری
رزقہ اللہ تعالیٰ درام الحضور، بعد از سلام اللہ و اکرام اللہ متجلی آن کہ
عنايت نامه نامی کہ از رزم تلمیحات عظامی نامزد این حامل زاویہ گمنامی
فرمودہ بودند، از دست رسیدن محمد سلطان سلمہ السیاحان در موضع مزنگ کہ
قریب لاہور است رسیدہ، مسرور گردانیدہ، از ظہور تشوش امر معاش آن مقبول
الہی دل فقیر زخیر کثیر است۔ قبل از این بالمشابہ ہم بعضی اعمال برای
ہم امر گتہ بودیم۔ تقدیر الهی است کہ تا حال اثر آن ظہور نیافتہ۔

تضا کشتی آنجا کہ خولہد برد

و گرنا خلفا جلمہ برتن در دل

دعا ہا ہم برای آن برادر کردہ می شود۔ استجابت آن موقوف بر وقتی

است فقیر را از خیر خولہی خود غافل نہ ہنگارند۔ آنچه طلب اجازت بعضی

اعمال بر بطاقہ نوشتہ فرمودہ بودند۔ ہک ہک عمل را مفصل کردہ مع الاجازت

لرقام نموده به دسترس محمد سلطان فرستاده شد و نام برده را فهمانیده شد.
انشاء الله تعالی به وجه احسن عرض خدمت خواهد ساخت. سورهانا چون
مقصود لغات نجات اخروی است.

پس باید که هر وقتی خیالی دل به آن طرف مصروف دارند و آن اعمال به
فعل آرند که موثر در آن باشد و برای حصول آن مقصود و چیز شرط اعمال
صالحه و عقیده ایا صحیحه الحمد لله که حق سبحانه تعالی از این برده و چیز آن
سورهان را محفوظ فرموده است، زیاده باد. بالنور والصدق والشی و آله الامجاد.

مکتوب یازدهم

مسئول جناب اشرف الناس سلامت از وی روز فخر وارد موضع سنبلان
واله است. امروز به تقاضای احباب نزل اینجای است. فردا انشاء الله تعالی
فریاد خواهد رسید. شما تکلیف آمدن اینجای نسازند. محبت شریف صاحب
هم همراه فقر است. نسلی دارند. بازچه های و سخته به دست میان نظام الدین
چو فرستاده شد. باید که حواله گمار کفری گر سازند که به چندی خوب
باکزه سازد. والسلام.

در خدمت مخلص محمد یقر صاحب و والد شریف خود جمع

مخلصان نهانکن السلام علیکم رسالت. والسلام اولاً و آخراً.

مکتوب | ص ۱۸ | دوازدهم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى امام بعد از خدمت برادر دینی
 و مخلص بنی مینوی مقبول الهی موصول بارگاہی صاحب النسبت العالیه برادر
 حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین لا فاداة المسلمین آمین۔ از ہم
 نام معدن الاثام بعد از سلام اللہ علیکم وعلی جمیع من لدنکم موضوع آن کہ
 خطی کہ بہ دست مقبول آلہ میان بودہا ل فرستادہ بودند، رسیدہ بر مضامینش
 اطلاع کما یبغی گردیدہ، آنجہ از تعمیر اوقات بہ شغل ظاہر کہ تدریس و وعظ
 است۔ و از شغل باطنی کہ ذکر و مراقبہ و توجہ است کہ اعلام فرمودہ اند زندگی
 انتظار زدہ آمد۔ اللہ تعالیٰ استقامت با کرامت دارد۔ کہ قلب بر این اقامت
 دارد۔ کل این است و غیرہ این ہمہ بیج اللہ تعالیٰ خاتمہ و شعا بر این فرماید۔
 آمین یارب العلمین۔

آنجہ از محبت کردن با میان بودہا نوشتہ اند فی الواقع اثر محبت شمار
 باطن او کہ عبارت از لطایف خمسہ است۔ اظہر من الشمس است کہ بر باطن
 مقابل منعکس می شود و او ہم اقرار می نماید۔ چون طالب صادق است بر
 لطیف نفسہ او ہم توجہ کردہ شد۔ نورانیت و صفا و استہلاک و لو غیر معلوم و
 مفترک پیدا شدہ است۔ خدا کند کہ او را مفترک گردد۔ و مراقبہ القربیت اور

می باشد که آن مقول بر این طبقه هم به از حدت سوزد که اشکالی
 کلی نیست جهت جزا کم الله تعالی خیر الجزاء آنچه از شوی ملاقات تحریر
 فرموده اند شوی فقیر را به ملاقات خود زیاد که از شوی خود طرف بعد از نظر
 میباشد حتی قصد فقیر برای زیارت یا شرف جناب طب الاطباء حضرت با
 صاحب رخصت کرده علیه اگر آن برادر فرصتی باشد بعد از نظر عید قصد این
 صورت نمایند تا بهر آنکه اگر بعضی بانی از جناب طب الاطباء نموده آید
 بسیار خواهد بود والا در کمال و آنچه از روی مع بعضی علماء از بار سوز
 الله و یا عید القدر نوشته اند مشهور است که علماء این مملکت کجرت فی الاسلام
 پیش این بسیار بی خوار گذشته اند که با وجود علم از راه تالی سید الانبیاء بر
 گفته اند

نموده این اوپلی که در حضرت مکه مبارک بهما نگاه بود هم اکثر
 این کلمه نموده بلکه از کثرت درودیم مع می گرفت با وجودی که در علم
 حدیث چند آن مشهور بود که در آنجا تکی داشتند چون این خیره سلطان اسلام
 در استنبول رسیده از علماء تعلق این مسئله نمود چنانچه علماء حقه قانون
 به نقل آورده اند لا جرم حضرت سلطان علیه از جوان پادشاهان ایران را پادشاه خود

به این خدمت مامور فرموده، فریب حضرت مدینه معظمه جنگ جانین به وقوع آمد. به امداد سید العباد صلی الله علیه وسلم سعود مردود مقتول مخزول گردید. بلا به امر سلطان تجدید عملات جنایه مهیوم نمودند. تمام گنبدهای صحابه کرام و اهل بیت عظام را بدم ساخته بود. و قصد بدم روضه فیض حوزه سید الانبیاء هم می داشتند. امیرای خوف مسلمانان از دل بر زبان نمی آورد.

فَاخَذَهُ اللهُ أَخَذَ غَرِيْبٍ مُّقْتَدِرٍ اَیْنِ بَعْضِ مَنَكِرَانِ شِيعَةِ هَا اَنْ اَصْلُ اَنْدَ كِه لَاتَقِي فَصْل اَنْدَنَ دَر خَوْرٍ وَ صَلَّى اَنْدَنَ لِقَلْبِي صَحِيْحُ الْقَلْبِ قَلْبٌ فَرَمُوْدُ "كِه مَن لَزِيْهَانَ حَضْرَتِ مَوْلَانَا خَالِدِ رُوْمِي شَنِيدَه اَمْ كِه فَرَمُوْدِنَمَا رَا عَقِيْدَه وَ هَا بِيَانِ خَوْبِ مَعْلُوْمِ شُدِه اِسْتِ كِه بَلَر هَا يَا عِلْمَاءِ اَيْشَانِ مِيَاخْتِ كَرْدَه اَمْ اَيْشَانِ مَنَكِرَانِ شَفَاعَتِ اَنْدَ".

"مُعَاذَ اللهِ بَيْنَ تِلْكَ الْعَقِيْدَه" مَعْلُوْمِ شَرِيْفِ بَلَا كِه اَكْرَ دَلِيْلِ اَيْشَانِ بَرَايِ مَعِ كَرْدَنِ بَارِسُوْلِ اللهِ اَنْ اِسْتِ كِه يَا بَرَايِ نَدَا اِسْتِ وَ نَدَا حَضُوْرِ رَا مِي خَوَاعِدِ وَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ وَسَلَّمَ غَايِبِ اَنْدَ وَ غَايِبِ رَا حَاضِرِ بِنَفْسَانِ عِلْمِ غَيْبِ بَرَايِ مَخْلُوْقِ ثَلَاثِ كَرْدَنِ اِسْتِ "اِلَى اَنْكُلِ فَاذَلِكَ بَيْنَ اَلْعُقُلَابِ تَقَلَّبَتْ" جَوَابِشِ اَنْ اِسْتِ كِه حَضُوْرِ فُهْنِي بَرَايِ صَحْتِ نَدَاءِ كَلْفِي اِسْتِ وَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَوْمِنِ بَه اَنْدَ وَ حَضُوْرِ مَوْمِنِ بَه دَر فُهْنِ كَمَالِ اِيْمَانِ اِسْتِ نَه نَقْصَانِ اِيْمَانِ وَ نِيْزِ دَر حَضُوْرِ مَحْسُوْمِ بُوْدَنِ حَاضِرِ

شرط نیست. والا یا الله هم درست نمی شود.

حضرت امام شیخ حافظ احمد قسطلانی که امام علماء حدیث است. در موابب لدنیه نوشته " که نور روحانیت سید الانبیا (ص) صلی الله علیه وسلم مانند نور شمس است که در هر جامی نهد هم در مشرق و هم در مغرب، کسی جانبست که از آن نور مستور است. پس این نور را غایب پنداشتن را اولیایان برداشتن است ".

حضرت شیخ جان محمد جالندهری در رساله " کلمات طیبات " نوشته اند که من در وقعه از وقایع از سید الانبیا پرسیدم " یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من در جالندهر و آن جناب در سوره مبارکه. پس احوال مرا آن حضرت چگونه می یابند ؟ " آن حضرت فرمودند " که من به هر مومن نزدیک ترم از نور چشم او به چشم آری " مَنْ لَمْ يَلْقَ لَمْ يَلْقَ قَادِرِ كَرِيمٍ لِشَقَاوَتِ بَعْدَنِی كَرِيمٍ وَارَهْتَدِ وَبِهِ سَعَادَتِ حُضُورِ أَنْ نُورِ رَسَالَتِ أَمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و آنچه از درد دندان خود نوشته اند و طلب کدام تعویذ یا کلام برای دفع آن فرموده اند. مهربانا قدر هم به این نوره مبتلا است. و سه روز شده که بین لاجله شدت تکلیف رسانیده بود. چنانچه خوردن و آشامیدن متعسر تمام گشت بود. لاجله آن را گفتند تا آر میله رضا به قضایه داد. و به چوب و چرغاب

بزرگ گناه و آنچه برای دفع عار خود صبر کند ایداً پستور صاحبه لاحق است،
 اینطور فرموده بودند: سهریانا اجازت آن موقوف یا مشقه است، والسلام،
 بر خود در سعادت الترمیزان سراج الفین را دعاها باد، از صحبت و شفا
 یافتن ایشان مسرور کلی حاصل است، حافظ صاحب نسیه عالی را السلام
 علیکم باد، میان غفا بخش و دیگر مخلصان نام به نام مخصوص سلام مستون
 الاسلام الله والسلام

انشاء الله تعالی بعد مطالعه لامعه بر دام دینی و مخلص بینی استقامت
 بقدر حضرت مفتی صاحب دین اسلام محی الفین سلمه رب العالمین لافاده
 المسلمین در آید، نوشت به تاریخ چهارم ذی حواله و فیما ظر غلام محی الفین
 تصویر رزق الله تعالی دوام الحضور.

مکتوب سیزدهم:

أَحْسَنُ لَهُ وَسَلَّمَ عَلَى عِنْدَ الَّذِينَ اسْتَظَنُّوا بِرَأْفَةِ دِينِي وَ مَخْلَصِ بَلَدِي
 بقول دوسول حضرت مفتی صاحب دین اسلام محی الفین سلمه رب
 العالمین لافاده المسلمین در هم نام معنی الامام بعد از سلام مستون الاسلام در قام
 آن که صحبت نسیه دینی که به نسبت میان کرم دین ارسال فرموده اند، انظار
 باد عار خود اند، آنچه از استقامت خود بر افروزی و استیلاک لریم نموده اند.

بر رحمت بر فرحت افزوده اند. امتداد دعا دارند که ازین سسنت بی‌دل هم غفلت
مضمحل گردد. به حرمت النبی و آلہ الامجاد.

فقیر را شوق ملاقات آن مقبول به درجه قصوی است. و مدت شده
است که ملاقات مخلصان آن طرف بهره و دیره نگردیده است. و خطوط
مخلصان دیره به نواتر و توالی می‌رسند. اگر حق سبحانه تعالی خواست باشد
در ماه کتاک قصد آن صوب نموده آید. وَاعْلَمُ عِنْدَ اللَّهِ تَا حَالِ کَلِّ خَیْرٍ اَنْ یَّرَادَ
نَشْدَهُ، موجب تعجبات کمال است. اللَّهُ تَعَالَى قَاضِی صَاحِبِ رَہْدَیَاتِ کُنْدَ.
چرا در کَلِّ خَیْرٍ چندی تا خیر می‌کشند. فی التَّخِیرِ اَقَاتِ نَشْنِیْدَهُ اِنَّهُ اللَّهُ
تَعَالَى بِاِحْسَنِ التَّوَجُّهِ سِرَّانِجَامِی اِنَّ مَقَامَهُ خَیْرٌ فَرَمَیْدَ. اَمِّیْنَ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ.

در خدمت جمیع مخلصان خصوصاً بر خورد از مقبول پروردگار محمد
سراج الدین و غیر اسلمه مستوره مع اشواق مشحونه واضح باد.

خطی که به نام پر خور دار مولوی پیر بخش دنگیان ^{والله} مرقوم است.
باید که به دست کسی معتبر بلکه به دست کدام شاگرد خود درد نگیان به
نست مولوی مذکور رسانیده رسید آن به فقیر رسانند که ضرور تر است.
والسلام والا کرام. مخلص فقی گول به دعاها مخصوص است. لَزِیْرِ خُورِ دَارِ
حَلِیْقِ عَیْنَ السُّوْلِ وَ خَیْرِ الدِّیْنِ وَ نُوْرِ مُحَمَّدٍ وَ غَیْرِ دُوسْتَانِ السَّلَامِ عَلَیْکُمْ
معروض باد.

مکتوب چهاردهم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى، اما بعد در خدمت نبوی
 درجت برادر دینی و مخلصی یعنی مقبول الهی موصول بزرگانی صاحب
 حضور و آگاهی بل صاحب اضحلال و استهلال کماهی حضرت مفتی غلام
 محی الدین سلمه رب العلمین لافاده المسلمین از حضور الاسم متحدا لام
 امر ۱۲۲ عفی الله تعالی عنه بعد از سلام علیکم و علی جمیع من لبتکم معروض
 آن که عنقه شریفه از دست حافظ صاحب حضرت حافظ عبدالغفور رسیده
 مسرور گردانیده " الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عِبَادَتِكُمْ الظَّاهِرِيَّةِ وَالْبَاطِنِيَّةِ " آنچه از ظهور تا اثر
 نوجوان در بواطن طلاب تحریر فرموده اند. بفرحت بفرحت رسانیده اند۔
 الْحَمْدُ لِلَّهِ که در این زمانه ظلمانی که اطراف زمین و آکنای آسمانی به
 ظلمات کفر و بدعت و بی ایمانی محلو و مشحون اند۔ کسی سعادت مند را به
 توجه ایشان باطن نورانی گردد۔ شکر مستعم حلیلی جل شانہ و عزیز پاک و شکر
 حسب رب العلمین که واسطه فیوضات ظاہریه و باطنیه اند۔ و شکر بران
 کبار که واسطه اند بجا باید آورد و فی الحدیث الشریف " مَنْ لَمْ يَشْكُرِ
 لَشَيْءٍ لَمْ يَشْكُرِ لِلَّهِ " و در قول بزرگان اکرام ولرداست " مَنْ شَجَّ الرَّبُّ الْأَعْلَى
 لَمْ يَنْشَجِ الرَّبُّ الْأَعْلَى " اجر آنچه نوشته اند که استعداد حافظ جو بسپار علی

است. تا بهیشت و جدائی توجه نموده شده است. مقولاً در توجه کردن
 جلدی نساخته باشند تا مقام سافل ملکه نگر دو توجه مقام عالی نکرده باشند.
 که غرض تشبیه و استحکام نسبت است نه عبور و تشبیه و خود در انزوا
 و تخیلی و ذکر و فکر اشتغال تمام دارند که سبب فیض رسانی همین است. و
 فقیر را در اوقات حضور به دعا یاد دارند که الله تعالی به کرم و فضل خویش و به
 غنیل پیران صفا کیش از معاصی خالق و خلق توبه نصوح عطا فرماید. و خاتمه
 بالخیر نماید.

دیگر آن که فقیر انشاء الله تعالی تا ماه مبارک رجب در قصور خواهد
 بود مگر آن که بعد از چند روز اراده رفتن محلوت خواهد شد. و العلم
 عندالله. و معلوم نیست که شب معراج مبارک در قصور یا در فیروز پور یا در داود
 واقع گردد که اهل برسه مواضع تقاضای می دارند تا حال و عده پخته بایستی
 این مواضع ننگ کرده نشده است. والسلام.

دیگر آن که حافظ صاحب حضرت حافظ عبدالغفور را اجازت زکوة
 و خواندن امر ۲۳ حزب البحر داده شد. می بایست که نسخه نوشته حواله او
 فرمایند. و او را از ترتیب زکوة و مواضع اشارات حزب طور تلقین نمایند که
 سردی غریب و مسکین و مستحق است. از موده شفا یافتن بر خور دار محمد

سراج الدین دل خوشی تمام رسیده - اللہ تعالیٰ آیتہ راہم بہ کرم و فضل
خوبش باعاقبت دارد -

در خدمت جمیع مخلصان خصوصاً میان پدایت اللہ و حافظ جیور
محمد و ارت قاضی گوو دیگر مخلصان السلام علیکم - و مدام از نویدات صحت
و عاقبات خود مسرور و متشلی داشت باشند که انتظار تمام می نماید - والسلام
والاکرام - از بر خوردار حافظ عبدالرسول و میان خیر الدین و دیگر حاضران
مجلس السلام علیکم باد -

مکرراً آن که خطی دیگر که اسمی حکیم صاحب حضرت حکیم غلام
حسین است به دست طالب خود بر سر و به دست حکیم صاحب رسانیده
باشند و به دست هر کسی آیتہ رو نده نشانیند داد والسلام -

مکتوب پانزدهم

أَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِالسَّلَامِ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ“ در خلاصت برادر دینی
و مخلصی یعنی مقول کسی موصول بار گئی معنی العلم و العرفان، حضرت
مفتی غلام محی الدین سلمه الرحمان از فقیر غلام محی الدین قاضی قصوری
رضی اللہ تعالیٰ عنہم بحضوری بعد از سلام اللہ و اکرام اللہ مشهود آن که خط فرحت
نسط آن برادر که در جواب خطوط خمسہ فقیر تحریر فرموده بودند - مع کتاب
شرح قصیده مبارک از دست بر خوردار میان محمد فتح محمد صاحب رسیده -

پهلویش مسرت بی اندازہ گردا نیندہ۔ کتاب حوالہ کتاب خوش خط نموده۔
 شی ہفت جزو نوشته است۔ انشاء اللہ تعالیٰ ہر گاہ فارغ شدہ بہ دست
 معبری ارسال نموده آید۔ از ظهور فتور نزدی زیورات از خانہ بسیار موجب
 حیرت و افسوس گشت۔ اللہ تعالیٰ بہ فضل و کرم خویش صحیح و ثابت گرد
 آید۔ ہلنی واقعہ الامجاد۔

نا حال ہر غور دار محمد سراج الدین تشریف فرمای این صوب نگشت
 آید۔ و فقیر شب معراج مبارک در مزنگان کردہ است۔ مخلصان سر (ص ۲۴) و
 جوہر کتک برای برین فقیر ہدای طرف تقاضاها می دارند۔ انشاء اللہ تعالیٰ بعد از
 نوسہ روز روانہ آن طرف ہا گردیدہ آید۔ بعون و مشیہ تعالیٰ۔ چون حضرت ماہ
 مبارک رمضان نزدیک رسیدہ است۔ دیدہ آید کہ کدام جا گنرا نیندہ آید۔
 واللہ اعلم بالصواب۔

بر غور ددار مقبول پروردگار محمد سراج الدین را دیگر مخلصان را سلمہ
 سونہ بالاں مشعون اشوان مستجاب باد۔ بالتون والصاد۔
 انشاء اللہ تعالیٰ بہ مطالعہ لامعہ برادر دینی و مخلصی ہلنی مقبول
 ہر گئی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمہ رب العلمین در آید۔
 دلیما فقیر غلام محی الدین قصوری علی عہ منظام مزنگان فی موضع
 ہلنی لٹک سار۔

مکتوب شانزدهم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى ، اما بعد در خدمت برادر دینی
 و مخلص بنی مفسول آلهی صاحب حضور و آگاهی اقریب و محبت دستگاه
 معالی اتباع حضرت میان غلام محی الدین سلمه رب العلمین بتائید شریعت
 سید المرسلین صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و احبابه اجمعین از پیمان معدن
 الاثم بعد از سلام مستنون الاسلام ارقام آن که مدتی برآمده که از مژده خیریت
 و عافیت خود مطلع نساخته الله انتظار تمام می نماید. درین ولای از زبان یکی
 از آیندگان لاپور مسموعه یافتیم که را فیضان بد سرشت به آن مفسول اهل
 بهشت خورشهای قبیحه و زشت برپا کرده بودند. آخر بتائید آلهی و نصرت
 حضرت رسالت پنهانی فتح و ظفر نصیب روز گنرا آن مفسول پروردگار شد. از
 ظهور این معنی سرور عاید حال این انتظار اشغال گشت. "مخمدان تم
 حسان" الله تعالی آینده را بهم آن مفسول را از شر شیطانان انس و جن محفوظ
 داشت به یاد خود و متابعت حبیب خود محفوظ داراد. بالشی و اله الامجاد.
 می باید که تفصیل آن اجمال جدال تحریر ساخته به ارسال آن به فقیر
 پرداخت باشند. که تسلی گردد "کتاب بوزخ" که از آن مفسول به علویت گرفته
 آمده بودیم. نقل کتابیده شد. بعد از فراغت معرفت حضرت مولوی صاحب

میان احمد الدین صاحب بگوی در اس ۲۵ | خدمت حضرت حکیم صاحب
 مهربان حضرت حکیم غلام حسین سلعه رب الکوئین رسانیده شد. از انجا
 انشاء الله تعالی در خدمت آن مقبول خواهد رسید. برسد آن سرور خواهد
 ساخت.

بر خوردار بیخت بیدار مقبول پروردگار محمد سراج الدین احمد ویر خوردار
 میان احسن الدین ویر خوردار مولوی و دیگر مخلصان السلام علیکم مطالعه
 باد. اگر بر خوردار میان غلام نی جو وقاضی صاحب جو در آنجا تشریف
 بیارند. السلام علیکم معه الا انصوان الکثیره رسانیده دهند. و السلام
 غیر الکلام. از قصور در بلده میانی برسد مورخه هفتم ماه مبارک رمضان.
 رقیبه فقیر غلام محی الدین احمدی لیسوری رزقه الله تعالی دوام
 الحضور انشاء الله تعالی به مطالعه لامعه مفتی صاحب مهربان مقبول در گاه
 حضرت مفتی غلام محی الدین سلعه رب العلمین بتائید دین سید المرسلین
 صلی الله علیه و آله وسلم مشرف باد.

مکتوب هفدهم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَاعُوا

مقولہ الہی موصولہ بل گاہی صاحب حضور و دوام آگاہی حضرت مفتی غلام

محمی الدین سلمه رب العلمین لافاده المسلمین از همتام معدن الا تام بعد از سلام
 الله واکرام الله مشهود آن که فقیر به ترویج سلخ ماه شعبان المعظم در موضع
 مهنا فائز گردیده، به تقاضای شدید مخلص سفید محمد فتح خان نون "خَفَقَ
 اللهُ تَعَالَى عَنْ رُزْبِ الْعُنُونِ" ماه مبارک رمضان در اینجا گفرائیده، انشاء الله
 تعالی جمعه حال که بعد از دوسه روز خواهد آمد در اینجا ادا ساخته روان دیره
 گردیده آید. امنا دعا داشته باشند که الله تعالی به خیر و خوبی واصل و راجع
 فرموده بلاعلاقات آن برادر مسرور گرداناد. چون در این ولای بر خور دار گل
 محمد خلعت می شود. مهربانی فرمود از هر وجه تقصیر او معاف نموده
 باشند که بر تقصیر خود نادم و حجل است -

"وَالْعُقْرُ عِنْدَ كِرَامِ النَّاسِ مَقْبُولٌ" بر خور دار مقبول بران کبار محمد سراج
 الدین به دعا های قلبی مخصوص است. دیگر تمام مخلصان تام به نام از طرف
 ظور ام ۲۶ اسلام الله رسانیده باشند. بر خور دار مقبول برورد گل میان فتح
 محمد رامعلم باد که تسبیح پای که ورد مله کور خوب و عمدت تیار کنانیده
 باشند بلك چیزی زیاد باشند، قیمت آن داده خواهد شد. والسلام خیر الکلام.
 در تمام اسلمه مسنونه مستجاب باد از میان شیو محمد بر بلی شاگرد
 شما که همراه فقیر است. تسلیحات معروض باد. بالنون والصاد.

دیگر آن که هر دو سلسله مبارک فاضلی و قاضی بر خود در گلی
 معذرا نوشت خواهند داد که یاد خواهد کرد. والسلام. و از پروردگار
 خلقه غایبان خود داشته. مظهر عنایان خود داشته باشند. والسلام غیر
 السلام.

سنتقام مهنا الی بلده لیکسار یوسف انشاء الله تعالی به مطالعه بر این
 دینی و مخلص این مملکت است. موصول است که حضرت علی غلام محی
 الی سلمه رب العلمین در آید.
 رفیع فقیه غلام محی لعلو احمدی علی غت مورخه به تاریخ اول ماه
 ذوالحججه ۱۲۹۶ -

مکتوب پزدهم

بسم الله الرحمن الرحیم سلام سلامت قریب به جا مانده شوق و اشتیاق ایشان نامه
 مانی رسیده دیده که انواع سلامت انواع پرانسون آن خلقه زن گردیده لاچار
 از انحراف و زیاده داخل سینه و آه گشت "کتاب کسری" پاره آورده شده
 است. اگر معتمدی را ارسال نمایند، تعویض نمود آید. و اگر رایی دهند
 خود زیارت کنند که اشتیاق افزون است و الا معلق بر معاشرت خواهد بود.
 والسلام والا کرام.

مکتوب نوزدهم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اسْتَطَاعُوْا

موصول بهران کبار محمد سراج الدین سلمه رب العالمین از قلم غلام محسن

الدین احمدی قصوری رزقہ اللہ تعالیٰ دوام الحضورى بعد از سلام اللہ و اکرام

اللہ مشہود آن کہ رفیقہ کریمہ آن صاحب رفاقت فطیمہ از دست میان سید

احمد رسیده مسرور گردا آید۔ الحمد للہ کہ بہ غیر و عاقبت اند۔ اللہ تعالیٰ بہ

کرم و فضل خویش بہ جمعیت مظاہر و باطن مطمئن داراد۔ بلقی و آتہ الامجاد۔

قصید فقیر بعد ازین مدہ بہ طریک مکتوبان برای فاتحہ شاہ صاحب حضرت

سید عبد اللہ صاحب مرحوم مصمم است۔ شاید کہ بہ جالبہ شوق شائق

میلانی و بیروہ (ص ۱۴) بهم کرده آید۔ لہذا قلمی کہ بہ خدمت حضرت مفتی

صاحب سلمہم اللہ تعالیٰ اظہار این معنی نموده باشند۔ ملاحظہ فرمایند کہ در آن وقت

قصید گنام مکتوب بعد نمایند۔ و اتفاق ملاقات در تراخی افتد۔

در خدمت جمیع مخلصان نام بہ نام السلام علیکم رسانیدہ باشند۔ در

حضرت مفتی صاحب سلمہم رب العوالمین سلمہ مستوف مع الای اشواق

مشہورہ پندرا یاد۔ بلقون و العباد۔

مکتوب بیستم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَاعُوا
 مقول الہی موصول بہ گاہی حضرت مفتی صاحب سلمہ رب العوالم از فقیر
 غلام محی الدین احمدی قصوری رزقہ اللہ تعالیٰ دوام الحضور بعد از سلام
 اللہ واکرام اللہ مشہود آن کہ الحمد للہ کہ فقیر ناموضع دکنکر سیدہ بر خوردار
 محمد سراج الدین را برخص گردانیدہ۔ اگر برای زیارت فیض بشارت حضرت
 بنا فرید الدین شکر گنج اجازت طلب خواہد شد۔ اجازت خواہند بخشید کہ
 برہا فقیر رفتہ مشرف خواہد شد و لاج کسرح قصیدہ و غولہ مصحوبش خواہند
 فرستہ کہ برای نقل کتابیدن در کار است تا آید دانستہ والسلام خیر الکلام۔

مکتوب بیست و اول

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَاعُوا
 ترجمت مفتی صاحب مہربان مقول در گاہ رحمان حضرت مفتی غلام محی
 الدین سلمہ رب العلمین از ہم نام مستہام بعد از السلام انہای آن کہ در بار
 است کہ از خبر خوبیت خود چیزی از قام و اعلام فرمودہ، انتظاری کمال بود۔
 اکنون کہ از زبان صدق ترجمان بیان صاحب محمد کمال صاحب جوہرہ

عاقبت ایشان رسید. خاطر فائز مطمئن گردید. امید است که بر او رادو معهوده
 مواظبت داشت باشند. او تعالیٰ به فضل خویش و به حرمت پیران صفا کیش از
 نمرات آن محفوظ فرماید. و از حوادث ظاهری و باطنی محفوظ نماید برای
 زیارت فیض بشارت ایشان دل این خادم درویشان فراوان متقاضی است به
 ائین الوجوه میسر باد.

چون درین زمانه ظلمانی شیوع بدعت به کمال است. می باید که امر
 معروف حسب الطدور بجا آورده باشند. لیکن به نرمی ولینت و غرض محض
 اعلاء مکه الله و خیر خواهی اهل اسلام باشد. به امتیاز و اعزاز خود
 اس ۲۸ اجْعَلْنَا لِلَّهِ وَاِبَائِكُمْ مِّنْ مَّتَابِعِ السُّنَنِ النَّحْمَلِيَّةِ اَمِيْن يَا رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
 در خدمت جمیع مستفیدان حضور حضور صابر خوردار میان سراج
 الفین را دعاها باد. در تدریسی علوم ظاهری به یم سعی تمام باشد که امر جزیل
 است. والسلام مع الاکرام.

رقعه مکتوبه در خدمت میان صاحب حضرت میان محمد اشرف جوهر

جا که باشند به تاکید رسانیده دهند.



مکتوب بیست و دوم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی. اما بعد در خدمت میان صاحب

حضرت مفتی صاحب جیو سلمه اللہ تعالیٰ از قلم غلام محی الدین معروفی آن
 که نسخه مفرج الهمم شرح قصیده برده ده باره اوران نقیص است۔ اگر نوز
 ایشان موجود باشد، تحویل میان احمد الدین فرمایند که وعده تکمیل نموده
 است۔ جزاکم اللہ تعالیٰ خیر الجزاء و در وقت معاودت انشاء اللہ تعالیٰ شرح
 عربی بلا جمال و ملا علی قاری و دیگر اگر موجود باشد از جناب مستعار کرده
 خواهد شد۔ ایام استقامت بادامت باد۔ بالتون و الصاد۔

مکتوب بیست و سوم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی، برادر دینی و مخلص بینی
 مقبول موصول حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین لافاده
 المسلمین از معنی الاکرام بهنام بعد از سلام اللہ و اکرام اللہ موضوع آن که
 مدن ها شده که از احوال خیریت پای خود چیزی لرقام رقمونه اند انتظارها
 می مانند الحمد لله که حال از زبان میان وریام مزده صحت و عافیت ایشان
 رسیده مسرور گردانیده، اللہ تعالیٰ به سلامت و کرامت نگاه دارد و باعث
 ایام مسرت آن که هم از زبانی نام سرده معلوم شده که مطلقه کلر خور نکاح
 ایشان سرانجام رسیده، الحمد لله که این مشکل سال ها متعل گشته، اللہ
 تعالیٰ بر این عقد ثمرات هسته مترتب فرماید۔

در خدمت جمیع مخلصان خصوصاً بر خود دار مبارک سراج الفین و دیگر
مخلصان دعاها برسد. معلوم شد که خطی که به جانب مبارک پیر بخش فرستاده
شده بود. و در دنگیان رسانیده اند. جزا کم الله تعالی غیر الجزا و صلی الله
تعالی علی خیر خلقه محمد و آل و اصحابه و سلم از حافظ عبدالرسول و دیگر
حاضران مجلس اسلمه مشحونه پذیرا باد.

انشاء الله تعالی به مطالعه لامعه مفتی صاحب مقبول در گورب
الجواب حضرت مفتی غلام محی الدین سلیم رب العلمین در آید. از قصور در
مبارک شکست برسد. معرزه به تاریخ چهار دهم ماه ذی عقده ۱۲۹۷هـ

ص ۲۹ | مکتوب بیست و اول چهارم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَاعُوا لِأَنفُسِهِمْ وَأَنَا فِي خِلْمَتِ بَرَاءَةِ دِينِي
و مخلصین مقبول موسول حضرت مفتی غلام محی الدین احمدی عفی عنہ
بعد از سلام الله علیکم وعلی من لبیکم معروض آن که تقرب به تاریخ بیست و اول
بنجم ماه ربیع الاول از قصور کو چیده به تاریخ بیست و اول بنجم ماه مذکور در
سزنگار رسید. در اینجا چند روز اقامت و در پیله به شرط مطلق از آنجا حالت با
از آن جهت قصد آن صوب نموده اند. خدا کند که ملاحظات آن برادر و بر خود دار
محمد سراج الفین احمد و دیگر مخلصان محصل گردد.

بر حضرت جمیع اغلاصی منقار خصوصاً حلقه صاحب و غیره است
 مستوره و حذف ادغیه مشهوره مشهوره بنا را جمیع پراخیدان خصوصاً میاید
 بر ائمه السلام علیکم منقاره باد و السلام خیر الکلام

از موضع برنگار عربیة میانی تا کسار برسد انشاء الله تعالی به منقاره
 ائمه برادر دینی و مخلص یقینی معنی غلام معنی الفیض علیه رب العظیم عز
 ید

مکتوب بیست و نهم

بِسْمِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَرَأْسِهِمُ الْبَرَاءِ دِينِي وَمَخْلَصِ يَمِينِي
 منقار الهم حضرت معنی صاحب منقاره و انبویاب از پیام گم نام بعد از
 اسلام علیکم و رحمة الله و بركاته مشهوره آن که در اغلاصی منقاره ایشان
 رسیده آنچه انجراچ داشت که از منقاره با نسخه صحیفه منقاره های این نسخه
 منقاره از اسم قاطر و مروری و کلمات بسیار ظاهر شده اند بهر بلا غلط های
 مروری و کلمات سخت غیب است معنی منقاره ظاهر نمی شود و غالباً منقاره
 منقاره می کردند و این منقاره معنی غلام بعد نوشتن نسخه بودند که به
 منقاره غیر منقاره به منقاره منقاره منقاره منقاره منقاره منقاره منقاره منقاره
 منقاره منقاره و اگر وقت منقاره منقاره منقاره منقاره منقاره منقاره منقاره منقاره

در خدمت جمیع اخلاصی متفان خصوصاً حافظ صاحب و غیره اسلمه
 مستوره و طلب ادعیه مشحونه مشهوره یاد از جمیع پیراهیان خصوصاً میان
 خیرالعلمین السلام علیکم مطالعه باده والسلام خیر الکلام

از موضع مرتگان در بلده میانی نمکسار برسد انشاء الله تعالی به مطالعه
 لامع برادر دینی و مخلصی یقینی مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین در
 آید

مکتوب بیست و اول پنجم

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ أَسْطَفَى، برادر دینی و مخلص یقینی
 مقبول الهی حضرت مفتی صاحب سلمه رب العوالم از پنجم گمناهم بعد از
 السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته مشهوره آن که در قعه اخلاص بقعه ایشان
 رسیده آنچه اندراج داشت که از مقابله با نسخه صحیفه اولی های این نسخه
 سلیب از قسم قاطع و حروف و کلمات بسیار ظاهر شده اند. مهرباناً غلط های
 حروف و کلمات سخت غیب است. بی مقابله ظاهر نمی شود. و غالباً لغوت
 مقصود می گردد. و این قلم به مفتی غلام محمد نوشت فرستاده بودند، که به
 غریب غیر فاحش به مقتضای شوق غالب قیمت این نسخه بیست روپیه داده
 خوابیدند و اگر وقت مقابله غلط ها ظاهر شوند تا روپیه خیر الغیب قلم را

ثابت باشد. و اگر نشان چیزی در جواب نوشته اند و پیش از آن نوشته بودند که
 به کم از بیست روپیه راضی نمی شود. و بعد از آن با وجود آن سال چنین
 رفتاریم چیزی در جواب نوشته اند و بیع و شرایی ایجاب و قبول معاملات نمی
 شود. و بعد از اطلاع بر عیب مشتری را رو به خیابان الغیب (ص ۳۰) ثابت می
 شود. خصوصاً که مشروط باشد. لهذا قلم مجدداً به مفتی صاحب حضرت
 مفتی غلام محمد نوشته است که اهل تقویم قیمت این نسخه مقیم زیاد از
 پانزده روپیه نمی گویند. (چون قلم را خود این نسخه بسیار است. بقیه
 روپیه خواهد داد. اگر مالک به این قیمت راضی شد. تا بقیه روپیه را بیست اوا
 پنج روپیه قلم که نزد آن صاحب قیمت است بدهد. به مالک کتاب به دهف و
 کتاب و بیست روپیه فاضله حواله حضرت مفتی صاحب مفتی غلام محی الدین
 صاحب فرمایند و اگر مالک به این قیمت رضی نشود. تا تمام بیست اوا پنج روپیه
 تحویل حضرت مفتی موسیوف نمایند که به قلم خواهد رسید. لهذا به آن برادر
 قلمی که این خط نکره که به دست میان جناب فرستاده شد. مفتی صاحب را
 نامه و خطبیت مقلبه کرد. و ظهور غلط های پیش ایشان ظاهر ساخته.
 هر چه در جواب فرمایند. به قلم رسانند. اگر مقلبت بقیه روپیه کتاب به پند
 نگیرند. و اگر زیاد گویند. نگیرند. که نسخه قیمت زیاد و گاه نیست. بقیه

رویه دیگر کسی نخواهد داد. انشاء الله تعالی و اگر کتاب بدهد و یا مبلغ
بپردازد اینج رویه نزه خود دارد و به دست معتمد معتمد که در تصور به قهر
رسیده به قهر ارسال نمایند و خوف و خطر راه را بهم ملاحظه داشته باشند.
بیشتر دقت نمود نسخه فرمایشی الاسلام که نسخه عجیب است و از نصیب
معتدل معنوی حضرت مخدوم محمد هاشم تهرانی است. در خدمت مفتی
صاحب مفتی غلام محمد از قهر به مستعار است. اگر از ایشان فرغ شده
باشد شما بگرد و نقل کنید. والسلام.

خط سابق که اسمی است غلام محمد حواله آن برادر نموده بودیم.
موقوف دارند بلکه آن را در راه در بریا دارند. و خط مجدد که به دست مبارک
چون من فرستاده شد. به مفتی صاحب حواله شد. والسلام.

مکرر آن که در سوانحی مقدمه بمشوره میان این دو کوشش نه
فی الله سفول داشته باشند. سلمکم الله وانی مکرر آن که صلاح مسلمین
بمشوره مبارک چنان در اینجای برای گذارن مکه مبارک رمضان در اینجاست.
که کار خدمت خاک در مکه مبارک بسیار خواهد شد. و این صاحب از انجمن
دانی تبلیغی خوب است. والله اعلم ۳۱ در خورد در حافظ عبدالرسول هم بری
دانی شده استو اتصال مقدمه معلومه هم به زبان مبارک آن سفول خدا مبارک

است۔ ہر طور کہ خواہند دانست مقدمہ را منتفصل خواهند ساخت و چنان
دین را بعد از مہ مبارک مع کتاب یا مبالغ خواهند فرستاد کہ مردی معتبر
است۔

و دیگر آن کہ مولوی صاحب حضرت مولوی کرم بخش صاحب کہ
صاحب علم و عمل و صاحب خاندان اند۔ برای مقدمہ ضروریہ در لاہور آمدہ
اند۔ می باید کہ ہر طور غور ایشان نمودہ باشند۔ توانہ را یا دیگر کسی متعلق
مشرک را کفار را گفتہ کہ ایشان سرانجام کنانیدہ باشند کہ عنداللہ ماجور
موفود خواهند شد۔ والسلام۔

در خدمت مولوی صاحب کہ ہمراہ نما اند۔ و میان غلام رسول و دیگر
ہمراہان السلام علیکم رسانید۔ ورقہ میان فتح محمد بہ او رسانیدہ باشند و
رقہ میان حافظ غلام حسین کہ در لاہور است بہ او رسانید۔ رسید و وصول ہر
دو جلد "بخاری شریف" از حضرت مولوی صاحب بہ فقیر رسیدن است۔
والسلام۔ از برخوردار حافظ عبدالرسول و دیگر بزرگان اہل قبول السلام علیکم
معرض باد۔

رقبہ فقیر غلام محی الدین قصوری علی عنہ انشاء اللہ تعالیٰ بہ مطالعہ
برادر دینی و مخلص یقینی مقبول موصول حضرت مفتی غلام محی الدین

رساله رب العلمین در آید محرره هژدم ماه شعبان المعظم ۱۲۶۳ هجری مقصد
مبارک-

مکتوب بیست و او ششم

برادر دینی و مخلص یقینی مقبول الهی موصول بارگاہی حضرت مفتی
غلام محی الدین جامع رب العلمین از فقیر غلام محی الدین احمدی عفی عنہ
بعد از سلام اللہ و اکرام اللہ مشہود آن کہ قبل ازین فقیر در خدمت شریف
ارقام ساخته بود و جواب آن ازان طرف بہ فقیر رسیده بود۔ اکنون بار بہ تجدید
نوشته می آید کہ اراده فقیر بعد از عید ماہ مبارک قربان حج شریف و صد زیارت
ہزار مبارک حضرت بابا صاحب مقرر است، اگر اتفاق افتد، بعد از عید قربان
نصد قصور فرمایند تا باشد کہ بار بہ اتفاق ملاقات خوشی بہ ظهور بیوند۔
والفقرۃ للہ عزوجل بر خوردار محمد سراج الدین را دیگر مخلصان را نام بہ نام
السلام علیکم مطالعہ باد۔

جواب این رقعہ در خدمت حکیم صاحب در بھرہ رسانند و ہادر دست
کسی معسر کہ روانہ این صوب باشد، ارسال نمایند کہ بہ فقیر خواہد رسید۔
السلام والا کرام در انبوی عام بہ جلدی تمام صورت ارقام ہفت۔
از فقیر غلام محی الدین قصوری عفی عنہ انشاء اللہ تعالیٰ بہ مطالعہ

امامه فقیر صاحب مقبول در گاه حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب
العلمین در آید۔

ص ۱۳۲ | مکتوب | بیست و اول | ہفتم

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ، امام بعد در خدمت برادر دینی

مخلص بقینی مقبول بار گاه الہ موصول در گاه رسول رب العلمین مخلصی میاں
غلام محی الدین رزقہ اللہ تعالیٰ قال البین از داعی بالخیر فقیر غلام محی الدین
احمدی عفی عنہ بعد از السلام علیکم ورحمة اللہ و برکاتہ منجی آن کہ از
استماع مزودہ عاقبت شعرا از عارفان خدمتہ شکرہا بہ جناب رب الارباب
رسائیدہ۔ زندگانی برای عبادت و حمدانی بسا مغتتم است۔ لوتعالی استمال
شعرا مردم نفاع را دیر گاه سلامات باکر است دارا۔ انہا گفتہ ام و بارہا ذکر
می گویم کہ درین زمانہ ظلمانی خیر تدریس علوم اہل و عیال بر داشتہ۔
داشتغال بہ اذکار باطن ہم از اہم مہمات است کہ بی این تصحیح نیت راست
نمی آید و مدار ہمہ اعمال چہ ظاہر بہ و چہ باطنیہ بر این است۔ توفیق رفیق باہ۔
از ملاقات بر خوردار سعادت آثار محمد سراج الدین بسیار بسیار سرور بہ ظهور
رسیدہ سلمہ اللہ تعالیٰ و ابی حق سبحانہ تعالیٰ او را صلاحیت از لائی فرمود
اہل است۔ زیادہ یاد بر رب القیم۔ در تربیت ظاہری و باطنی او چہدی تمام مقبول

لامعه لیلبر صاحب مقبول در گناه حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب
العلمین در آید۔

ص ۱۳۲ | مکتوب | بیست و او ہفتم

أَتَّخِذُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَيَّ بِعِيَادَةِ الْبَلِيغِ اسْتَفْتَى ، امام بعد در خدمت برادر دینی

مخلص بلینی مقبول بار گناه الہ موصول در گناه رسول رب العلمین مخلصی میاں
غلام محی الدین رزقہ اللہ تعالیٰ قال البلیغ از داعی بالخیر فقیر غلام محی الدین
احمدی عفی عنہ بعد از اسلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ مہنی آن کہ از
استماع سوزہ غلیبت شعرا از عارفان سیدہ شکرہا بہ جناب رب الارباب
رسائید۔ زندگانی برای عبادت رحمانی بنا مہتمم است۔ او تعالیٰ امثال
شعلہ سرد نفاخ را دیر گناه سلامات با کر است در اورد۔ انہا گفتہ ام و ہاذا ذکر
می گویم کہ درین زمائدہ ظلمانی غیر تدریس علوم اہلانی باید بر داشت۔
واشتغال بہ اذکار باطن ہم از اہم مہمات است کہ بی این تصحیح نیست راست
نہی آید و مدار ہمہ اعمال چہ ظاہری بہ و چہ باطنی بر این است۔ توفیق رفیق باد۔
از ملاقات بر خوردار سعادت آثار محمد سراج الدین بسیار بسیار بود بہ ظہور
رسید۔ سلمہ اللہ تعالیٰ والہی حق سبحانہ تعالیٰ او را صلاحیت ارزانی فرمود
کہ است۔ زیادہ ہر رب القیوم۔ در تربیت ظاہری و باطنی او چندی تمام مقبول

داشتند باشند نسبت اولی را منقح نموده در انصراف نسبت تکیه سعی بلیغ
می فرموده باشند که ضرورت تراست تا کید بر تان کید است والسلام مع
الاکرام و به تم الکلام.

در خدمت جمیع طلبه السلام علیکم رسائیده باشند.

امکتوب | بیست | او | هشتم

در خدمت برادر دینی و مخلص یقینی مقبول الهی موصول بزرگویی
حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین لا فائدة المسلمین از فقیر غلام
محی الدین احمدی حمد لله جمیع الامه و اقوامه بعد از سلام الله و اکرام الله
معروض آن که از استماع واقعه حادثه وفات زلفه فرزند بزرگوار محمد سراج
القیس — ل الله رب العلمین — چند ان خسرت و التوسل و غم و الم شامل حال
این مکسور البال گردیده که اظهارش از امکان به امتناع رسیده چون علاج این
درد لا دواء به جز صبر دیگر نمانده لاجرم باید به دامن مصیبت کشیده "انا
امر الله وانا اینه الرجعون" —

امید است که آن برادران هم اسطیخار اختیار نموده باشند رضا به قضای
که لعنکم العاکمین دادن سحره رضیه اهل ایمان است. فاعلم کریم آن مقوم
معلوم ربه عوض این غم رسائیده فرزند طویل العمر عطا فرماید. می باید که

برخوردار سراج الدین را به فرمایند که این دعا بعد از هر نماز به بار خوانده
 باشد: "اَللّٰهُمَّ اجْرِ لِيْ فِيْ مُصِيْبَتِيْ وَ اَخْلِفْ لِيْ خَيْرَ اِمْتِنَانٍ" انشاء الله تعالی به امر
 این سر قلمز خواهد شد.

دیگر آن که رفعه حضرت مولوی نور محمد صاحب برای طلب کتاب
 نیایه رسیده بود و فقیر آن کتاب را از قصور در مزدگان طلبا نیده چون قبل
 العجم بود درویشی که همراه حضرت مولوی صاحب مولوی غلام نسی جو
 بود طاقت برداشتن آن باجمالی نیاورد لهذا قلمی که اگر صلاح طلبین کتاب
 باشد کدام درویش معتبر خود به علامت خود به فقر ارسال دارند که فرستاده
 خواهد شد و باز فرستادن آن کتاب به فقر رفعه آن برادر خواهد بود باید که با
 حضرت مولوی صاحب مولوی نور محمد و غلام نسی کرده خواهد شد.

دیگر از حضرت مولوی غلام نسی صاحب درویش بود ملائی فقیر
 شریف ناموضع با ما همراه فقر بمالند نسبت سابقه را که حاصل کرده
 بودند در سفر پخت کردند و چون از سفر معاودت واقعه شد به مزدگان استخرا
 به ظهور رسید ایشان را تو جهات فوقانی نموده شد و ایست علیها کمالات
 سوت که عبوات از تهنیت عناصر اربعه است به فضل الهی و به توجه و
 عنایت حضرت رسالت پناهی علی الله علیه و سلم حصول بهجت پس به این

کلمات ایشان را اجازت و خلافت داده شد. الله تعالی در آنچه ایشان را عطا فرموده است. استقامت نصیب فرماید، و برکت فریب نماید. آمین یا رب العالمین.

اراده فقیر بعد از چند روز جانب داور مقرر است. چون عرصه معراج شریف نزدیک رسیده است شاید که شب معراج مبارک در آنجا شود. بعد از مراجعت از انشاء انشاء الله اطلاع نموده آید. فقیر را از دعای حصول رضای کسریای فراموش نداشته باشند. و فقیر هم از یاد آن برادر غافل نیست. (ص ۱۳۴) والسلام غیر الکلام.

بر خورد از مشول پروردگار محمد سراج الدین سَلَّمَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَاعْتَدُوا
فَتَبَكُّوا لِلْمَلَأَبِ الْحَزِينِ " بعد از دعای واضح بالا. بر خورد از دعای که در
باله شما کرده می شود. الله تعالی به فضل و کرم خود، مستجاب کند.
بنتون و العباد چون مضمون واحد بود، حاجت به تکرار ارقام نشد.

در خدمت حافظ اعمی و دیگر مخلصان اسلمه مسووم رسانیده باشند. -
بر خورد از صلاحیت شعر میان فتح محمد را از طرف فقیر رسانیده باشند که
نوبه دفعه آن برادر رسیده مسرور گردانیده اند.

انشاء الله تعالی به مطلقه لامعه برادر دینی و مخلص دینی مشول از

موصول له حضرت مفتی صاحب سلمه رب العوایب

مکتوب بیست و اول نهم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی بَرَادِرِ دِیْنِیْ وَ مَخْلَصِیْ دِیْنِیْ

مفتی موصول بزرگانی حضرت مفتی صاحب سلمه رب العوایب از فقیر

غلام محی الدین احمدی قصوری رزقہ اللہ تعالیٰ دوام الحضورى بعد از سلام

اللہ و اکرام اللہ متکفین آن کہ الحمد للہ کہ فقیر از ان برادر مورخین شنبہ بہ

غیر و غایت از شنبہ از طریق محفوظ شدہ بہ تاریخ ہفتدہم ماہ مبارکہ رمضان

در مرزنگان رسیدہ و در اینجا فقیر باک ماہ اقامت نمودہ بہ تاریخ بیستم ماہ

شوال در قصور رسیدہ شدہ مقدمہ گذر شدہ عشر ادا ہو خوردار حافظ

مسافر سول بہ تاریخ بیست و اول ہفتم ماہ ذی الحج مآلن کردہ شدہ باید کہ آن

برادر قبل از تاریخ مذکور بہ دوسہ روز در قصور حضور از انی خواہند داشت

کہ ہمہ مخلصان را انتظار قدم مسرت لزوم شعا خواہد بود۔ میان غیر محمد و

محمد ولادت و دیگر مخلصی کہ لڑہ آمدن این طرف دلرد۔ بہرہ خود آوردہ با

نفس و میان جنن دین را از کہتر ہم بہرہ رفتہ باشند۔

در خدمت جمیع مخلصان خصوصاً حافظ صاحب صاحب ایمان

اسلام علیکم مطلقہ باد۔ از جمیع مخلصان خصوصاً میان خوالدین السلام

علیکم مطالعه باد۔

انشاء اللہ تعالیٰ بہ مطالعہ برادر دینی و مخلص یعنی حضرت مفتی

صاحب غلام محی الدین سلطہ رب العلمین لاقادہ المسلمین در آہد۔ از مقام

نصیر در بلدہ میانی نمکسار برسد۔ مورخہ ۱۰ ذی القعدہ۔

امکتوب اسی ام

اَلْعَمَدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی ، اما بعد در خدمت یعنی

درجت برادر دینی و مخلص یعنی مقبول الہی موصول بلر گاہی حضرت مفتی

غلام محی الدین سلطہ رب العلمین لاقادہ المسلمین از فقیر غلام محی الدین

امرہ ۳۵۰ فصولی عنی عنہ بعد از السلام اللہ و اکرام اللہ موضوع آن کہ فریب

در سال شدہ کہ مسماں عایشہ ہمشیرہ جن دین در ایجا فائلہ بسیار انتظار

برادر او کشیدہ ہم کسی برای بردن اولیا بندہ آخر لاجد کہ دیدہ اورا بہراہ

فائلہ نا لاہور رسالیدہ شدہ خدا کند کہ از ایجا فائلہ مغتر بہم رسد کہ

در خدمت آن جناب مشرف گردود میان صاحب میان محمد جیو چک سیدی

کر واک در لاہور آمدہہ خطی در انتظار احوال مسماں مذکورہ فرستادہ بود

لہذا مسماں را روزوی او رسالیدہ و بہ او ناکید نوشتہ ایم کہ این بلر را در

خدمت حضرت مفتی صاحب در میانی رسالت لہذا برقوم کہ ہر گاہ کہ

مساحت مذکور در خدمت آن صاحب برسد بهر طرز غیر حق او از رانی
 داشته، یا او را از شوهر او آزاد کنند و یا در خانه شوهر او آید کنند تمام
 عهد مطلق داشته، یکی کلاً از این پروردگار به روی اظهار آرد و اگر سلاح
 مبارک برآید کردن او در خانه شوهر مقرر شود تا از شوهر او نامه خطی معتبر و
 عدم ایفاء او گرفته باشند.

بر خوردن دار سعادت اطوار مطلق پروردگار موصول بران کلام محمد
 سراج الشیخ سلطه رب العلمین را معلوم باد که این مفسره را بخش مفسره خود
 داشته و تا کید فقیر بران علاوه داشته به جهت وجه جعل سزاند که مساحت را
 برگزیده برگز آسب و ایلهای از شوهر او برسد که این عاقله بسیار بسیار می
 نرسد بلك آمین آن طرف به زور او را روانه آن طرف نمودیم که مطلق صورت
 شعری در سفر معنوع شرعی است.

در خدمت جمیع مخلصان و داغیان طریق نام به نام سلام فقیر رسالیده
 بخش و السلام غیر الکلام.

مگر آن که مساحت همیشه را بنا به تصور آمین نیست که توان آن
 میگفت بر خانه نام معربان معنوع شرعی است الله تعالی از جمیع معربان
 شرعی محفوظ داشته به یاد خود محفوظ دارا. بخش و آنکه الا حفظه

انشاء الله تعالیٰ به مطالعه لامعه برادر دینی و مخلص یقینی مقبول السی
موصول بزرگانی حضرت مفتی غلام محی الدین سلطه رب العلمین لافلانہ
المسلمین در آید۔ رفیعہ فقیر غلام محی الدین قصوری علیٰ غتہ۔

انکتوب | سی و یکم

برادر دینی و مخلص یقینی مقبول السی موصول بزرگانی حضرت مفتی
صاحب غلام محی الدین سلطه رب | ص ۳۶ | العلمین لافلانہ المسلمین۔ از فقیر
غلام محی الدین احمدی بعد از حلام اللہ و اکرام اللہ منکشف آن کہ دوبہ
شدہ کہ خطی متضمن تمام کوائف مرقوم نموده بہ دست میان لعل لرسال
غضبت داشتہ۔ انشاء اللہ تعالیٰ رسیدہ باشند الحال میان بودہا را رخصت
کردہ شد۔ لطائف او خوب بہ صفا و نورانی شدہ اند۔ بر طرفہ نفس توجہ کردہ
شدہ کیفیتی در آن پیدا شدہ است۔ امید است کہ قوت خوابیدہ گرفتہ آن
برادر ہم توجہات بران لطیفہ کردہ باشند کہ مردی لایق و اہل است و چون در
دشمنوں و خطرہ شائع است۔ اگر قصد این صوب نمایند بہ احتیاط تمام و حرم
بالاکلام خواہند نمود کہ در حدیث واقع است۔ "الْحَرَمُ سُوَاطِرُ" میاں کہ
سعدیوں کہیں کردہ باشند۔ اخذ ہم اللہ و الخرابیم بہ حرمت سید عالم سلین
سلی اللہ علیہ و علیٰ آلہ و اصحابہ اجمعین بر حمتک بالرحمہ الراحمین بک کلام۔

پینه دار که نام این کلاه کلاه رضا است- برای شما فرستاده شد- پاک است-
 و سوار نخواهند فرمود و بر سر خواهند نمود- انشاء الله تعالی فیض بر مرافق
 زیاد خواهد شد- والسلام-

اگر اتفاق اتفاق آمدن این صوب افتد "تحفه رحمانی شرح" خلاصه
 کینانی و "شرح قصیده مبارک غوثیه" که اکنون نوشته اند- همراه خود خواهند
 آورد-

رقیبه فقیر غلام محی الدین قصوری علی عنه انشاء الله تعالی به مطلق
 لامعه مفتی صاحب مهربان اشفاق لسان حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه
 رب العلمین- آمین یارب العلمین-

امکتوب | سی و دوم

أَشْكُرُكَ يَا رَبِّهِ وَسَلَّمَ عَلَى عِبَادَةِ الْبَيْنِ اسْتَظْنِي، لَمَّا بَعَدَ فِي خِدْمَتِ اِعْلَانِ
 نسبت برادر دینی و مخلص بیتی صاحب حضور و فنا محمد اشرف
 سلمه الله تعالی لا فائدة اهل التوفاه اعصا غلام محی الدین سرایا قصور
 راف الله تعالی دوام الحضور بعد از السلام علیکم وعلی اجمعین آمین لَدُنْكُمْ
 معروض آن که میان لعل صاحب رسیده از برون عالیست و صحت مسرور کرده نیست
 عبات مستعمل برای ادای احکام برورد که غنیمت است- هر کجا که باشد

بنددا باشند و معترض از ماسوا باشند. غرض از آنست که ای و طاعت
 معنی در و حقی است. وظیفه جمعی ترک شهود نفسی است. وظیفه
 در حقی ترک عطران غیر حقی است. **اِنَّنَا اللهُ نَعْلَمُ مَا نَا كُمْ وَنَجِيحُ اَبِل**
الاسلام این ۳ آیه را لعل حیو به شامت نفسی است. اگر با کل و اهل شده
 اند و در عبادت و ریاضت بسیار کاهل شده اند. لهذا ایشان را به التزام
 محبت شمعانا کمال کرده شده. خدا کند که به این توجه و عیب ایشان این
 و نشان از نعمت سینه در و نشان بهره مند گردد که مراد مسکن است.

امکتوب | سی و سوم

اَتَّخَذَ اللهُ وَاسْلاَمَ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اسْتَمْتَعُوا بِمَعْرِفَةِ رَاحَةِ رَاسِي
 و مخلص بقینی مقبول موصول مؤید القین الحنین و الا انا یعنی محمد غلام
 معنی القین سلمه رب العلمین لا فاده العلمین از بتمام معنی الا نام رب الله
 نعلنی عنه کلم الا لام به حرمت سید الانام علیه و علی آله المقام و اسعابه
 لکرام الله صلوه و تحیه و سلام بعد از ارسال تحفه سلام از قام آن که مدنی
 بر آمده که از سرود عاقبت ظاهره و باطنیه خود چیزی اطلاع فرموده اند.
 نظر کمال می نماید. قصد نظر برای زیارت آن جناب و ملاقات احباب آن
 صورت ماسوا مقرر بود. لهذا سبب مقلبه و مخافته و مقلبه کفار فرنگ و

سکهار به آپسنگ از مدت چهار ماه قریب قصور فتور در فتور واقع بود. آن
 نقد متوقف ماند. اکنون موسم سرما رسیده سفر در این موسم دشوار گردید،
 اگر نالاپور و داود رسیده شود هم غنیمت است. که مخلصان آن طرف انتظار
 بر انتظار دارند. هر چه علی سجاد تعالی خواست باشد، به ظهور خواهد رسید
 چون مدت مفارقت بطور انجمیده اگر بر شب معراج مبارک در قصور حضور
 لڑائی دارند موجب فرحت و مسرت خواهد شد. اگر کتاب "کثر التیفات"
 مفرغ شده باشد، به عرواه خود خواهد آورد. به طرف حافظ صاحب حافظ
 نوالدین و مولوی پیر بخش صاحب تنگیان واک هم این حرف نوشت [ص ۳۸]
 شد. اگر به اتفاق بند بگر علام این دعا شوند، تقریب جشن است. والله
 عموکلام.

دیگر آن که حسیل رفیق مبارک کرم الدین صاحب به ترفیق سراپا گاه
 قلست فرموده و از آن ذکر و مراقبه نموده او را تا حقیقت محقق علی صاحبها
 السلامات السرمه توجیه کرده شد. حرف خلافت هم داده الله است
 که — از صحبت او طلبیان را کسب است مجدداً خواهد گشت آن
 مطربان که — با یکدیگر مجلس کنند. الله تعالی — ع شکر —
 انکار است — معلوم خواهد فرمود سلامتکم الله تعالی — ع وایله

مَعْلَمًا سَيَأْتِيهِ أَيْهَ الْأَمَةِ الْمُحْتَمِدُ بِهَ جَسَدِي وَتَدْرِي أَنَّ
 وَالْوَالِئَ بِاللَّهِ عَلَيْهِ نُوُ كَلَّمْتُ وَالِيَهُ مَسْأَلَةً

بر خود در سعادت آنکه مقول پروردگار محضراج الفی سلمه السطر و
 دیگر مخلصان و میل عنایت اللہ و حافظ و غیره مخلصان نام به نام مخصوص به
 دعاهای و اسلحه مستنون مخصوص التدریج و الدعاء لرب خود در حافظ
 عبارتون و غیره - حافظ ان السلام علیکم مستجاب باد -

و فیما تقر غلام معنی آن قصوری علی غت معرره به تاریخ بقیع باد
 صح لانی ۱۲۶۴ هجریه مقلبه اشیا علی به مقاله لامه معنی صاحب
 سوره مقول برادر دینی حضرت معنی غلام الفی سلمه رب العلیون در
 لب

انکوباسی و چهارم

أَعُوذُ بِكَ وَنَسْتُكَ عَلَى عِيَادَةِ الْفِتَنِ أَسْطِنِي يَا سَاعِدِي يَا مُخْتَصِمِي يَا رَافِعِي
 حضرت دینی حضرت معنی صاحب سلمه رب العالیین از بیستم گرام بعد از
 سلام اللہ بالا کرام منکشف آن که امروز که روز خمیس آخر ماه مبارک ربیع
 السرمین است - نیم روز است که ظهر در مرنگان طاق است - و منگن سر در
 غار شب معراج مبارک هم در آنجا کرده شده لیلست که آن وافر در آنجا

کرده باشند الله تعالی به طفیل سیدالانبیاء علیه من الصلوة افضلها و من
 تعجبات اکملها هر و غبطه آن برادر فقیر کمال عطا فرماید که موجب هدایا
 ملحق الله گردد. آمین یا رب العلمین۔ از اینجا قصد تارود است۔ هدیه آید که
 از هر طرف کفایت و کفایت صورت معاودت او هدیه قصد آن است که در میان
 سزاوار تصور کرده آید۔ وَالْعِلْمُ عِزٌّ لِلَّهِ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ وَأَلَا تَوْفِيقًا
 إِلَّا بِهِ ۝۳۹ بِاللهِ التَّوَكَّلُ الْعَظِيمُ۔ چون اکثر اوقات انتظار خاکسار به طرف آن
 مشغول بوده گری می باشند از آنکه از تحریک احوال خیریت مالی خود محال بود
 باشد

بر خوردن در مشغول بوده گری محمد بن علی بن ابی طالب را و دیگر مخلصان را اسم به
 اسم دعایا یاد بکنی و الصلوة

دیگر آن که شنیده شد که ترجمه مشرق الانوار که مولوی محمد خورم
 علی صاحب از زبان اردو نموده است۔ نزد آن برادر رسیده است۔ خود فقیر
 برای مطلق آن بلکه برای نویسنده آن ضرر است۔ و اگر۔ نزد آن برادر
 باشد ارقام سزاوار که نسلی گردد۔

منظوم بر زبان از فقیر غلام محی الفیض احمدی قصوری علی عنه التشاء
 الله تعالی به مطالع برادر بهی و مخلص بهی حضرت ملحق صاحب هر
 تکسار بود

امکتوب اسی و پنجم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى . امام بعد از خدمت مقبول

الهی موسوی بارگاہی معلم حضور و آگاهی حضرت مفتی محمد غلام محی

الدین سلمه رب العلمین بتائید دین سیدالمسئلمین صلی اللہ علیہ وسلم از حقیر

غلام محی الدین قصوری رزقہ اللہ تعالیٰ دوام الحضور بعد از سلام اللہ

والکرام اللہ معروض آن کہ مکتوب مرغوب آن برادر رسیدہ . مسرور گردانیدہ

بود . آنچه از وعده قاضی صاحب برای سرانجلسی مقلدہ کارخیز فرمایہ محرم

ارغام فرمودہ بودند . خدا کند کہ قاضی صاحب این وعده را وفا فرمودہ باشند .

امین یارث العلمین . ازین مقلدہ اطلاعی دادہ شد کہ انتظار کلی است .

دیگر آن کہ کتاب " کنز الہدایت " بہ دست یار بودہا فرستادہ شد .

لعل خواہند فرمود کہ بسیار نافع و مفید است . میان بودہا تا بہ عناصر تک

کہ مورد فیض ولایت علیا است . توجہات نمودہ خرقہ اجازت دادہ شد . انشاء

اللہ تعالیٰ نور حضور پر لطیفہ را فرار رسیدہ است . خود مگر گردیدہ است .

اللہ تعالیٰ استقامت بر متابعت پیون کبار کرامت فرماید . کل این است و غیر

این بہ هیچ بہ ہر وجہ رفقت میان بودہا از ہر لہر نمودہ باشند کہ مراد مقبول

است و صاحب و رسول است . وقتی کہ حقیر در ہالہ بن اسی ۳۰ رسیدہ بود .

مخلصان ملك بار برای ملاقات فقیر و برهن فقیر در ملك خویش آمده بودند. با ایشان وعده نموده راجع قصور شدیم. اکنون برای وفای آن وعده قصد آن صوب نموده تا به شاه پور رسیده شد. فردا انشاء الله تعالی قصد شرفیور خواهد شد. شاید يك دو ماه بدان نواحی مصروف شوند. و العلم عندالله باید که از امداد دعا غافل نبوده باشند. والسلام.

بر خوردن محمد سراج الدین را دعاها یاد برای شفاء او دعاها کرده شد. مستجاب باد. بالتون والعلما جمع مخلصان را السلام علیکم رسانیده باشند. از تولدش در فرزند نرینه در خانه مخلص بیگانه فرحت فراوان بهم رسیده. عمر دراز و پایداری باد. آمین یا رب العباد.

دعوت فقیر غلام محی الدین احمدی حضوری رزق الله تعالی دوام
 الحضور انشاء الله تعالی به مطالعه برادر دینی و مخلص بلینی مقبول و
 موصول مفتی صاحب فقیر غلام محی الدین نمکساری سلمه استر.

امکتوب سی و ششم

برادر دینی و مخلص بلینی مقبول الهی موصول بلر گنسی صاحب حضور
 و آگنسی مخلص اخلصی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین از
 بیستم معین الاتام بعد از سلام مستون طرف سید الاتام علیه الصلوة والسلام آن

های آن که مدتی برآمده که از مزده خیریت و غایت خود چیزی تحریر
 نفرموده اند. انتظار کمال می نماید از اظهار شخصی که از بهره آمده بود،
 بریافت رسیده که بلا را فاضلان پرزبان بر سر آن مقتضای سنان شورش
 نگینت بودند و چون مور و مگس ریخته بودند. اما حافظ حقیقی آن برادر
 تعقیبی را فتح و نصرت نصیب فرمود. لیکن تفصیل این قضیه معلوم نشد
 لهذا نسلی کلی بدست حصول نه پیوست. الله تعالی اینده را هم بعون غایت
 سید المرسلین صلی الله علیه و سلم اهل سنت را بر اهل بدعت غالب و سلب
 درود امین یا رب العلمین.

مکرر آن که در این ولای به تاریخ چهارم ماه ذی الحج کله خیر شادی
 بر خوردار حافظ عبدالرسول مقرر گردیده. می باید که اظهار فرصت از دست
 نماند بر غایت نمود به تاریخ سوم ماه مذکور در قصور حافظ بر نور لرانی
 فرستند که زیارت ایشان نموده آید که اعتبار حیات هیچ نیست. والسلام.
 امر ۱۴۱ بر خوردار سعادت آثار مشمول پروردگار گل میال سراج القسین بادعیه
 غیر القسین مخصوص است. و لا مخلصان هر که قصد آمدن این صوب نماید
 همراه مبارک خود آورده باشند. اگر اخلاص نشان میال محمد و ائمه اهل کورا
 فرصت باشد هم همراه آورده باشند. و میان غلام نی فرزند قاضی صاحب را هم

اعلامی فرموده باشند والسلام والا کرام.

تمام مخلصان را السلام علیکم رسانیده دهنده اعلام نشان میل فتح

بعد و والد او را السلام علیکم باد.

رفیقه فقیر غلام محی الدین قصوری غنی عنه مرقعه به تاریخ پنجم ماه

زی عذبه انشاء الله تعالی به مطالعه لا معه برادر دینی و مخلص بقینی حضرت

مفتی غلام محی الدین صاحب در لون میانی برسد.

اکنون سی و هفتم است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ السَّلَامُ عَلٰی عِبَادَةِ الرَّسُوْلِ الْكَرِيْمِ الْبَرَادِرِ دِيْنِي وَ مَخْلَصِ بَقِيْنِي

مفتی الهی موصول بارگشی عوارق و معارف آگین مفتی صاحب حضرت

مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین لاتأخذه الساعة من از فقیر غلام محی

الدین قصوری رزق الله تعالی دوام الحضورى بعد از سلامه علیکم و علی

صیغ سن لعلکم عرض آن که الحمد لله که فقیر به غیر و غایت به تاریخ چهار

بیمه در جب المرجب داخل قصور گردید.

دیگر آن که میان شهر محمد برای معالجه مرض طحال یعنی آب که از

لحم خارض حلال او بود. حالا پور پسران فقیر آمده بود. از قضای الهی در راه

معارضه آب طمس گیر او شدند. از ماه زیاد فقیر برای انتظار شفای او در مرزنگان

متوقف گردیده. انواع معالجات از طبیبان لاهور و از داکتر انگریز کاتبه شد.
 تب مفرق گردیده بود. پس فقیر از آنجا مرخص گشت در موضع اجهره رسید.
 و اورا بر اشتر سوار کرده، همراه خود آورده شد. چون ایام قنابت بود. اورا
 ضعف کمال لاحق حال گشت. گفت "من هرگز رفتن نمی توانم به برسواری
 شریفه برسواری اسپ" پس لاجرا شده اورا به مزنگان واپس رسانیده شد و
 خرج مابین حاج حواله او نمود سپرد او به حافظ صاحب حضرت حافظ عبدالرحیم
 مزنگان وال که از مخلصان فقیر و خادم الفقرا و صاحب سفار و فالست.
 ساخت اورا در آنجا گذاشت روانه قنبر گردیدیم. به اراده الهی و به ظاہر نجات
 بدو پیزی شده او را بلز تب و اسهال جاری شد. اس ۱۴۴ حافظ صاحب جزا
 الله خير الجزاء چندان خدمت او نمودند که کسی از اهل قرابت آن خدمت می
 کنند و به فقیر برای تسلی می نوشتند که امروز فردا تنفر صحت می شود. از راه
 زیاد خدمت او بجا آور دهند. و به تقدیر الهی مرض او روز بروز زیاد می شد.
 چون دیدند که مرض او زایل نمی شود. و ضعف هر دم غالب می آید. اورا بر
 چهار پای سوار به مزدوری سوا دو رویه در قصور رسانیدند. امروز که روز شنبه
 است ادا پنجم ماه شعبان المعظم است. چهار روز شده که در قصور آمده
 است. اسهال جاری است و ضعف چنان غالب است که از پهلوی به پهلوی

مده غیر نمی تواند شد و به دست خود لقمه درد بیان انداختن نمی تواند. نظر به
 ظاهر رسید زندگانی او کمتر است. لهذا به آن برادر قلمی که به مجرد رسیدن
 رقعہ فقیر درویش خود با کدام مزد و در روان بیرون سزاند که برادران او را خبر
 رساند و ایشان را بگوید که اگر کسی شوق دیدن او باشد به مجرد رسیدن خبر
 روان تصور شوند که او برادر آن را بسیار یاد می کند. اگر حق سبحانه تعالی
 خواسته باشد ملاقات برادران حاصل شود. هر گاه که برادر او در میانی در
 خلعت شما حاضر شود همان دم او را روان تصور نمایند. تاکید بر تاکید
 است. جواب این رقعہ هر گاه که فرستادیت شما برسد، همان دم ارسال سزاند
 تمام ذک انشاء اللہ تعالیٰ به فقیر خواهد رسید. در فرستادن برادران شیخ محمد
 به تصور در نوشتن جواب رقعہ چندان که شتلی بگفت. ثواب بر ثواب خواهد
 بود. والسلام خیر الکلام.

بر خوردار مسئول پروردگار محمد سراج الدین و اہم همین تاکید است.
 تمام مخلصان را السلام علیکم رسانیده باشند. بر خوردار میان فتح محمد را و
 دیگر مخلصان را نام به نام السلام علیکم باد. در فرستادن آدم خود در بیرون و
 طلبا رسیدن برادران میان شیخ چندان که شتلی و جلدی نمایند. عین سواب و
 شعر ثواب خواهد بود. از خوردار حافظ عبدالرسول و دیگر درویشان السلام



انشاء اللہ تعالیٰ این لفظ در ذاک خاک بند دادن خان رسید، از آنجا در

نصف لون میانی در مسجد حضرت مفتی صاحب ملبول در گاہ رب الموابت

حضرت مفتی غلام محی الدین صاحب برسد۔ منظام قصور مسجد مرنگان

مورخہ ہست اور ہستم ماہ شعبان المعظم ہجریہ مکتبہ ۱۳۱۹۔

امر ۱۳۳ | مکتوب | سی و ہشتم

اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ وَ سَلَامٌ عَلٰی عِبَادِہِ الْبَرِّیْنَ اَمَّا بَعْدُ فَاَقْرَبُ غَلَامِ محی

الدین قصوری رزقہ اللہ تعالیٰ دوام الحضور بعد از سلام اللہ علیکم و علی

جمع من لعلکم در خدمت برادر دینی و مخلص بنی ملبول الہی موصول

بلد گہی صاحب حضور و آگہی ولایات دستگاہ کمالات انتہاء برادر محی

غلام محی الدین سلمہ رب العلمین لافادۃ المسلمین معروف من من آن کہ لغیفہ

نشدہ کہ در اوقات شریفہ از دست میان پر بخش قانون گور رسیدہ بود، مسرور

موسم گردانیدہ۔ جمع مایہا مفہوم گردیدہ۔ آنچه از ظہور اثر توجہات ارقام

فرمودہ اللہ رنگ انتظار از لوح خاطر خاکسوز دودہ اللہ حمد پایہ جناب رب

الارباب رسیدہ شد۔ این ہمہ اگر عنایات بی غایبنا بیرون کار است کہ درین

امکان طاعتی کہ نہ از حلال نشان است و نہ از صدق بیان است۔ بی رعایت

شروط این چنین باشد منوط منوط گوید. حرامیم که تعالیٰ حرامی را حرام
 باشد بهمان سبب که در اولاد از طریق منقسم طرفه و بیع و بیعت با سبب گنایه
 که بیعت حق ناگوارست. شرطی در آنکه شرطی از بیع گنایه حرامی
 در همان صلاح خود شرطی طرفه باشد که حق خود را از بیع حرامی
 از این جهت که بیعت با سبب منقسم خود و بیعت از بیع خود شرطی است
 شرطی بر این است که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی حرامی که از
 بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی
 که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی

علا کسفی العا که موافق است

و اگر بیعت با سبب منقسم

بیعت با سبب منقسم که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی
 بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی
 بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی
 بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی
 بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی
 بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی
 بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی
 بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی که بیعت با سبب منقسم از بیع حرامی

كُنْتُمْ اَكْفِي وَفِي رِوَايَةِ الْاُخْرَى كُنْتُمْ اَكْفِيْنَا شَرَّ بَعَاثِيَّتْ“ دفع خواهد شد.

در خدمت جمیع مخلصان خصوصاً بر خوردار مقبول پروردگار محمد
سراج الدین و بر خوردار حسن الدین و بر خوردار مولوی و میان خدا بخش دایه و
بیکر اهل اخلاص سلام مستون الاسلام مستجاب باد.

چون که در خدمت حضرت قاضی صاحب مشرف شونده سلام
مستون از طرف فقیر رسانیده باشند و بر خوردار میان غلام نبی را ضرورت توجه
می فرموده باشند که مردی صالح و نوالفلاح است و السلام.

هم برین لحاظ از تحریر حلالی خود مسرور داشته باشند که موجب
توفیق است. در خدمت والده ماجده و پیشوای صاحبان دعاها رسانند اگر
تفان رفتن بند گردد آن مخلصان را هم توجه می فرموده باشند و از طرف فقیر در
خدمت تمام سلام مستون رسانیده باشند و خطی که در نام حکیم صاحب
محمد حسین ملفوف به ایشان به دست معتبری رسانیده باشند از میان
خوارین و اهل دین و نور محمد السلام علیکم مطلقه باد.

انکتاب سی و نهم

برای دینی و مخلص دینی مقبول الهی موصول رسالت الهی صاحب
مضور و آگاهی حضرت مفتی غلام محی الدین رزق الله تعالی کمال الهی از

پس از آنکه بعد از سلام مستوی اسلام برقام آن که غایت شایسته کی
 از اوقات گوناگونی به دست میآید بهمان بهمانت الهی سلسله "کسری" و
 "بهرایلی" فرستاده بودند رسید و مسرور گردیدند آنرا به این جهت
 بود که سرنگ بود که این چنین کتاب طویل عرضی را نقل ساختند فرستاده اند
 لغیر تعالی شروح تصدیق مبارک فرار نشسته اند مع آن که کتاب خوبی نویسی
 به دست نیامده و از آن کتاب نویسی در این خواست که این کتاب بهم
 رسیده است انشاء الله تعالی در این روزها نقل کتابی خواهد شد متعلق به
 است معتقدی فرستاده آید و با خود آن کتاب قصد آن شود شد به راه آورد
 خواهد شد سلسله طریقه و عقلی به آن کتاب و آنچه از جاری شدن
 امره "لطایف غمسه اعلا من لولائین فرموده اند فرستاد و فرحت افزون اند
 ظهور دوزخ توفیق و لا تقصیر

می باشد که شغل بطور از شغل ظاهر اکثری او فرستاد که مشغول نماید
 به است و دیگر اشغال و اعمال و سالی و عوارض آن است
 پس از این سال این معنی محقق شد به خلق
 که بنگاه دم باشد بودن به ملک سلطنتی
 از صنعت اول سرایت تا که در لطایف شما مشغول شده بود اما شما را

مبارک نصی شد۔ الحمد لله کہ ادراک آن شمارا ہم حاصل شد۔ فآخذ لله
عنا کثیراً طیباً منک کہہ منکر کا غلبہ کثرتاً یحب وینا ویزسی اکنون میں باید
کہ مواظبت را از دست نماند باشد۔ آنچه از صلاح و فلاح بر خوردار محمد
سراج العین اعلام فرموده اند۔ فرحتی تبارہ ہی لنگارہ حاصل شد۔ حق
سبحانہ تعالیٰ آنچه ظن فقیر بہ آن بر خوردار است از قوت بہ فعل آرد آمین۔ بر
خوردار را از طرف اظہیر تا کید شغل باطن معہ تحصیل علوم ظاہر بہ وجہ اتم
میں یاد کہ رفیقت بہ اہل خانہ ضرور تر است۔ از این معنی الحاضر نخواہد
بود والسلام۔

مبارک ہدایت اللہ صاحب از ارادہ ہجرت آن بڑا اثر ایجابی نموده اند۔ این
نصیب مبارک و میمون است و این سفر ہمراہ مشرف نواید دلیہ و برواید
مشعون است۔ اما معلوم نمایند کہ جز حضرت عرب شریف لایق ہجرت و
لوطن بیچ ملک نمائندہ است۔ نزدیکہ این دیار کابل و قندھار است۔ در انجا ہم
فتنہ های و لغزینی شمارا است۔ این ارادہ را محکم دارند و کدام ملک اسلام
لایق لوطن در دل شما اند۔ اللہ تعالیٰ بہ کرم و فضل خویش این دل ریش را ہم
بہ بہ این سعادت عظمی مشرف گرداند۔ بہ حرمت حبیبہ و قریبہ محمد صلی
اللہ علیہ وآلہ واصحابہ اجمعین آمین۔

آنچه طلب رساله تراویح فرموده اند، مهرباناً رساله علیحدہ در این باب
 زود فکر موجود نیست۔ در رساله "ملکیت ہستے من الاعمال من ایمان ہے"
 کہ از حضرت شیخ عبدالعزیز لیسے، فرما کر شہر رمضان مسکے تراویح را خوب
 تھلیل نموده است۔ از ان سبب تمام مجموعہ دور رسالہ را کہ ان رسالہ ہم
 بران میان بہ دست میان ہدایت اللہ جو فرستادہ شد کہ نقل خواہند کنند
 کہ امر ۴۶ این رسالہ بسیار قابلہ بخش است۔ در دیگر کتاب های این جنس
 تھلیل دینہ نشدہ است۔ از رسالہ "تراویح فرمودہ" ہم رسالہ ہی بہا است۔ اما
 قصوری کہ از آخر نقلی است۔

می باید کہ از دورو بعید تلاش این مجموعہ آن را تمام کنندہ باشند کہ
 امر جزیل بران عمل لیل مترتب خواہد شد با فضلہ تعالی تمام مخلصان را
 اللہ مسنونہ از طرف حقو رسانیدہ باشند و السلام و الاکرام میان ہدایت اللہ
 صاحب بسیار مرد صالح و نیک مند ایشان است در تقریب توسعی بلع من
 فرمود باشند تا کید آکید کنند۔ والسلام۔

و بعد فقیر غلام محی الدین قصوری رزقہ اللہ تعالی توام الحضور
 کنند اللہ تعالی بہ مطالعہ لامعہ و امر دینی و مخلص بلین کامل الايمان شامل
 لاصغر حضرت مفتی غلام محی الدین سلمہ رب العلمین مفتوح باد۔

ایکتوباً چهل

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰٓ كُلِّٓ بَيْتِهِ الَّذِيْنَ اَسْتَظِنُّ ، لما بعد تر حضرت برای دینی
 و بعضی دینی مقول آنی موصوفی بار گئی صاحب المعاری و ارباب المعاری
 حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب العظیم الامام المسلمین از پیام
 معنی اتمام عینی چه بعد از سلام الله و اکرام الله متکشف آن که میان صاحب
 میاں محمد جو سالی موضع چنگ صیدی کافر لاهور شریف آورد. خط
 برای استفسار احوال مستجاب علیه صلواته میاں جن دین به مقول فرستاد
 نوشت چون مفتی گفتند بود که برای برین مساجد مذکوره نیامده
 بود بنا برین مساجد را پیران تو درویش میخورد خود در لاهور و بروی میاں
 محمد صاحب روک کرده شد چنانچه آن بر دو طرفی بطوری مساجد را به
 میاں محمد جو سوره نموده رسید مساجد او نویسد و آوردند و خط
 ایشان را تاکید نوشته که مساجد را در چنگ حضرت مفتی صاحب رسالت
 بگذاره آن جناب مرقوم که میری فرموده رفقت مساجد الله فی الله نبود
 اما از دست ظلم خلاصی گشتند یا شرط شده و بعضی و نسلی کلی نورا بر
 خط عبور آید گفتند عرض که مساجد را از و تکلیف رسالتی نمودند و
 نهایت به تصور ایشان نه پند که بوی از نامحرمان صاحب فضل دین و دنیا

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى مَحْفُوظٌ دَارِدٌ.

پیر خوردار بخت بید از مقبول پروردگار (ص ۴۷) | موصول بیرون کبر
 بعد سراج الدین سلعه رب العلمین بعد از دعاها معلوم نمایند که رفعت
 و شرف مسلمات مسظوره لازم نامه بهمت علیهای شما است. از کسی او را
 آرامی وجه شرعی رسیدن نمایند و باز کیفیت احوال به فقیر ارقام فرمایند و
 ظاهر از آمدن قصور منع نمایند. و از احوال خود و جاهان و نمک اطلاعی ندهند
 که از آن سبب انتظار می ماند.

اللَّهُ تَعَالَى بِه كَرَمٍ وَفَضْلٍ خَوَافِي وَبِه بَرَكَاتٍ بِيْرَانِ صَفَاكِيْشِ اَز يَادِ خُودِ
 مَحْفُوظِ وَ اَز يَادِ غَيْرِ مَحْفُوظِ دَاشْتِ اَز بَحْتِ اَلْمَلِكِ اَرْضِي وَ سَعَاوَتِي مَعِيُوْنِ وَ
 مَعُوْنِ دَر اَوْدِ بِالنَّبِيِّ وَاللهِ اَلْمَجَادِّ فَرَزْدَةِ اَر جَمْعَةِ شَمَاعِلِ اَلْعَالِيَايِ يَادِ
 دَر خَلْفَتِ جَمِيْعِ مَخْلُصَانِ نَامِ بِه نَامِ سَلَامِ فَقِيْرِ رَسَالَتِهِ اَلْمَشْتَدِّ وَالسَّلَامِ

عبرالكلام

رقیحه فقیر غلام محی الدین قصوری رحمه الله از مقام قصور درمیانی
 برسد انشاء الله تعالی به مطالعه لامعه برادر دینی و مخلص بلینی مقبول
 حضرت مفتی غلام محی الدین صاحب نمکسری رزقه الله تعالی در آید

امکتوب اول جهل ویکم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی لِما بعد در خدمت برادر دینی
 و مخلص بختی مقبول اللہ موصول اللہ حضرت مفتی صاحب سلمہ اللہ تعالیٰ را
 فقیر غلام محی الدین احمدی غنی عنہ بعد از سلام اللہ و اکرام اللہ متکشف آن
 کی الحمد لله که تادم تحریر که ہفتہم ماہ ربیع الاول است۔ در ابتدا خبریت
 است و عاقبت آن جناب خلاصہ مقاصد مسلمات عایشہ ہمشیرہ چن دین را
 بروک آن طرف نمودند است از اظهار میان بودہا معلوم شدہ کہ بہ خیریت
 خانہ پندر خود رسیدہ است۔ لہذا قلمی یاد کہ ہر طور غور آن سکتہ نمودہ
 باشندہ ہر غور دار مقبول پروردگار محمد سراج الدین راہم تاکید رفقت آن
 سکتہ نمودہ اورا ایفاء رسیدن نہایت۔ در خدمت جمع مخلصان ہم بہ اسم
 سلام فقیر رسانیدہ باشندہ والسلام۔

بہ مطالعہ مفتی صاحب مقبول در گاہ رب العالیہ حضرت مفتی غلام
 محی الدین سلمہ رب العلمین در آہد از فقیر غلام محی الدین قصوری غنی
 عنہ

امکتوب اول جهل و دوم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی برادر دینی و مخلص بختی

بنویسند که موسول بلرگاسی مفتی صاحب (ص ۱۲۸) حضرت غلام محی الدین
 سلمه رب العلمین لافاده المسلمین از متخذ الاسم مختلف الجسم عنی غت بعد
 از اسلام علیکم وعلی جمیع من لفتیکم منی آن که مفتی برآمد که از احوال
 غیرت مال خود چیزی نه نوشته اند، انتظار می ماند این چنین تعادل خوب
 نیست از اظهار میان چندین که از مدت دو ماه برای ملاقات قمر در قمر
 شریف آورده انصاف در یافت در آمد که قمر کریم در خانه آن مقبول در گاه
 صاحب خلق عظیم فرزند آریه عطا فرموده مسمی به اسم غلام احمد نموده
 اند ازین مزده خوش وقتی که حال شاید حال گشته او را معمر با بهایت
 گرفتند و در سایه پرورش شماری کمالی علمیه و عملیه رساناد بالنی و آن
 الامتداد

برای میان چندین نو جهاند بر لطافت غصه نموده شد خوب
 جاری شده اند بلور لطیفه نفسی کرده شد آن هم جاری به وجه احسن
 گشت و هر سه مراقب یعنی مراقب حضور و معیت و قرابت نهانند آمد
 غرض از هر سه مراقبان ابراهیم ساخته پس او را از حضرت داد شد الله تعالی به
 عمو از عقیبت در خانه رسانند همیشه در یاد خود دارند بالنی و ایضا
 در خلاصت جمیع مخلصان نام به نام السلام علیکم رسانند بالنی از او

خوردار حافظ عبدالرسول و دیگر دو پسران ائمه مسنونہ معروفین است
 و خوردار — ۲ مقبول پروردگار موصول پیران کبار میار سراج الفین منظر رب
 العین بعد — ۳ از دعا های قلبیه معلوم نماید که به موجب وعده شما و
 پیغام میار چنین دین انتظار تشریف آوردن ایشان تا به پاک پش دلشاید چون
 وفای و عهده به ظهور نرسید معلوم نشد که کدام عارضه ضروریه مانع این مرام
 گردید الله تعالی ایندین بالخیر گرداند بانور والصلوات

حضرت فقیر را از دعا گوی شما آهولی نیست - بلکہ کہ از خوردار از
 ذکر و شغل و او را در طریقت سرگرم اند - کز این است و غیر این چه بیج الله
 تعالی مقام در محبت متابعت سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و
 محبت سید الاولیاء حضرت غوث الاعظم محقق است از تنہیات و ممنوعات
 محفوظ دارند آمین یا رب العباد

بر خوردار فرزند مبارک جمعت شما به دعای عمر بخوری و پندایت نوری
 مخصوص است - برینک را از مخلصان سلام فقیر دستگیر باد والسلام

ام ۱۳۹ | مکتوب | چهل و سوم

الحمد لله وسلام علی من ابدا فیہ الصلوات والسلام
 و محضین طیبی مقبول الی من صاحب حضور و آگهی از پیغام معنی الامام بخور

اللَّهُ مِنْ سِوَاهُ بَعْدَ إِسْلَامِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ عَلَى جَمِيعٍ مِنَ لَدُنْكُمْ مَعْرُوضٍ أَنْ كُنْتُمْ
 فِي غَطِّ فَرِحْتُمْ لَمَطِ أَنْ مَخْلَصٍ مَصْحُوحٍ فِي غَطِّ رَسِيدَةٍ مَسْرُورٍ كَرَاهِيَةٍ بُوَدَّتْ
 عَوَابِ بَعْدَهُ أَيْنِ اسْتِ كَيْ بَلَوِ جُودِ عِلَاقِ ظَاهِرٍ بِه فَتَوْرِي فِي نَسَبِ بَاطِنِ
 رُوْنَشِدِ سَعَادَتِ دَا رِيْنِ بِحِيْنِ اسْتِ - چُون مَقْلِي شَدْدِ اسْتِ كَيْ مَلَاقِي
 مَخْلَصَانِ أَنْ طَرَفِ دَرْمِيَانِ اسْتِ - اَكْرَ حَقِّ سَبْحَانِ تَعَالَى خَوَاسْتِ بَاشَدِ بَعْدِ اِز
 اِيْزَاتِ بَاشَارَاتِ عَضْرَتِ بِلَا مَسَاحِبِ رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَصَدَّ أَنْ صَوْبِ نَمُودِ اِيْزِ
 وَالْآخِرِ عِنْدَ اللَّهِ وَنَ كَرِيْمِي الْأَبَالَهُ عَلَيْهِ نُو كُنْتُ وَآلِهِ اِيْتِبَ - بِرِ خُورِدِ اِز
 سَعَادَتِ اِطْوَارِ مَقْبُولِ اِيْرَانِ كَلِمَاتِ مَخْلَصِي اِخْلَصِي مُحَمَّدِ سِرَاجِ الدِّيْنِ هِدَاةِ اللَّهِ
 تَعَالَى بِه اِشْوَانِ قَلْبِيَةِ مَخْصُوصِ اسْتِ
 دَرِ خَدْمَتِ جَمِيعِ مَخْلَصَانِ نَامِ بِه نَامِ اِسْلَامِ قَلْبِ رَسَائِدِ بَاشَدِ وَ اِيْزِ اِز
 شَرَاةِ اِنْكُرِيْرَانِ اِيْجَسَايِ نَمُودِ اِنْفِ - دَرِ خَدْمِ عَشْتِ خَوَاجِگَانِ اِيْتِ دَفْعِ
 شَرَاةِشَانِ نَمُودِ بَاشَدِ مَنَدِ فَعِ خَوَاجِدِ شَدِ - وَنِزِ اِسْمِ مِلَاةِ اِسْلَامِ - بَعْدِ اِز
 اِسْمِ عَشَاءِ يَلَكِ صَدِ وَ چِهَارَدِ يَلِ خَوَاصِدِ بَاشَدِ - اِزِ اسْتِ دَرِ اِيْزِ - اِزِ يَلَكِ
 مَحَضِ خِيَالِ دَفْعِ اِيْشَانِ - اِزِ كَسْفِيِ خَوَاجِدِ بُوَدِ - رَوَانِ - اِزِ اِسْلَامِ
 خِرَافَتِ كَلَامِ

بِرِ خُورِدِ اِزِ مَقْبُولِ بَرُورِ اَكْرَ مِيَانِ فَتَحِ مُحَمَّدِ رَا بِلِ مَخْصُوصِ دَعَايِ اِزِ دِيَارِ

محبت و ابتدای رسانیده و دعا رسانیده باشند زیاد دعا از بر خوردار حفظ
عبدالرسول و میان خیرالذین و دیگر در ایشان السلام علیکم السلام
مستجاب باد.

امکتوب | چهل و چهارم

أَتُحَمَّدُ لِلَّهِ وَسَلَّمَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَغْنَى، بَرَاءةً دِينِي وَمَخْلَصًا بَلَدِي
منقول الہی موصول بارگاہی مفتی صاحب حضرت مفتی غلام محی الدین
سلطہ رب العلمین لاقادۃ المسلمین از فقیر غلام محی الدین احمدی قصوری
بازہ اللہ تعالیٰ دوام الحضور علیہ السلام اللہ واکرام اللہ مشہودہ آن کہ
امر ۱۵۰ قبل ازین فرماہ داک ہندہ دانی خان میر اسلمہ متضمن احوال میان شہر
معدہ درویش فرستادہ بودیم۔ امید است کہ رسیدہ باشد تلاء وارادہ این است
کہ نام بردہ برای معالجہ مرض طحال یعنی لپہ کہ از قلم بیمارستان حال او بود
بہرہ نقیر نا لاہور آمدہ بود۔ درواہ فریب نکہ و وال بہ غرضہ تب مبتلا
گشت۔ بر شتر و اسب اورا سوار کردہ تا بہ لاہور آور دیم۔ قدر یک ماہ بنگہ
نیلہ در آنجا برای علاج معالجہ او در مزنگان توقف نمودیم۔ آخر تب زایل
گشت و ضعف بہ جدی مستولی طبیعت او گشت کہ قوت سواری نداشتیم
نشوار بود۔ لاچار اورا سپرد حضرت حافظ عبدالرحیم صاحب نام موضع

بزرگان که از مخلصان کمال فقیر است بوده روانه قصور شدیم۔ چون که حافظ
 صاحب رحم دل بودند۔ ہرچہ برای او خوردن و آشامیدن می خواست او را می
 دارند۔ دو نیم روپیہ فقیر برای خرج او حوالہ ساخت آمدہ بودیم۔ حاصل کہ بہ
 تقدیر الہی و بہ ظاہر سبب بدبوہیزی گشتہ۔ باز او را عارضہ تب عارضی
 گشت و علاوہ آن اسہال دموی شروع شدتا آن کہ در یک ماہ تمام قوت او
 زایل گشت۔ پس او را ہرچہا و ہای سوار کردہ بہ قصور فرستادند۔ و مزدوری
 سوادو روپیہ فقیر ادا ساخت۔ دہ روز در قصور آمدہ ماند۔ اما روز بروز از ضعف
 و ناتوانی زیاد می شد۔ بہ تاریخ پنجم ماہ مبارک رمضان روز دو شنبہ بعد از زوال
 بہ استقامت کمال از دار زوال بدریفا انتقال نمود۔ **إِنَّا لِلّٰہِ وَإِنَّا اِلَیْہِ رَاجِعُونَ** " این
 خبر بہ خانہ اور سائبہہ باشند۔ **رحمۃ اللہ تعالیٰ رحمۃ واسعۃ** در قرب جوار مزار
 مطح الاتوار حضرت میان صاحب مغفور مدفون شد۔ **والسلام خیر الکلام۔**
 بہ ظاہر اسباب خانمہ بالخیر گردید۔ **اللہ تعالیٰ ملاو شعلہ او جمع است**
حضرت محمد مصطفیٰ را صلی اللہ علیہ وسلم خانمہ بالخیر عطا فرماید۔ آمین
اَللّٰہُمَّ صَلِّ عَلَیْہِ۔

بر خور دار محمد سراج الدین را دو فرزند او را دعا نماید۔ سبحان اللہ و
 الحمد للہ میان شیر محمد را از سہ وجہ شہادت حاصل شد۔ در رمضان شریف

بر غربت به مرض بطن شهادت یافت. (ص ۱۵۱) عَفْرَةُ اللَّهِ بِكَرْبِهِ وَقَطْبِهِ
 باز جهای مسوسه او تصدق کرده شد. از وارثانش اجازت خواهد طلبید و
 قرآن شریف از مسلك خود در وجه اسقاط او مسلك درویش قرآن نموده شد. الله
 تعالی قبول فرماید. از طرف خود همه حیل ها کرده شد بیشتر فضل خدا جل و
 علاء کرام است. والسلام خیر الکلام از بر خوردار حافظ عبدالرسول و دیگر
 بزرگان مسلمة مسخره واضح باد.

امکتوب | چهل و پنجم

برادر دینی و مخلص یقینی مفتی امین موصول بارگشی مهدب العناصر
 حضرت مفتی غلام محی الدین سلمه رب العلمین و بر خوردار سعادت آثار
 محمد سراج الدین سلمه رب العلمین از فقیر غلام محی الدین احمدی علی عنه
 بعد از سلام الله و اکرام الله معلوم و منعی آن که الحمد لله والتمت که ضرر
 فشارخصت شده بیست و یک سوم ماه ربیع الاول در موضع مزنگان که فریب
 ایور است. رسیده در ایجای به مقتضای خواہش مخلصان چند روز توفات
 نموده سوم ماه ربیع الثانی داخل ایور گردیده شد. در ایجا چند روز توفات
 خواہد افتاد بعد از آن مخلصان شرفیور استعداء تمام دارند. انشاء الله تعالی از
 ایجا قصور ساخت آید.

خط فرحت لفظ آن برادر از دست مبارک فتح محمد صلوات الله علیه رسید، سرور
 گردیدند. حقیقت حادثه وارده از دست اقرب کائنات از خط مجمل و از
 اظهار مبارک فتح محمد مفصلاً در یافت شد. الحمد لله که غایت این حادثه به
 غیر شد. در این مقدمه حکمت حق تعالی جلشاه تصور دارند و در حق خود
 صلحت انکارند. حق تعالی با دوستان خود این چنین معاملة های به ظهور
 می آورد تا از بهر منقطع و بایس گشته متوقع و راجح فضل و کرم خالق خود
 باشند باید که به حکم "وَلَا يَأْتَلُ أَوْلُوا الْفَضْلَ" از حساب و استناده بر کسانی که
 به شما حق عنوان کرده اند باز آیند بلکه زیاد کنند

ح " که در شکر نعمت خدا در مزید "

و آنچه از قصه مثنی صاحب نوشته اند بعضی تعلات می نمایند الله
 تعالی هدایت بخشید باید که از توشیح یکی اختیار کنند یا به بزرگ رویه
 بپند بخت رویه و کتاب حواله شما بفرود بایست پنج رویه حواله بفرود
 و آنچه — از نوشته اند که حکیم غلام حسن صاحب می فرمایند که
 اگرچه طریقی من نوشته بیاید من به جلدی معمله فیصل کتاب سوربانا در میان
 حکیم صاحب و مثنی صاحب قبل از این تعلات بوده است. سخنان که به سبب
 نوشتن به حکیم صاحب مثنی صاحب را تعلات غالب کردند بر طور آن

سیرت و ایجاب که به نطق و نومی این معنی را سرالعام رسالت و حق ثالث
بر آنستند نخواهند فرمود. والسلام

نقیر از قصور کو چیده بیست و نهم ماه ذی القعدة داخل اجیرا
است. در این روز هر لایورد و نواح آن اتفاق سکونت خواهد شد. بعد از آن
و در سوخت داده است. اگر از آنجا اتفاق امر از زیارت مراد مبارک حضرت
یعنی صاحب به نطق سکونت شد. انشاء الله تعالی برای زیارت آن برادر و
مالک مخلص آن صوبه خواهد نمود آید. و الا ترقت الله و الا حول و الا قوة الا
بشیر خود را مقبول برورد. اگر مخلص سراج الفتن و دیگر مخلصان را دعا های
بنا بر حق میل فتح معنی که بر وی صالح است. است. خوبه ظاهری و باطنی
ممن شکت باشند. والسلام بحواله کلام

در خلاصت حفظ صاحب السلام عنکم مطلقه و الا غیر غلام معنی
لغو لغو علی عه معروفه به ترویج بیست و نهم ماه ذی القعدة انشاء الله
ظنیه مطلقه است. و این معنی و مخلص یعنی مقول السی کلمی حضرت
عز غلام معنی الفتن سله رب المخلص

لکتاب چهل و پنجم

بِعَنْدَ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَقْبَلُوا رَسُولَهُمْ وَرَحْمَةٌ

ببینی مقبول آهن حضرت مفتی صاحب و بر خوردار محمد سراج الدین سلمه
 رب العلمین بعد از سلام اللہ و اکرام اللہ مشہود آن کہ امروز کہ روز شب
 است فقیر وار موضوع بسراست۔ فردا انشاء اللہ تعالیٰ داخل بھی خواہد
 گشت۔ معلوم باد۔

در خدمت جمیع مخلصان السلام علیکم معروض۔

مکتوب | چہل و ہشتم

بر خوردار مقبول اور دیگر محمد سراج الدین سلمه رب العلمین از فقیر
 غلام محی الدین احمدی مفتی وقت بعد از اسلام اللہ و اکرام اللہ معلوم نمایند
 کہ در این وقت خط دیگر بہ نسبت عیناً ہی فرستادہ شد۔ باید کہ ہر گاہ کہ
 در لاہور تشریف برتند۔ خط سابق و ہمین خط بہ دست درویش معتر خود بہ
 دست بر خوردار حافظ عبدالرسول در قصور رسانیہ کتاب "عناہ حاشیہ
 پشانیہ" از آنجا طلب نمایند۔ یا ہمراہ خود در پہلی آوردہ باشند کہ فقیر را وقت
 مراجعت از طرف دیرہ در زہیرہ در کار خواہد بود۔ در این مسئلہ تاکید بر تاکید
 شد۔ در خدمت حضرت مفتی صاحب کلان سلمه الرحمن معروض آن کہ اگر
 بر خوردار محمد سراج الدین روانہ لاہور شوند۔ تاہر دو خط سابق و لاحق حوالہ
 فرستادہ والا یہ نسبت کلام درویش معتر در قصور رسانیہ و "عناہ حاشیہ

هدایه" اس ۱۵۴ از آنجا طلبا نیده نزد خود نگاه دارند و فقیر به بر خوردار
 عبدالرسول در فرستادن "عنایه" به دست درویش مرسل شاعر این خط لاحق
 تا کید نوشته است- ضرور قبل از مراجعت فقیر از دیوه عنایه از قصور طلبا نیده
 باشند- تا کید بر تا کید- در اینجا يك طالب است- ربع ثالث ترجمه مشکوة
 شریف می دهد- و عنایه بدله این می طلبد-

مکتوب | چهل و نهم

برادر دینی و مخلص یقینی مقبول الهی موصول بلرگایی مفتی صاحب
 بیان غلام محی الدین سلمه رب العالمین بثلاید شریعت سید المرسلین صلی الله
 علیه وسلم از پهنام معدن آلائم بعد از السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
 معروض آن که مدت است که از تحریر احوال خیریت مال خود چیزی اطلاع
 نفرموده اند- انتظار می نماید- باید که به ذکر و شغل و توجه اوقات خود را
 معمور داشته باشند- و بر که طالب خدا تعالی باشد- توجه از و دریغ نداشت
 باشند که "خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَتَّقِ النَّاسَ" و نفع نفع دینی است- که ثمره اثر مخلد
 است- در حدیث مبارک آمده است- که حق سبحانه تعالی با عیبی علیه
 السلام وحی فرستاد که "يَا عَيْبَسُ مَنْ زَانَتْ لِي طَلِبًا فَا خْبِئْتَهُ" یعنی ای بر
 که که بانی طالب مرا پس خدمت او کن- حق تعالی از خاندان خود و از

غلام عیوب خود و از غلامان طلبان خود گردانند. به عرضت ای شیخ
که لا محاله.

عاجی صاحب معتمد حسن در خلافت شریف می رسد توجه و
نظایر سبب او نموده شده است. جاری گردید گفت آن برادر به او توجه او را
سرور سازند. بر خوردار سعادت آنرا مقبول پروردگار میل سراج العین را
تأکید تعلیم و تعلم باد. دیگر یاران طریقت را نام به نام سلام مستور الاسلام
و مکتوب باشند کتاب توفیق تا حال فارغ نیست. والسلام والا کرام
به مطالعه لامعه مفتی صاحب سهرورد حضرت مفتی غلام معنی العین
مطهر العین.

مکتوب پنجاه:

أَقْبَلْتُ بِكَ (سَلَامٌ عَلَىٰ بَنِي الْقَيْنِ امْتَنَىٰ) المصنف صاحب و
سهرورد مقبول در گاه ملک سالی (ص ۱۵۴) معنی علم و عرفان حضرت مفتی
صاحب مقبول در گاه رب المواهب حضرت مفتی غلام معنی العین مطهر
العین لاتحاد المسلمین از فقر غلام معنی العین تصور ایضا عینی عده بعد از
سلام الله و اکرام الله مشهود آن که قبل ازین عینی متضمن احوال بیان شعر
معتمد عرویش نوشت از راه داک بعد از خلایق به آن جانب فرستاده بود. پس لایحه

است که رسیده باشد. حالا مکرراً راه نوشتن می شود که چون قریب
 مکه بودیم که میان شیر محمد را عارضه تب لاحق شد و میان چوغت
 در پیش نیز به تقدیر الهی چون لاهور يك منزل مانند میان چوغت و فتن یافت.
 "إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا إِلِيهِ رَاجِعُونَ"

و میان شیر محمد را بر اسب و گالی بوختر سوار کرده، در لاهور آورده
 شد از ماه زیاده فقیر برای معالجه او در لاهور متوقف ماند. آخر تب زایل
 گشت و ضعف باقی ماند. چنانچه لایق سواری نبود پس او را به حافظ
 عبدالرحیم صاحب که مخلص فقیر و خادم الفقراء لله فی الله است. سر دو
 خرج حواله او کرده، خود روانه قصور شدیم. که هر گاه که اوقوت پدید روانه خانه
 سزا شد تقدیر الهی مریض را دل بر هر چیز تقاضا می کند و حافظ صاحب
 رحیم دل بودند. هر چه اومی خواست او را از بازار خریده، آوردند. تا آن که
 بی تعالفا خوردن گرفتند. بل تب عاید گشت. و علاوه بر آن اسهال خوبی
 جلی گردید. هر چند که دواها و علاج ها نمودند، دور نشدند آخر نا امید شده
 از ابر چهار پای سوار کرده به اجوره دو رویه در قصور رسانیدند. اکنون پنج
 شش روز است که در قصور آمده است چنان نتوان و ضعیف گردیده است
 که طاقت از پهلو به پهلو شدن ندارد. بلك مسب الله در دهان انا خشن بیچاره

روز بروز در فویان و ذبول است.

لہذا بہ آن برادرِ قلمی کہ بہ مجرد رسیدن رقعہ در حضور شما کلام درویش خود در بیرون نزد برادران او فرستادہ براہِ او نزد خود طلبیدہ، روانہ تصور سازند۔ کہ اگر در تقدیر الہی باشد دین او بکنند والا امر ۱۵۶ ہر چہ مفید است۔ مہل نخواهد شد۔ و فقیر در خدمت او تقصیر نکرده است و نمی کند۔ بر خوردار مقبول پروردگار میان سراج الدین راہمی تاکید است کہ برادر اوراہ جلدی روانہ این خوب سازند۔

در خدمت جمیع مخلصان سلمہ مسنونہ بالای اشواق مشحونہ پندیر لہذا از بر خوردار حافظ عبدالرسول و دیگر حاضران السلام علیکم یاد۔
دیگر آن کہ در تربیت ظاہری و باطنی حامل رقیبہ کہ حافظ است سہولتی کمال ایزانی داشتہ باشند۔ والسلام غیر الکلام۔

امکتوب | پنجاہ و یکم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَاعُوا، امانت در خدمت فیض
درجت برادر دینی و مخلص پندیر مقبول الہی موصولہ بارگاہی صاحب
مضرب و انگلی حضرت مفتی غلام محی الدین سلمہ رب العلمین لافادہ
المسلمین از پیمان معدن الاثم بعد از سلام اللہ علیکم و علی جمیع من لدیکم

معروض آن که رقیعه کریمه ایشان از دست میان جو ایا حجام رسیده مسرور گردانیده. آنچه از احوال نقیر توجه در طالبان ارقام فرموده اند خوشی بر خوشی آنجا مید. الحمد لله که در این ظلمت اقتزان از کسی به کسی نور دل برسد این همه از برکت توجه پیران کبار است. جزایم الله تعالی غیرالجزایه بروقت در جناب الهی مشضوع و مستجی بوده باشند. و از ارواح پیران کبار مستعین و مستهد تانعمت برزیرت شود. "وَأَنْتَ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" رضی قاطع است. الحمد لله که طبیعت شما را شفا شده است. الله تعالی همیشه ظاهری و باطنی بر فرار دارد از توجه و مراقبه باید که تساهل نرود. و از تفریس علم ظاهری هم تغافل نفرمایند که آن بود ضرور است که معد نور است. آنچه از انصرافی مقلده فریضی صاحب ارقام فرموده اند موجب فرحت گشت. الله تعالی منکوجه او را مطیعه او گرداند. که آرام جانان در آن است آنچه از فرستادن بر خورد از سراج الدین پیرا پیش اظهار فرموده اند بهانه خوب کرده اند که بدون این چنین فوت و فتوت کبار فریضی سربراه نمی شد. خاتمه بالخير باد لازم که [ص ۵۴] نقیر را از دعا خیر خاتمه و حسن عاقبت فرانسوی نگارند. ایمین لفظ از ارقام احوال عاقبت مال خود مسرور و منسلی دارند. در خدمت جمیع مخلصان خصوصاً بر خورد در مقبول برورد کلام محمد

سراج الدین و بر خوردار حسن الدین و مولوی صاحب و سایر خدا بخش و
دیگر مخلصان اسلام علیکم مع الاشواق مطالعه باد.

بر خوردار مقبول پروردگار میاں غلام نبی را توجیه پای قوی کرده باشند
که مشهور الشار است۔ آنچه از عدم قبول قلنی صاحب فرموده حضرت سید
عباد اللہ شاه صاحب را ایضاً دانست اند۔ سهریانا سخن قلنی صاحب یکی
منی باشد به فقیر بچ فرموده بودند که این توبت از من این کار سر انجام نخواهد
شد خاطر جمع دارند که عظیم سر انجام این مقصد بالآخر خواهد گشت۔
والسلام والا کرام۔

از بر خوردار حافظ عبدالرسول و میاں خیر الدین و میاں لعل و میاں نور
محمد و دیگر مخلصان اسلام مسنون الاسلام مطالعه باد۔ و بر خوردار فضل
الدین سلام به صد شوق رسانند۔

مکتوب پنجاه و دوم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَاعُوا ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِهِ
درجعت مقبول الہی موصول ہوا گئی حضرت مفتی صاحب سلمہم اللہ تعالیٰ
از پیغام معین الاتام بعد از سلام اللہ علیکم و علی جمع من لعلکم مشہود آن
کہ چند روز شدہ کہ فضلاً نام حجام از آنجا آمدہ، مزودہ رسالہ شریعت و اسیت

و جمعیت آن مقبول گردیده شکر های جناب رب الارباب رسانیده شد. **اللَّهُ**
تَعَالَى این بخیر گره اندازد. **بَلَّتُونَ وَالصَّادِقِينَ**



سهریانا چون قرب قیمت است انوان شنایید و فتن نزل می شد. هر
 وقت استعاضه و استخاره به جناب پروردگار دارند که از هر بنده و لقب و رزیه به
 نعل خویش و به حرمت پیران صفا کیش محفوظ داشت به یاد خود محفوظ
 دارند. **بِالنَّسَبِ وَ آئِهِ الْاِمْرَاتِ** و چون در اینجا هم خوف و خطر استعاضه **اللَّهُ تَعَالَى**
 طاری است. باید که از **ص ۵۸** استعاضه دعای غیب غافل نخواهند بود. و از
 تحریر احوال خیریت اشغال خود هم مسرور داشته باشند. بر خوردار مقبول
 پروردگار موصول پیران کبار محمد رسول اللہین سلمه السنه به دعای طول بقای
 و حصول صفای مخصوص و ممتاز است.

در خدمت دیگر مخلصان نام به نام از طرف **عَلَى السَّلَام عَلَیْكُمْ** رسانیده
 باشند. و رفته اسمی میان فتح محمد به آور رسانیده دهند. **وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ**
 از هر خوردار حافظ عبدالرسول و میان خیر الدین و میان جعفر و میان نور
 محمد و دیگر درویشان السلام علیکم معروف می باشد.

امکتوب | پنجاه و سوم

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آٰلِهِ الطَّيِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ . استعاضه در خدمت برادر دینی

و مخلص بلینس مطبول آسین موصول بار گئی مطفی صاحب حضرت مطفی
 بعد غلام محی الدین سلمه الله لا ائذیة المسلمین از پیام معجزه اکثر علی الله
 تعالی عنده بعد از سلام الله و اکرام الله معجل آن که الحمد لله والتمت که به
 تاریخ ششم ماه ربیع الثانی مراجعت نظر از سفر مظان در خصوص واقع شد الله
 تعالی به گرم و فضل خویش آمین باخبر فرماید از احوال خوبت مگر خود
 دیگر مخلصان اطفالی فرموده باشند که موجب ریح نظر و اضطرار خواهد
 بود و نیز اگر از منطقه کجای سراسر فلاح فراغت یافت باشند هم ایمن
 ازانی تزلزل که از آن سبب هم انتظار کمال است خدا کند که به احسن
 لوجه آن منطقه را صورت سر انجام شده باشد

دیگر آن که میان علم دین صلاحیت آید ایجا رسیده داخل طریق
 گویند لورا تلقین ذکر کرده و توجه بر قلب هم کرده که هر کس پیدا شده
 است اگر در خدمت شریف سعادت اند و ذکر و لورا از توجه خود سر تراز
 فرموده باشند تا کید ذکر دلیلی نبوده باشند بر روی صلاح است خدا کند
 که از کیفیت ذکر خط پندو شود آسین برب العالمین

و خود از موصول بود اگر میان سراج الدین به دعاها برید ایستای سطر
 است و دیگر مخلصان را اسم به اسم دعاها رسیده باشند والسلام

مفتی صاحب مهربان مقبول در گاه ملك منان پیمان این معذن عصیان
 سلمه "السُّنْحَانُ بِقَعْرِزٍ وَالْإِمْتِنَانُ" بعد السلام الله عليكم وعلى اجمع امن
 نبيكم معروض آن که چون در این ویلای حافظ اسمعیل صاحب که همراه فقیر
 بود. اراده معاوضه لاهور نموده است. مهربانی فرموده همراه کسی رفیق که
 عازم لاهور باشد، او را روانه فرمایند. و اگر دوسه روز در بهم رسیدن رفیق توقف
 باشند. تا او را در خلعت خود داشته باشند و فقیر را مینو معاون دعای خیر
 باشد. خدا تعالی جل و علا بقر التفا عطا فرماید. تا مسرت قلبی میسر گردد.
 دیگر آن که نسخه "مفرج الهمم" شرح قصیده حمیده برده که از تصنیف
 مولانا محمد جمال چنابی است، اگر نزد ایشان موجود باشد تحویل میان احمد
 القین فرمایند که ده پلارده ورقه آن نسخه فقیر ناظمی است، کامل خواهد
 ساخت. و تا آمدن فقیر اگر "کسری" فارغ شده باشد، بهتر خواهد بود. والا بر
 چونکه مرضی مبارک باشد، منظور است.

بر خور دار محمد سراج القین را السلام علیکم برسد. والسلام اولاد

لعل

مکتوب | پنجاه و پنجم

بیل صاحب مهربان مجمع خوبی های فراوان پیوسته مکالمه بی پایان

علیها حق شامل مخلصی محمد کامل سلمه الله و الهما از دامن بالخطی که
 غلام محی الدین احمدی عفی عنہ بعد السلام علیکم ورحمة الله و بركات
 منی ان که بر خوردار سعادت آثار صلاحیت اگین محمد سراج الدین شریف
 آوردہ سزودہ رسان صحت و عافیت ایشان کردید۔ خوشی و خوشحالی بہ
 برجہ فصوی عاید حال کشت۔ الله تعالی بہ خیر و خوبی و برمتاعت سید
 الانیاء علیہ من الصلوٰات افضل ہا سلامت باکرامت درود در این زمان
 ظلمتی جز عمل بر شریعت نورانی بیچ عمل موجب رضای رحمانی نیست۔
 ظلمت چہل و بدعت جہان التاریک و خراب ساختہ سعادت مندی باشد
 کہ بہ متابعت سنن نبویہ (ص ۶۰) بہ مدارج علیہ فاتر گردد۔

مکرر آن کہ بر خوردار محمد سراج الدین فرزند شما است۔ و ہر وجہ در
 رضای و متابعت ایشان است۔ ہر طور غور اولاد تمہ بہمت علیہای شما
 است۔ والسلام مع الاکرام۔

مکرر آن کہ فقیر در لاہور آمدہ است۔ و کتاب "کبیری" پیراہ نیست۔
 دقتی کہ فقیر در تصور رسید۔ اگر کسی معتبر معتد از طرف ایشان بہ نشان
 خط و مہر رسید۔ ہر آئینہ کتاب مذکور حوالہ اش کردہ خواہد شد۔ در این
 معنی خاطر مبارک را مطمئن دارند۔ بر خوردار سعادت آثار مبارک غلام نس جو
 بعد از السلام علیکم معلوم آن کہ از اظہار بر خوردار محمد سراج الدین

محبت ایشان نسبت به فقیر هویدا گشت "أَخَذَ إِلَهِي قَلْبَكَ فَكَلَّمَهُ زَادًا
 نَنْفَسٌ" حق تعالی سینه‌تان به نغمات محبت در کونین فائق گرداند. هر طور بر
 خوردار سراج الدین را برافراز خود دانست. چون برادران بیک دل و یک زبان
 گفزان فرمایند. اللَّهُ تَعَالَى بِهٖ بَرَكَاتٌ مُشْرُوفٌ كَرَّمَ اللَّهُ أَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ.

مکتوب | پنجاه و ششم

أَخَذَ إِلَهِي وَسَلَامٌ عَلَيَّ عَبْدًا وَرَسُولًا اسطغنى، اما بعد در خدمت فیض
 رحمت برادر دینی و محقق یقینی مقبول الهی صاحب حضور و آگاهی حضرت
 مفتی غلام محی الدین سلطه رب العلمین لاغات شریعت سید المرسلین آمین
 آمین. از فقیر غلام محی الدین احمدی عفی عنہ بعد از سلام الله و اکرام الله
 معروض آن که مکتوبه ایشان مع کتاب توضیح رسیده، مسرور گردانیده، توضیح
 بسیار در کلمه بود که بروقت رسید و به کلمه درآمد. فقیر به سینه شوق زیارت فیض
 بشارت دریاک پتن رسیده بود. و از آنجا معلومیه لاهور شده. اکنون در مرینگان که
 قریب لاهور است، نزل است. بعد از چند روز از اینجا عزم موضع دلو که از
 لاهور سی | ۳۰ | امیال است مقصود است برای دیدن دیدار آن مقبول پروردگار
 که بسیار می خواهد. به احسن الوجوه میسر باد. بانوی و الصاد.

حاملان رقیه سقیه میان سید محمد و میان اس | ۶ | بودها دو ماه در سفر
 همراه فقیر بودند. بر لطفه قلبه ایشان توجهات کرده شده. لطفه قلبه خوب

یا کرو جاری گردیده است۔ ایشان را تا کیفیت نموده شد که وقت فراغت در
 خدمت آن جناب رسیدند باشند بر دیگر نظایر ایشان خدا جدا توجه فرموده
 باشند تا هر پنج لطیفه ایشان جاری به ذکر گردد و دیگر هر کسی را که طلب
 راه خدای تعالی باشد۔ اور انوجہات نموده باشند کہ بہ امداد پیران تشریحات کما
 ملی ہا خواہند شد۔ بر خوردار سعادت آثار میان سراج الدین را تاکید سعی
 ظہر و باطن باد۔

بر خوردار میان حسنی الدین و میان غلام نبی حورار دیگر تمام مخلصان
 والسلام علیکم باد۔ اخلاص کمال شیع محمد وارث را دعا ہا باد از شفا یافتن
 ایشان بسیار بسیار دلی خوشی حاصل گشت۔ اللہ تعالیٰ ملا و شمارا جمع
 است مرحومہ حضرت محمد مصطفیٰ اصلی علیہ و آلہ وسلم را از خطا ہا از
 جمع اسقام ظہریہ و باطنیہ نصیب باد۔ بالخور و الصاد۔
 انشاء اللہ تعالیٰ بہ مطالعہ لامعہ مفتی صاحب معرفت حضرت مفتی
 غلام معنی الدین لکھنوی از قصور رسید۔ معززہ ہیم ماہ رجب ۶۰ این لغت
 و کلام مکتوب بود باد نیست۔

مکتوب پنجاہ و ہفتم

بر اہم دینی و مخلصی پدہی حضرت مفتی صاحب سلمہ رہ از فقیر غلام

معنی الدین قصوری رزقہ اللہ تعالیٰ دوام الحضور معروضی آن کہ کتاب
توضیح آن برادر بہ دست میان محمد جیو فرستادہ شد کہ وقت تو بھی
رہلوش شدہ بود۔ برسیدن مسرور فرمائید والسلام والا کرام۔

در معاملہ میان بودہا بسیار سعی خواہند فرمود۔ واگرداند کہ آن
عاصیہ تائب صادق گردیدہ است۔ تجدید نکاح بہ میان بودہا کثرت اختیار آن
جواب است۔

امکتوب پنجاہ و ہشتتم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ، اما بعد در خدمت برادر دینی
و مخلص یقینی مقبول الہی موصول ہوا کہ حضرت مفتی غلام معنی الدین
سلمہ رب العلمین لافادۃ المسلمین از فقیر غلام معنی الدین قصوری رزقہ اللہ
تعالیٰ دوام الحضور بعد از السلام اللہ علیکم وعلیٰ آلہم اجمعین (۱۶۲) اَمِنْ لَنْبِکُمْ
معروض آن کہ مدتی برآمدہ کہ از احوال خیریت مآل خود چیزی ابلاغ فرمودہ
اند انتظار می نمایند اللہ تعالیٰ از ہر بلا محفوظ و بہر عطا محفوظ درآید۔
بگفتی و آلہ الامجاد۔

بر خوردار حافظ عبدالرسول بہ تقاضا ہای مخلصان موضع داود درون و
برخص آن صوب نمودہ بودیم۔ فریب دو ماہ در آن طرف صرف ساخت آمدہ
اند بسیار کسان را از وعظ و توجہ ایشان ہدایت کمال و ثمر مالا بقول

گردیده و به خیریت و ارد قصور گردیده اند واضح باد.

در خدمت شریف السلام علیکم می رسانند فرزند ارجمند شما
دعاهای طول عمری و جلیل قدری برسد. در خدمت جمیع مخلصان خصوصاً
حافظ جیو صاحب را و دیگر مخلصان را اسلمه مسنون بالای اشواق مشغول
مستجاب باد. بالتون والصاد.

بر خوردار مقبول پروردگار موصول پیران کبار محمد سراج الدین سلمه
رب العلمین مدتی است که انتظار قدم مسرت لزوم شما می داریم به خیریت
و عافیت طرفین میسر و محصل باد. در وقت تشریف آوردن شرح قصیده غوثی
ضرور همراه خود آورده باشند و اگر شما به سبب کرام مانع توقف باشند تا به
است معبثی ارسال نمایند که برای نقل در روز در کلا است. فرزند ارجمند
شمارا دعاهای باد. در خدمت جمیع مخلصان نام بدان السلام علیکم رسانیده
باشند از بر خوردار حافظ عبدالرسول و دیگر درویشان السلام علیکم باد.

دیگر بر خوردار محمد سراج الدین را معلوم باد که کتاب "تحفه محلیه"
که در اشهار نامه و پایبه ذکر آن بوده در دست قلم آمده است. فرزندان اردو
است بسیار خوب کتاب است خوب وجه رذ و پایبه نموده است. از همین
آن انشاء الله تعالی آن بر خوردار خوش خواهد شد.

وَبِشْرٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتَمِيمٍ بِالْخَيْرِ

وَأَحْمَدُ لِلَّهِ الْبَدِيُّ الْقَزْوِيُّ عَلَى عَهْدِهِ الْكِتَابُ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ مَوْجِأً وَاقْضُوا
 وَسَلَامٌ عَلَى كُنُوزِ الْبَيْتِ نَبِيٍّ كَمَلِّ مَنْ لَأَسْمُهُ عَدِيٌّ وَحَلِيٌّ إِلَيْهِ وَأَسْعَدُهُ الْقَلْبِيُّ بِمِ
 تَعْوَةً بِهِمْ يُتَشَدَّى - اسلحه پس می گوید اللهم غنی فقیر غلام نی که چون
 کتابت هدایت اسلحه که از پیشگاه جناب معرفت انظر لاجد مع
 اندریس والتسلیک قلمع بناء التلیس والتشکیک فخر العارفین لطلب الساترین
 شیخنا حضرت شیخ غلام محی الدین رحمه الله علیه به نام این لاشع شرح
 نزول فرموده مشتمل بر حکایات و طریقت و معنوی بود قابل حقیقت بود - لهذا
 او به را بر ترتیب نزول جمع ساختیم و در قبول از او سعادت جل شانه داشتیم و
 تا خود عزم مصمم است که اگر حیات مسکن و فایده خستید بشاید فعال لایزید
 حتی الظهور به شرح اسرار و بیان استر او خواهم به الامت - وَمَقَوْلِي الْآ
 بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝۱

اص ۱۲۳ | مکتوب | پنجاه و نهم

أَحْمَدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عَهْدِهِ الْبَدِيُّ اسْكُنِي يَا رَحِيمِي وَمَخْلَصِي بِمِ
 علی السی موسول بارگشی صاحب الحضور و المعیت و المعیت و الاربع
 حضرت مولوی غلام نی سلمه خلقی الکرکی و الفی به حرمت السی العرب

اسلحه الی معیت غلام
 اسلحه الی خلقی غلام

صلی و سلم و باریک علیه و علی از فقیر غلام محی المصنوع قاضی قریشی قصوری
 باری الله تعالی دوام الحضور بعد از سلام الله علیکم و علی جمع من لدن بکم
 منجی آن که قطعه خط مرحمت نمط آن دو محبت سعادت من غلط از دست
 میان الله جویا و میان غلام رسول جیره وصول فروخت هم دوش مسرت های
 نذاری اندازد ساخت. الحمد لله که فرو عطا توجه آن مقبول الهی تر ظهور
 نموده است. الله تعالی زیاد کند. باید که اوقات شبان روزی را به ذکر و تکرار
 مراقبات مشغول دارم. و به درس علوم دینی هم اشتغالی داشت باشد. حضرت
 امام ربانی فرموده اند "که در طریق ما اشتغال به علوم ظاهریه و تفریس آن
 مغرب است. اما بعد هم نیست" از هر قصوری فرمودند که در این زمانه که
 شیوع ظلمات جهالت در علم دین به حد کثرت رسیده اشتغال به تفریس علوم
 دینی از محلات نیست باطن گردیده "وَقَدْ خَرَّبَ كَلْبًا" پس ترك این اسلأئیله
 کرد. چون حلی سبحانک تعالی علوم استعداد به شد عطا فرموده است.
 لیس است که هر دو فیض ظاهر و باطن از شما ظاهر شوند "وَمَا قَلْبُكَ عَلَى اللَّهِ
 بَعِزٌّ" چه نعمت عظمی است که در این زمانه که تراکم ظلمات کفر و بدعت
 که بعضی ها فوق بعضی است. کسی سعادت مخترا به سعادت ارشاد و هدایت
 است مرحومه معطر فرمایند. حمد پروردگار و شکر این که بران کمال بجایاید

از روی مصراع

که در شکر نعمت بود بر مزید

و آنچه از ظهور لاله و شورش ارواح است ۶۴ از اول تا بعد از غیر علمی
 برآمده اند برادر من سلامت شاید که این اول شیطانی باشد "فَإِنَّ الشَّيْطَانَ
 إِذَا رَأَى أَنَّهُ كَذِبٌ كَرِهَهُ عَلَى النَّاسِ يَدْعُو عَلَى قَلْبٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّوَجِ يَجْعَلُكُمْ
 اللَّهُ وَإِنَّا عَنِ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَيَجْعَلُكُمْ اللَّهُ وَإِنَّا مَشْفُوعُونَ بِذِكْرِ لِي كَلِّ أَنْ جَوْر
 و بعد از شریف فرمائی در فصل رابع نوشته اند حق سجا، تعالی و قلی و عده در
 حیات طرفین به ظهور آرد بهت و کرمه آمین برب العالمین

در خدمت ح حضرت مولوی صاحب کلان یعنی والد ماجد آن مشول
 رحمان و دیگر مخلصان خصوصاً میان حاکم و الله دتالک مسنوه بالای
 عنوان مشحونه رسانیده باشند و السلام

میان الله جوانها و میان غلام رسول را توجه کرده شکر برایت ذکر شده
 است باید که بر لطافت دیگر هم توجه کرده باشند که جاری خوانند و
 نیز بر دروا شجره قادریه و نقشینه به یاد کشیده باشند که ضرور است از جمیع
 دربار ح و طالبان فی اینجای السلام علیکم مطالع باد

و بعد میان الله جوانها و میان غلام رسول در حینی رسانیده که فخر غلام

۱	سخن اول غلام	ح	سخن اول ایشان
۲	سخن اول ح	د	سخن اول ایشان
۳	سخن اول ح		
۴	سخن اول ح		

زیارت فیض بشارت مزار مطمح الانوار حضرت بابا فریدالدین گنج شکر بود.
 لهذا فقیر ایشان را به جلدی رخصت کرده فرستاده شد. و الا ایشان را چند روز
 زود خود داشته می شد و هر گاه که آن برادران قصد آمدن این صوب فرمایند از
 خدمت مفتی صاحب درمیانی تحقیق مقام فقیر نموده بایند که در تصور است
 یا جای دیگر که حضرت مفتی صاحب را اکثر ح غیر فقیر می باشد. و
 السلام.

امکتوب | شخصت:

أَحْمَدُ لِلَّهِ وَسَلَّمَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَفَى بِرَأْفَةٍ دِينِي وَمَخْلَصِي بَقِيَّتِي
 مقول الہی موصول اس ۶۵ ہمار گاہیں حضرت مولوی غلام الہی سلمہ خالق
 الزکی والغنی از فقیر غلام محی الدین قصوری رحمۃ اللہ تعالیٰ دوام الحضور
 بعد از اسلام اللہ و اکرام اللہ مشہود آن کہ از وقتی کہ نسبت سوری ضروری
 درمیان آمدہ گاہی از احوال خود اطلاع نداده اند انتظار می ماند از استماع
 حاشیہ های آن نواحی خصوصاً موضع لبیان کہ مسکن آن مقول الہی است۔
 اضطراب کمال بود۔ شنیده شد کہ اکثر اسباب غلہ آن مقول ہنگام بہ غارت
 رفتہ بایند کہ مقول نخواهند بود۔ ویر "لَا تَأْتُوا عَلٰی نَفْسِكُمْ" عمل خواہند
 نمود تاہر کریم دیگر خواہند ح داد۔ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ کہ کتاب های بہ سلامت

- ۱- اسد الغابہ
- ۲- اسد الغابہ فریاد
- ۳- اسد الغابہ اکثر
- ۴- اسد الغابہ خواہند

مقدمه الله تعالى احوال باطن را از حضور و معیت و قرابت محفوظ داشت،
 بنا بر محفوظ دارد. بالنسبه و آله الامجاد از احوال باطن خود ارقام نبوده
 فرجت افزوده باشند. و از احوال طالبان خود نیز الله تعالى غفور صلیح و رحیم
 فضا نصیب دارد. بالنون والصاد.

سه چهار روز است که فقیر در لاہور آمده است۔ شب معراج مبارک در
 اینجا خوابید شام بعد از آن قصد داوره مقرر است۔ دیده آید کہ رمضان مبارک
 در کدام مقام رونماید البسی از محبت و متابعت خیب فریب خود بهره مند
 فرما و خاتمہ بر ایمان عطا کند آمین یا رب العالمین۔

در خدمت والید ماجد خود دیگر مخلصان اسلمہ مستوره رسانید
 باشند در حق میان جعفر رفاقت ظاہر و باہم نموده باشند۔ والسلام غیر
 الکلام۔ وصلى الله تعالى على خير خلقه محمد وآله وأصحابه وأجمعين۔
 برحمتك يا ارحم الراحمين۔ مقام مزنگان طویلہ سردار خان بیست ادا ایچم
 وجب شریف

امکتوب اشعت ویک

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى برادر دینی و مخلص دینی
 امیر امسول البسی موصول بلد گاہی صاحب حضور و آگاہی مخلص

کتابت از امسول البسی موصول بلد گاہی صاحب حضور و آگاہی مخلص
 در اصل متن اشعت ویک است۔

انحصاری حضرت مولوی غلام نبی سلمه خلق البرکات والقی ازهر غلام نبی
 این قدری قریبش تصویری رزق الله تعالی دوام الحضور بعد از سلام الله
 علیکم وعلی جمیع من لدیکم مشهود آن که منشی بر آمده بود که از مرده
 خیریت ذات و صفات و اعتدال احوال آن مقول تو الجلال قادر المسلمع هر
 انتظار مصر نگر دیده بود از آن جهت اضطراب کمال رسیده بود الحمد لله کی
 از اظهار میان قطب قصاب غایت ذات آن مقول رب البریات مع مرده حفظ
 کلام الله شریف چند آن سرور موفور ظهور نمود که از حیطه بیان متجاوز
 گردید. مجدداً تم حفظ کلام الهی خصوصاً ایل آگایی را معنی
 است که بیچ نعمت برابر آن نتواند شد. قادر کریم به خلقت قرآن قلیز
 گرفتارمانی واله الامجاد.

برای ملاقات آن مقول الهی دل این لاهی در این مقامی است و از
 استماع احوال استقامت مال آن مقرب تو الجلال بسیار است. تقاضا
 های مخلصان دیره اسماعیل خان برای طلب قلم متواتری رسد بناه علی
 بعد هر بعد از نماز عبد الضحی به آن صوب مصمم گردیدند.

دیده آید که اراده الهی چیست؟ وقتی که در موضع میلی تکلیف
 رسیده آید. آن مقول را انشاء الله طلبیده آید. خدا کند که ملاقات جسیلی

پیش کرده. باید که در ذکر و مراقبه و تقوی و تسبیح شغلی تمام وقت
آید که اولاد، حیات مستعلا در مرضیات حل سبک تعالی سرور کردن
سعادت درین است. استقامت بر اوامر و استیفاء از نواهی نصیب آن مقبول
نی باد. باتون و الصلاه.

در خدمت والد مساجد مسجد خود بودی مگر مخلصان اهل ایمان از نظر
السلام علیکم و آله و سلم باشند. از میان غیر الفین و دیگر عنوان امر ۹۴ السلام
علیکم معروض باد. باتون و الصلاه.

فقر شب معراج مبارک در میان بندگان کرم، روزه موضع داده گردیده بود. به
نقائس مخلصان آنجای اکثر مخلصان آنجا گذارند، انحراف مبارک از آنجا
براجعت نمودند. عید فطر در میان بندگان اداء شد. تعالی که یار هم ماه
شوال است. فقر در اینحال است. انشاء الله تعالی مع آید گذارند روزه
نصوب گردیده آید. به فضل و کرمه تعالی معروض تاریخ یارده شوال مقام
برنگی.

اینکوب | شخصت و دوام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَحْمَدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى خِيَامِ الْبَيْتِ الْعَتَقِي بِرَأْفِ رَبِّي وَمَخْلَصِي بِإِذْنِ
مَلَكِ الْحَضَرِ وَالْجَمْعِيَةِ بِلِ مَلَكِ الْجَمْعِيَةِ كَمَا لَا تَرْتَبُ حَضَرَاتِ مَوْلَى

صلحت غلامی سلمه خلقی الزکی و تقوی الهم غلامی سلمه
 تصویری از آنکه تعالی در تمام اعضا و اعضاء خود را بر شما
 انعام نموده است و هر چه که در اینجا بر چونکه می گوید است
 این است و هم نوبه و صفای اولیاد آن خلق الهی است
 و بعد که صرفت و وقت که در همه کجاست به خصوص
 این وقت در تمام ملک بیک اتفاق است و جای از خلق
 الهی است و این است که به استناد آنکه خود
 انعام ظهیری و باطنی خود را در این وقت
 بیست کیفیت وارد می نماید و این است که
 این عطا فرموده باشد پس بدین احوال

چون کتاب "عنایه" برای بیان و تفسیر آنکه
 بود یعنی "توجه مشکوئین" ام ۱۹۹ که در بیان آن است
 که که سیر خلعت است و الله تعالی تعالی
 در خلعت حضرت و اله باید خود دیگر
 انعام خود دیگر به عطا فرماید و این است

تعالی
 تعالی
 تعالی

میان کرم القین صاحب و میان بود با جو چند ماهه تره قهر گنوا لیدر خصت
 عده اند میان کرم القین صاحب را تا طیب احمدی علی صاحب العلو
 لبر سبب و میان بود با تا قلب تو جهان نموده شده اند نگران آن نوجوان
 بقه اند مستقام باد والسلام غیر الکلام

بکتوب | شخصت و سوره

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الْقِيَمِ اسْتَظْنِي بِرَأْفَتِهِ وَسَخِّصْ بِي
 مَقْعِدَ الْبَيْتِ مَوْصُولَ الْبِرِّ كَلِمِي حَضْرَتِ مَوْلَوِي غَلَامِ نَسِي سَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ
 لَقَبِ غَلَامِ مَحِي الْقِيَمِ أَحْمَدِي عَلِيٍّ بَعْدَ إِسْلَامِ اللَّهِ وَكَرَامِ اللَّهِ مَشْهُودٌ أَنْ
 كَهْ جَوْنِ عَرَبِيٍّ وَوَلَايِي بِهِ تَرْوِيحِ بَيْتِ أَوَّلِي بِرَبِّ رَجِيعِ الْأَوَّلِ لَقَبِ لِقَابِ قُصُورِ كُوَيْتِي
 بَيْتِ أَوَّلِي بِرَبِّ مَدِ كُورِ دَرِ مَزْنِ كَانِ رَسِيدِ - إِنَّهُ اللَّهُ تَعَالَى جَدِ رُزْ بِرِ ابْنِ
 لَقَبِ دَرِ زَيْدِ قَصْدِ أَنْ صَوَّبَ نَمُودَ آيَةِ الْكَرْمِ حَقِ سَبْعَةِ الْبَيْتِ خَوَاتِ بَلَدِ
 مَلَائِكَةِ أَنْ بِرَأْفَتِهِ وَهَبَكَ مَخْطُوعًا حَاصِلِ خَوَابِدِ شَفِ وَالْأَبْرِ جَوْنِ كِ خَوَاتِ
 مَوْلِي لَسْتُ لَ بِرَبِّ أَوْلِي لَسْتُ - دَرِ بِرِ رَقْتِ وَبِرِ لَعْبَةِ ذَكَرِ وَبِرِ رَقَةِ بِرِ دَاعِ
 خَتَمِ

در خدمت والد ماجد خود و دیگر مخلصان السلام عليكم باد بالیون

الصلح

حاصل بیت "سوره و شخصت" است
 تعدادی غلط
 صاحب اثر "بیت بالیون و الصلح" غلط

ایکتوب | شصت و چهارم |

خدمت او مصلیاً اما بعد در خدمت برادر دینی و مخلص دینی مشول
 الهی موصول بهر گاهی صاحب الحضور والکمال حضرت مولوی غلام نبی
 سلم خلیق الزکی والقی از فقیر غلام محی الدین احمدی قصوری رزق الله
 تعالی دوام الحضور بعد از سلام اض ۶۹ الله واكرام الله متکشف آن که
 احمد الله که فقیر از حوادث طریق خطیر به حفظ قادر قدر محفوظ بود به
 تاریخ هفتم ماه مبارک رمضان در مکان مزنگان رسیده قدریک ماه کسری
 کم زیاد در اینجا اقامت کرده به تاریخ نوزدهم ماه شوال در قصور رسیده شد.
 بر انجام مقدمه کار خیر بهمشیره بر خوردن حافظ عبدالرسول به تاریخ بیست ابر
 پنجم ماه ذی الحج مقرر کرده شد. آن برادر را لازم که یک دو روز قبل از تاریخ
 مذکور در قصور حضور بیارند. فقیر را منتظر قدم مسرت لزوم خود انگارند.
 والسلام علينا وعلیکم وعلى جمع عباد الله الصالحین.

در خدمت فیض عظمت والد ماجد خود و دیگر مخلصان نام به نام از
 طرف این مستهام السلام علیکم رسانیده. و هر که از مخلصان قصد آمدن دارد
 همراه خود آورده باشند. از جمع درویشان خصوصاً میان خیرالذین السلام
 علیکم خوانند. والسلام خیر الکلام.

نزد این مستهام رسیده مشغول به ذکر و شغل گردیدند. الحمد که لطیف قلبی و روحیه او جاری و ساری شده. پس او را رخصت کرده شد. الله تعالی به خیریت رساند.

دیگر از عجایب قدرت الهی آن شد که پنج شش سال شده که شخصی عطاء الله نام قند هاری علم تحصیلی سرانجام ساخت نزد فقیر در مقصد رسیده بیعت نمود و داخل طریق گردیدند. اجازت سفر دهلی شریف برای تحصیل علم هدایت خواست روانه دهلی گردیده بود. تحصیل "سبحان" نمود بر مزار مبارک حضرت شاه صاحب رحمة الله علیه برای تحصیل نسبت باطنیه معتکف شدند به ذکر و شغل اسم ذات و نفسی آبیان مشغول گشتند. اذکار لطیف غمخواران کمالات لثقه بروی منکشف شد. لیکن تبحر نسبت هر مقام از مقام دیگر او را معلوم نمی شد. ازین سبب غمخوار بود. وقتی حضرت شاه صاحب او را در واقع می فرمودند که مراد تصور نزد من یعنی این معنی عیبان باید رفت. پس آن شخص به غرام تمام می نمود و بی اطلاع دوستان روانه قصور در لاهور به فقیر رسیده دو ماه کامل نزد این عاصی اقامت پذیر گشتند. از کمال استعداد و حدت و چندان او چه نوشته آید؟ در یک توجه استیلاست در یافتن اظهار می ساختند تا آخر مشغول فتح مقامات که حب صرفه

این دعا و معبودیت مطلقه است. او را توجهات نموده اجازت بکند خلافت
داد بر خص کرده شد. بركات الله فيما اعطيت. آمين برب العالمين.

در خدمت والد ماجد خود و والده ساجده خود و اهل خانه خود و دیگر
مشایخ و اقارب خود خصوصاً بر خود دار حافظ مولوی دوست محمد است
مسنون و ادعیه به اجابت مقرون رسانیده باشند. در خدمت جمیع طایفه العالم
که در خدمت شریف حاضر اند. و دیگر مخلصان تمام و محمد عرب و فرزندان
او از طرف قلب السلام علیکم رسانیده میان الله دتا را اگر فرصت باشد و دیگر
مخلص را روانه این صوب فرموده باشند. تا نسلی کلی به حصول اجابت

دیگر آن که مخلصان مباح داود بسیار تقاضای می داشتند که
بر خود دار حافظ عبدالرسول را به آن طرف روانه سازند که تمام مردمان آن
نواحی مشتاق اند. لهذا به تاریخ یازدهم ماه صفر ایشان را رخصت کرده شد.
اجازت دو ماه داده ایم. بامداد دعا خواهند فرمود که الله تعالی به خیر و عافیت
معزیت فرمایند. دوسال شده که آن طرف داود رفت بودند. از عطف توجه
ایشان مخلوق واقفانه بسیار شده بود. این یازدهم حق سبحانه تعالی مخلوق را
ببره مستحق گردانند. بالشی و آل الامجاد.

ایکتوب اشخصت و ششم ل

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَفَىٰ بَرَادِرَ دِينِي وَمَخْلَصِي بَلَدِي
 مقبول الہی موصول ہار گلی صاحب الحضور والاضحلال حضرت مولوی
 غلام نبی سلمہ خالی الشیخ والشیخ از فقیر غلام محی الدین احمدی قصوری
 رزق اللہ تعالیٰ دوام الحضور بعد از سلام اللہ علیکم و علی جمع من لدیکم
 معروضی آن کہ الحمد للہ و الممتہ کہ فقیر امروز کہ روز پنجمتہ چہارہم ماہ
 شعبان المعظم است۔ فقیر داخل میانی است اس ۱۴۲۰ ہجری زیارت آن برادر
 دینی خاتر فاتر خیلی خوابان است۔ فقیر دوروز در اینجا است۔ بعد از ان قاصد
 بہرہ خواہم شد از راہ بہرہ تشریف فرما ہوں۔

در خدمت والد ماجد خود و دیگر مخدوم السلام علیکم۔ بر خوردار
 شماردعاہا دیدہ بوسی ہا ہا "طویل العمر و جلیل القدر مد اللہ و عند الناس"
 کردہ۔ آمین یا رب العلمین۔

از جمع ہمراہان السلام علیکم باد۔ از میان امام الدین کہ ہمراہ فقیر
 است۔ السلام علیکم باد۔ رقعہ کہ بہ نام پیر بخش قاضی گو مکتوب است بہ
 است کفای طلب العلم در عنوان رسانیدہ، جواب آن طلبانیدہ باشند۔

امکتوباً شخصت و ہفتم

لَعَنَهُ اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَى بَنِي الْبَيْتِ الْعَظِيمِ، اِمَامِ عَبْدِ غَنَمْتِ لَيْسَ

بِرَجْتِ بَرَادِرِ دَيْسِ وَ مَخْلَصِ بَيْسِ مَقُولِ السِّبْ مَوْسُولِ بَرَكْتِ مَخْلَصِ

لَعَنَ مَضْرُوتِ مَوْلُوتِ غَلَامِ نَسِ سَلَمَةِ خَلْقِ الْبَرَكْتِ وَالْعَسِ اَزْ غَيْرِ غَلَامِ مَعِي

لَعْنِ لَعْنَدِي عَسِ عَنهُ بَعْدَ اَزْ سَلَامِ اَللّٰهِ وَاكْرَامِ اَللّٰهِ مَعْرُوفِ اَنْ كَرِ الْبَحْتِ كِي

بَرِ اِيْجَا خِيُو عَالِيَتِ اَنْ بَرَادِرِ خَلَامِ بَارِبِ جُوْنِ دَرِيْنِ وَاِلَايِ بَرِخُوْرِ دَارِ مِيَاْنِ اِمَامِ

الْعَسِ بَرَايِ اِسْتِفْهَامِ عِلْمِ ظَاهِرِ وَ بَاطِنِ غَلَامِ حَضُوْرِ سَلَمِ اِسْتِ مَرْوِ بَرِ

اِيْجَا خُوْبِ خُوَالِدِهْ اِسْتِ وَاَزْ لَعُوْبِيَايَتِ اِتْحُوْرِ شُرُوْعِ لَعُوْبِ لَيْهْمِ وَ حَافِظِ

خُوْبِ دَارِ اِسْتِفْهَامِ كِي دَرِ اَلْبَحْتِ اَنْ كَرِ تَحْصِيْلِ خُوَايِدِ لَعُوْبِ بَرِ طُوْرِ غُوْرِ

غُوْرِ بَعَالِشِ مِيْلُوْلِ دَاشْتِهْ بَاشْتِهْ دَرِ اِيْجَا اِيْجَا خِيُو خَدْمَتِ قَلْبِ رَا حَاجَتِ اُو بُوْدِ

وَاَلِيْكَنِ وَالْبَدَايِ اُو اُوْرَا دَرِ اِيْجَا نَسِ كَلْمَا تَدِ وَاَزْ وَرَقْتِ اِيْجَا وَرَقْتِ تَقَاذِيْمِ دَارِدِ

لِيْهَارِ وِيُوْشِ شَدْمِ دَرِ خَدْمَتِ عَظْمِي مَشْرُوفِ مِي شُوْدِ

بَرِخُوْرِ دَارِ مَقُولِ بَرُوْرِ دَرِ حَافِظِ شَمْسِ اَلْعَسِ رَا بَعْدَ اَزْ سَلَامِ اَللّٰهِ مَشْهُوْرِ

بَدْمِ مِي بَايِدِ كِي كَاھِ مِيَاْنِ اِمَامِ اَلْعَسِ دَرِ اِيْجَا بَرَسِدِ بَعْرَاھِ اُو مَحِيْتِ اَزْ دَلِ وَ حَايِ

كِرْمِ بَاشْتِهْ اِسِ كِي اَخْتِدَا كِنْدِ كِي اُوْرِ اَعْلَمِ دِيْنِ حَاصِلِ شُوْدِ وَالسَّلَامِ مَوْرِخِ

بِسْمِ مَلِكِ رِيْحِ الثَّلَاثِي ۰ عَزَّ اَزَّ

در اصل متن "بسم و شخصت" است

اسم ب مضمون

اسم الف تارة

ایکتوب! شخصیت و بهشتیم

أَخْبَدُ لِيهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ بَيْتِهِ الَّذِي اسْتَقَرَّ عَلَيْهِ الْعَرْشُ لَعَلَّكُمْ تَرَغَّبُونَ
 دینی و مخلص دینی مقبول الهی موصول بارگاہی حضرت مولوی غلام نبی
 سلمہ خلق البر کی والہی از فکر غلام محی الدین قادری قصوری رزق اللہ
 نعمانی دوام الحضور بعد از السلام اللہ علیکم وعلیٰ جمیع اہل بیتکم و جمیع
 من لدنکم تیلح آن کہ فرحت اللہ محبت و مودت شملہ مشتمل بر بشریت
 غیر و عاقبت و جمعیت خویش و جمیع نواح و لواحق نیک انتہیش و مزہ تولد
 فرزند تربیتہ گرامت گیش از دست مبارک محمد رسیده مسرور گردانیدہ۔
 در اینجا نیز غیر و عاقبت است۔ بر خورد حافظ عبدالرسول را مخلصان داود بہ
 تقاضای شدیدہ پیرا خود بردہ بودند۔ بہ نکل الہی تکبر و عطف و توجہ آن
 بر خوردار بسیار کسان را از حسیض خواب بہ لوح هدایت کشیدہ قدر دو ماہ
 بمان طرف توقف نموده بہ غیر و عاقبت رجوع بہ تصور آوردند۔ امداد
 دعا فرماید کہ قدر کریم مطلق است اورا فرزند تربیتہ است طویل العمر پندی سہدی
 عنایت فرماید۔ "إِنَّكَ عَلَىٰ مَنَاصِبٍ مُّبِينٍ" و فرزندمان شمار ایم در سایہ تربیت
 شمار طویل العمر و جلیل القدر گردانا۔ ہائون والصاد۔

و آنچه اہم از اہمات بعضی اعدائ غافل از خدا قلنی بود۔ باید کہ

۱	مراصل منی "پہنم و بہشت" است	۲	سخن الف تبارہ
۲	سخن ب تبارہ	۳	سخن ج تبارہ
۳	سخن د تبارہ		سخن ہ تبارہ

ایضا ایشان را به صبر و رضای تعلق فرماید که الرضا بالقضاء فرح و اگر از
تزارت بلا نیایند باید که این دعا بعد از نماز عشاء یک صد مرتبه بار به احضار
سور ایشان خوانده باشند "اللهم اكفني حزنهم بعثت خود بخود دفع خواهد
شد

امر ۴۴ | مخلوم الاولیاء حضرت پیر علی بجزیری در "گشت المحبوب"
در احوال خود آورده اند "که روزی من پیر خود را وضو می کشیدم در دل من
آمد که پیر گاه بر امر به قضا و تقوی الهی است. جلست پس از اذان چرا خود
دریند دارند و خدمت پیران "اللهم" "سرمبارک بالا کرده فرمودند" پیر گاه که
حق سبحانه تعالی خواهد که تاج شایسته بر سرهوان زانه نهد. اورا در خدمت
استان خود فرستند انبسی و نیز آورده اند که در آخر وقت حیات که نوع
مغرب بود "من در خدمت ایشان بودم از یکی رنجی در دل داشتم نظریه من
کرده فرمودند "ای پسر ترا یک مسئله شرعی تا موزیم که از رنج هائل تو
طرح شود بدان که پیر گاه به قضا است. و رضای قضا واجب این بگشود
جوابه من تسلیم کردند" "إنا لله وإنا اليه راجعون"

چه خود گفت آن که "گفت بدی باینکار بد کردی است. و اینکی
اینکار غیر خلی است. و اینکی باینکار که عندالله نصاری است. و لیکن این

که دولت است ، کنون تا کبر از سد " الله تعالی مبارک و شکارا جمع است
حضرت محمد مصطفی راسلی الله علیه و آله و اسحابه و سلم از متعلمان اهلان
دوستان خود فرمایند: آمین یارب العلمین۔

فلمسی بود که قصد آمدن تصور قبل از ماه مبارک رمضان مضموم است۔
ازین مزود نهایت خورسندی حاصل شد ، غفا کند که این وعده به وقایع
گرفت ، ولیکن چون بودن آن برافز قرآن مکان فرمه مبارک رمضان موجب
حقیقت قرآن خوانی و قرآن شنوائی است۔ باید که فرمه مبارک فصلی
نخواهند فرمود که سبب اختلاف احوال مصلیان خواهد شد ، نیز قصد قمر
فرمه جمادی الآخر [ص ۴۵] جلالت لا یور و شر قیور است۔ و شاید که شب
معراج مبارک هم بدان طرف شود۔ لهذا همی که اول تعقیب مکان قمر ساخت
بعنا از آن به قصد این صوب پرداخته باشند۔ والسلام غیر الکلام۔

برخوردار میان امام الدین قرین و زبا از قمر در حکم الله ج به خاک خود
رفته است۔ از انجا قصد مشرف شدن در حضور می دارد۔ اگر قیور گردد
مقدمه تعلیم شور کمال بحال او مصروف داشت باشند ، غفا کند که به کمال
رسد ، فهم و حافظ خوب دارد۔ "نهایت السعوی" رسیده غفا کند که در
حکمت شکارا شرح ملا گ بر سلف۔ دیگر علم هم نصیب او شود۔ آمین یارب

العلمین

استاد آقا جمعیت
استاد آقا پرداخت
استاد ب گفته
استاد آقا مبارک

حاصل رقیعة مهر محمد از مخلصان فقیر و شاعر از فاکران خدا جل و
علا است. مزید شفقت به حال او مینویس داشته باشند. محمد عرب را ج
دیگر مخلصان را السلام علیکم رسانیده باشند. در خدمت والد ماجد خود
و برادر خود و قاضی نظام الدین صاحب السلام علیکم رسانند. نصیبه خوبی
برای مهر محمد ضرور نوشته خواهند داد. محرره روز دوشنبه بیست اواسط
مادریع الثانی ۱۲۴۰ هـ -

مکتوب | شخصیت و نهم

حامداً و مصلياً در خدمت برادر دینی و مخلص یقینی معین العلم و
العرفان کامل الايمان والاحسان خدیو مولوی غلام نبی سلمه خالق الشیخ
والصی از فقیر غلام محی الدین احمدی تصور آنکه الله تعالی دوام الحضور
بعد از سلام الله علیکم و علی جمع من لینیکم معروف آن که الحمد لله که در
اینجا غیرت و عاقبت آن نیک نیت خلاصه اینست که چهار کون بر قائم
اشفاق نسیم آن مقول الهی رسیده را خلاص کنی امیر ۴۱ اطلاع بخشید
با این گرم جوشی های محبت سلامت با کرامت باشند تراخی در جواب به
محبت عدم تشریح رساننده واقع شده و الاغلب الاوقات یاد آن مقول رب
الغنیان خلزون خاطر است.

نسخه ۱ - به حال او مینویس داشته باشند * بخاره
نسخه ۲ - بخاره
نسخه ۳ - او بر
در اصل من نهم و شخصیت است

در راه عشق مرحله اقرب و بعد نیست

می بینمت عیان و دعای فرستمت

الحمد لله که در تفریس و تسلیم مشغول اند و بر خور خواهی است
 بر عومه مجول اند. قفر به تفریح بفریم ماه رجب شریف کو چیده بیستم آن
 درک میزنگان رسیده. شب معراج مبارک در اینجا کرده شد بسیار قیض
 صاحب المعراج علیه و علی آله الصلوات والتعابات ظهور نمود. آن برادر هم
 مشغول عنایات به بدالکلیات علیه و علی آله التسلیمات بوده باشد. کل این
 است و غوره این همه هیچ زای ملاقات آن برادر دل قفر خیلی خواہان است. به
 وجه امنی محصل باد. باتون والحمد لله.

در خدمت والد ماجد آن برادر در زمان دبستان و دیگر مخلصان
 و شاگردان و مقتدیان خصوصاً بر خور در مقبول بوده گز حافظ شهری والد
 و غوره اهل اخلاص اسطه مستوره رسانیده باشند. مخلصان ظهور و جوهر کنگه
 برای برادر قفر در مکانات خود تقاضای دارند.

دهده آید که رمضان مبارک در کدام مکان گذارده آید. بعد قفر جانب
 ظهور است. لیکن خاطر مخلصان هم ضرور است. دهده آید که در زمان آنگهی
 چیست؟ والسلام والا کرام. محرره غزه مدح شعبان المعظم ۱۳۱۲ هجری.

رغم دیگر آن که محمد صلیقی اهل صلاحیت است داخل طریق شده است
است توجه برای جاری شدن قلب او نموده شد جاری شده است به هر طور
اورا مشمول عنایات خود فرمائید والسلام

مکتوب ۴۰ [هفتاد]

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَاعُوا

بروردن مکتوب بجزان کبار قبول و مشمول شعاع سعادت در غش میان بر بخش
سنة الله تعالى از فقیر غلام محی الدین احمد عفی عنه بعد از سلام الله و اکرام
الله مشهود آن که در ۳ کرات رقیب اخلاص تسلیم آن لونی القات رسیده
سرور گردانیدم از ظهور فتور و فوات زائد شریف شما دل فقیر نهایت زجر
گردیدم برای شما چتر دو جهان بودند برای تمام اهل اسلام خیر خواهی می
فرمودند مخصوصاً با فقیر اخلاص قلبی چندان داشتند که کم از اخلاص شما
نبود بلکه منشاء اخلاص شما اخلاص ایشان بودند و ثواب اخلاص شما تمام در
اعمال نامه ایشان مندرج است چه حکم من من حسه غتت لله اجرها و اجر
من عمل بها الله تعالى ایشان را مغفرت عطا فرماید و شما را بر سر و استقامت
کرامت نماید آمین یا رب العلمین -

فقیر خود خواسته بود که برای ادای مراسم تعزیت در دنگیان

برسد لیکن در استان علیه بقم چنان بود که طاعت همزمان نبود و بعد از
 غسل ها شنبه از پشت پای چپ ظهور نمودند که قدری بود. کم بود
 تکلیف شدید از وقت در این ولای به فضل کسی تخفیف کامل اوی داد کی
 اکثر غسل ها منعمل شدند و اقلی که بقی مانده بودند به رو به انصاف
 به موجب تقاضای مخلصان موضع داود که آدم برسول ایشان از روز پانزدهم
 نشت است. به تاریخ بیست و نهم جماد الثانی از قصر کوچیده در روز
 رسیده شد. این ایجا چند روز گذرانیده قصد داده نموده آمد امید است
 که شب معراج در آن طرف خوابید شد شما تکلیف آمدن سارک اگر حق
 سبحانه تعالی خواسته باشد. قدر خود بعد از انصراف ایام رسان آمده کی
 زندگان را عزت بعد نیست. قصد آن مومن خوابید ساخت. "وَالْعِلْمُ جَنَانٌ
 وَمَثَلُ نَبِيِّ الْأَيَّامِ عَلَيْهِ كَوْنُ كَلْبٍ وَأَبِي كَيْبٍ" - رساله "الفاالحاج" تصنیف کرده
 شده است. خوب رساله گردیده است. اکثر مسائل حج را جامع شده است.
 حضرت مفتی صاحب بهراه خود برده اند برای آن بر خور داریم نویسنده
 بسته آمد. انشاء الله تعالی والسلام والاکرام.

بر خور داران حافظ نور حسین و نور العین و عبدالرحمن و والده ایشان
 الامیران مظلوم را و دیگر مخلصان را نام به نام دعا پای حقور رسیده باشد.

والسلام غیر الکلام - دستارچه تبرک به دست حضرت مفتی صاحب برای شما
برستاده شد. بر سر بسته نگاه دارند الهی ایام عبادت تر و تکره باد. بالتون والصاد.

مکتوب ۱۷ | هفتادویک |

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَطَاعُوا

درجت مولوی صاحب مهربان اشفاق نشان کرم فرمای مستمندان حضرت
مولوی صاحب مدینه رب المواهب لرفیق غلام محی الدین احمدی قصوری
رزق الله تعالی دوام الرحمة وری بعد از اسلام الله علیکم وعلى من لدیکم ان
های آن که مکتوب شریف که از راه ایت نفیتم نامزد این ضعیف فرموده بودند
رسیده مسرور گردانیده از اظهار مخلصی اخلصی حضرت حکیم محمد پیر
بخش واضح گردیده که حضور از مباحثان جناب حضرت ماب میان صاحب
حضرت شاه ابو سعید علیه رحمة الله المعید الله فرحت بر رحمت ازود الله
تعالی ملو شملرا و جمع داخلان این طریقه علیا را بهره مند کمالات این طریقه
شریفه فرماید. آمین یا رَبِّ الْعَالَمین.

چون آن جناب در امور شایسته دینیه دنیا اهتمام نموده اند. حافظ خطیبی از

سرود آن امور و دواهی آن محفوظ داشته، به نعمت حضور و دوام اکتبی
محفوظ دارند. بانی و آله الامجاد. چون "لِحَبْرَةِ الْبَنَاتِ مَنْ يَطْعُ الْبَنَاتِ" واقع

است. تنها آنگاه در ایصال نفع به اهل احتیاج سعی بلیغ داشته باشند. والسلام
 علیکم علینا وعلی جمیع عباد الله الصالحین.

ص ۴۹ | مکتوب ۴۲ | هفتاد و دوم

بر خوردار بخت بیدار مقبول پروردگار موصول بران کبار قولیت
 درخش میان پیر بخش سلمه الله تعالی از فقیر غلام معی الدین قصوری رزاق
 الله تعالی دوام الحضور بی بعد از اسلام الله واکرام الله مشهود آن که فقیر از آن
 بر خوردار مرخص شده بود غیر و عاقبت در لاهور رسیده و در آنجا در مکان
 مریگان قنریک ماه اقامت به تاریخ اول دهم ماه شوال داخل قصور گردیده شد.
 و در اینجا به سبب پیوست و حرارت سفر و اجابت فقیر کسالتی پدید گردیده
 است. اما کتون به فضل الهی شفا است. آمین و غیر باد. بلتون و الصاد.
 مخلصه کار خیر شادی پشمیره بر خوردار حافظ مغلر رسول به تاریخ
 بیست و اول پشم ماه ذی الحج مقرر کرده شد. باید که آن بر خوردار مع دیگر
 مخلصان سعادت شعار قبل از تاریخ مذکور در قصور رسیده باشند. میان غلام
 محمد عیاض و بر خوردار میان محمد فرزند حضرت حافظ محمد حیات راز
 بر خوردار نیک عالم و میان غلام مرتضی راز کون بلوچی و حافظ محبوب عالم
 راز دیگر مخلصان چکوری راهبراه خود آورده باشند.

بر خوردا حافظ نور حسین و نور العین و عبدالرحمن و والده ایشان را در طلبها

بر خدمت والده ماجده خود و دیگر مخلصان السلام علیکم باد تالیفهای مولی

در ستوده شده بهر کسی که اراده آمدن این طریق داشته باشد رسانیده باشند.

بر خوردار جان محمد را بهم رسانیده باشند حاجت رفته نوشتن به طریق او بود.

شماره اطلاع دار باشند والسلام.

رقعه به طریق جان محمد و حافظ محبوب علم نوشته شده به ایشان

رسانیده باشند والسلام.

مکتوب ۳۷ [هفتاد و سوم]

بر خوردار بخت (م ۸۰) ایستادگان پروردگار موصول بپیران کبیر

مخلص مخلص محمد سراج الدین سلمه رب العرش الاقصر غلام محی الدین

احمدی حمد الله جميع افعله واقوال بعد از اسلام الله واكر الله معجلی آن که

مکتوب فرجت اسلوب آن محب و محبوب رسیده سرور گردانیده آنچه در

طلب غمگیزی غمگزان و اغوای نسلان ایضای رفته بود.

بر خوردار را قطیر را معینی که به آن بر خوردار و حضرت مفتی صاحب

مفسول پروردگار است نه از آن قبیل است که بیل قل اهل نزاع و جملان روزی

بفرموده "تغافل الله بین قلبك" هیچ خیال در دل نگذارند و دل خود را باطنها

دارند و برای خلاصی جهان از دست بدخواهان دعاها کرده می شود.
سجای باد- بالنون والصاد-

در خدمت فیض درجت حضرت مفتی صاحب کلان سلمه الرحمن
و جمیع مخلصان و دوستان السلام علیکم به صداش تیان واضح باد- "وَعَلَى اللَّهِ
التَّكْلَانِ وَبِتَّ الْغَفْرَانِ" از بر خودار حافظ عبدالرسول که در لاهور نزد فقیر آمده
اند و از دیگر یاران میان خیرالدین و غیره السلام علیکم مطالعه باد و چون
مضمون واحد بود- لهذا رقیبه علیحده در خدمت حضرت مفتی صاحب کلان
سلمه الرحمن صورت ارقام نیانته و السلام-

مکتوب ۴۴ [هفتاد و چهارم]

برادر دینی و مخلص بقینی منبول در گه آل موصول بار گاه رسالت پناه
محمد اشرف سُلَمَةُ رَبِّ الْأَقْوَى وَالْأَضْعَفُ از فقیر غلام محلی الدین بعد السلام
علیکم ورحمة الله و برکات منکشف آن که قبل ازین رقعہ برای طلب ایشان
نوشته به دست خسر مفتی صاحب میان غلام محلی الدین جیو فرستاده شد
باید که به آن بر غور در رسیدہ کہ تشریف فرمای این صوب نگردیده اند اکنون
باز به تکرار ارقام نموده شد معنی باید که به مجرد دیدن [ص ۸۱] رقعہ شتاب
خود را بر اینجا رسانند - که برای ملاقات ایشان دل نیا منزل خیلی خواهان

است به خیر و خوبی محصل و ميسر باد. حاشیه تفسیر بیضاوی
و تفسیر بیضاوی ضرور همراه آورده باشند.

در خدمت والد شریف خود و بر خوردار محمد شریف و میان صاحب
محمد باقر و مخدوم صاحب و دیگر مخلصان السلام علیکم رسانند.
و در خدمت میان محمد کلال مقبول ذوالجلال دعاها رسانند. و در خدمت
حکیم صاحب پیران اشفاق نشان مقبول در گاه رب الدارین حضرت حکیم
غلام حسین اشواقی که از کتف منبعت است - بزیار و مستجاب باد خدا کند
که زیارت ایشان را نصیب این پویشان گردد. آمین یا رب العلمین -

مکتوب ۴۵ | هفتاد و پنجم |

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اسْتَظَنُوا ^[الله] ^{و خوردار مقبول پروردگار}
موصول پیران کبار مخلصی محمد سراج الدین سلمه رب العالمین از فقیر غلام
محمی الدین احمد حمد الله جميع افعاله مشهود ان که رقیبه نخبه آن مخلص
المخلص از دست میان جوانها حجام رسیده مسرور گردانیده بر خوردار که به روز
پنجم ماه ذی الحج است - فقیر در قصور است و قصد زیارت فیض بشارت
حضرت قطب الاقطاب ضرور است تا اگر حق سبحانه تعالی خواست باشد بعد
از مراجعت از آن طرف قصد آن صوب نموده آید - و آنچه از عارضه سقوط

الحمل اهل خانه خود نوشتند. الله تعالى به فضل و کرم خویش آن سزا
کیش را فرزند طویل العمر جلیل القدر عطا فرماید. آمین یا رب العالمین.

در خدمت حضرت مفتی صاحب کلان سلمه الرحمن اشوان مازون
التحریر معروض باد. حافظ صاحب و جمع مخلصان به اسلمه مستون اشوان
مشحون رسائیده باشند. ساز بر خوردار حافظ عبد الرسول و دیگر درویشان السلام
علیکم مطالعه باد. کانون والصاد همان کتاب متضمن منقوب حضرت محبوب
سبحانی رضی الله تعالی عنه تا آمدن فقیر نقل کتائیده باشند که فقیر در تیره
بهره خود خوابد بر دینو السلام.

ص ۸۲ | مکتوب ۷۶ | هفتاد و ششم

جناب فیض مآب مفتی صاحب منبع الکریم ملجای مستندان
مرجای اخلاص مستان حضرت مفتی غلام محمد سلمه الصمد و فقیر غلام محی
الذین احدی حمد الله جمیع افعال و اقواله بعد از سلام الله علیکم و علی جمیع
من لدیکم معروض آن که در اینجا من کل الوجوه خیریت و عاقبت آن امر
۱۴ جناب غلام سلمه مقاسد چون که فقیر به کرات مرات مکتوبات به ملک
مضمون ارسال خدمت ساخت به جواب یکی از آن هائیر داغته اند. معاشق به
عزیز باد. مشاهد که کدام مقاسد این صوب معتبر بهم نرسیده. بل آن سبب در

توقف گردیده بلکه مکرر نوشتن می آید که آن جناب در خطی که پیش از
 فرستادن کتاب ارسال فرموده بودند مشارف آمده بودند که نسخه صحیح است
 و اوصاف مرغوبه دارد از تزیین آن جناب که به فضل رب الایمان توکل است
 و بصورت بی حساب اند همیشه از رویت زیاده از قیمت افعال خلقت نموده بود
 چون نسخه در اینجا رسید، به یقین معلوم گردید که آن جناب بی مشابهت کتاب
 محض به توسیعه مالك تعریف نوشتند و الا این نسخه بیج صفت مرغوبه
 ندارد هم غلط است، هم خام خط است، کافه خراب است و سبلی چون
 آب است ولیکن يك صفت دارد که نسخه تمام است لیکن به این يك صفت
 به عوض قاحتش خریدار نمی شود بولید چون آن جناب قانع این نسخه بعد از
 مشاهده معلوم فرمودند در خطی که همراه کتاب برقوم نمودند نوشتند که
 اگر پسند آید بدارند و الا واپس نماند چون در این نسخه دیگر موجود
 نودونه مطالعه در بسیار جا قسم حروف و کلمات ظهور نمود ملزم معنی نسخه
 حواله حضرت مفتی صاحب غلام معنی الدین سلمه رب العلمین که به تقریبی
 در قصور تشریف آورده بودند نموده شد تا با نسخه صحیح که نزد حضرت
 خلیفه صاحب است مقابله نمایند اگر بسیار غلطی ها ظاهر شد، تقریباً
 قبول نیست به مالك بدهند مگر در يك دو جز غلطی يك دو کلمه به ظهور

آید قبول خواهد شد مگر اینجاست که اهل بهارت و قنوج قیمت آن به شرط
 صحت غایتی الامر پانزده روپیه می گویند مگر چون نیست روپیه نوشت
 است - از نوشته خود بر نمی گردد مگر تقییر صحت فقیر را نیست روپیه قبول
 است - اگر مالک راضی باشد تا نسخ مع خمس زاید حوال حضرت مفتی
 صاحب فرمایند و اگر مالک راضی نشد تا کتاب حوال مالک نمایند و مبلغ های
 خمس و عشر در تعزیر (ص ۸۴) مفتی صاحب سزایه بجزا کم الله تعالی جزا
 والخیر والصلوة والسلام علی سید الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم و احبابه
 اجمعین -

در خدمت اخلاص نشان میان صاحب مبارک محمد گلگو و میان سید
 احمد و دیگر مخلصان السلام علیکم مطلقه یاد از فقیر زاده حافظ عبد الرسول
 السلام علیکم معروف باد -

انشاء الله تعالی به مطلقه لامعه مفتی صاحب سهراب اشفاق نشان
 کلمات عنوان حضرت مفتی غلام محمد سلطه الصمد در آید مگر بله تصور در
 بله بهیچ بر سید مگر فقیر غلام محی الدین قصوری عنی عن معروه به تاریخ
 پنجم ماه شعبان المعظم ۱۲۶۱ هجری -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ [ص ۸۵] سید الانبیاء صلی الله تعالی علی آله و اسحبه
 و اعیان و سلم شروع نصیده شما تا حال نشده بودند پس فرستاده شدند
 منعقب به دست کسی معتقد فرستاده آمد پادشاه الله تعالی دو فرستادن
 کبری تعجیل ضروری است که در اینجا حاجت آن لیل و نهار است. لیکن
 به دست معتبری معتقدی که حال راه به سبب گرانی غله اینتر شده است.
 برخوردار سعادت آثار مقبول پروردگار محمد سراج الدین احمد را دعاهای از
 دیار ابتدای ابخلدی باد برای شما دعاها اکثر اوقات کرده می شود. مستجاب
 باد و برای آن مخلص که در نامه سابقه احوال جاه او نوشته بودند. هم کرده می
 آمد حاجت نزد پروردگار است. والسلام در خدمت جمع مخلصان سلام
 مسنون الایمان واضح باد.

مکتوب ۷۹ [هفتاد و نهم]

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ، اما بعد در خدمت فیض
 درجت مقبول الهی موصول در گلی برادرم حضرت منشی غلام محی الدین
 سلمه رب العلمین بتکلیف دین سید المرسلین صلی الله علیه و سلم از معدن الآتام
 بنام بعد از سلام الله و اکرام الله معروض آن که مکتبه مسرت موطنه منضم
 تفصیل مقاله اهل سنت با اهل بدعت شرح حواله که ارسال فرموده بودند بر سینه

غوشحال گردانیده این همه تائید سید المرسلین است صلی الله علیه وسلم که
باچنان اهل طغیان مقابله مساکین واقع شود. و نصرت نظر نصیب مساکین
گردد. الحمد لله والمنةت شکر این نعمت بجا باید آورد.

”که در شکر نعمت بود بر مرید“

و آنچه از تفسیر توجه خود ارقام فرموده اند. رنگ انتظار زوده اند. الله
تعالی به طفیل پیران پاک ازین زیاد تفسیر عنایت فرماید و بر خوردار میان سراج الدین
را هم طلب کمال عطا نماید. در خدمت جمع مخلص السلام علیکم مطاعه
باد. چون طبیعت اخلاص باشد و حمد و ارت فانی گو کسبند شنیده بودیم.
بدان سبب انتظار کمال می ماند. مزده صحت ایشان ارقام فرمایند.

دیگر آن که کتاب توضیح به درجه اتم مطلوب مصحوب کسی درویش
خود به جلدی ارسال دارند که بعد از فراغت فرستاده خواهد شد تا کید دانند و
اص ۱۸۶ به جلدی ارسال نمایند. و اگر کدام حاشیه توضیح اہم موجود باشد،
ارسال نمایند که در کار تمام است. والسلام.

مکتوب ۸۰ | هشتماد |

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ سَائِرِ الْبَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَسْأَلُكَ يَا رَحْمَنُ مَخْلَصَ بَنِي

مَسْئُولٍ مَوْصُولٍ مَتَّحِدِ الْأَسْمَاءِ وَالرُّوحِ مَفْنِي مَلْعَبِ سَلْمِهِمُ اللَّهُ تَعَالَى لِرَفْعِهِ

غلام محی الدین احمدی علی عنه بعد از سلام الله و اکرام الله معلوم فرمایند
 کی تقریباً تاریخ چهارم ماه رجب المرجب از سفر سند داخل کشور گردید.
 برای ملاقات آن برادر خاطر فائقه خیلی متقاضی است. به احسن الوجوه میسر
 باد بالتون والصاد.

در موسم زمستان اگر فراغتی و فرصتی دست دارد به دستور سابق بر
 عمر بر مبارک قطب الاقطاب جناب حضرت بابا صاحب شریف شریف خواهید
 آوردند ایما به تفویض و تسلیک و ذکر و مراقب اشتغال دارند و منی به غفلت
 نگذارند و در حق این غافل ایما دعا دارند که حق سبحانه تعالی توبه صادق
 عثبت فرماید و خاتمه بر ایمان نماید آمین یا رب العلمین.

برخوردار محمد سراج الدین را و دیگر مخلصان را السلام علیکم مطالعه
 باد جواب رفیقه متضمن احوال خیریت اشغال است ارسال فرمایند که رفع
 انظار از آن تولد بود جزو السلام.

مکتوب ۸۱ [هشتاد و یکم]

برادر زینبی و مخلص زینبی مشفق سهراب حافظ محی الدین سلامه از
 تقریب غلام محی الدین فائز صوری علی عنه و من سلامه اکرام و من جمع
 کفایت اهل الاسلام بعد السلام علیکم و شوق ملاقات واضح آید که چون کتاب

"مفتاح الصلوة" مع ہدایہ حافظ ہدایت اللہ جی آورہ ہوئے۔ ولا ایجا معلوم
 شد کہ کتاب ہدایہ بہ محمد اشرف جیو رسیدہ و "مفتاح الصلوة" رسیدہ۔ لہذا
 حافظ پر بخش جیو بہ خدمت فرستادہ شدہ کہ کتاب "مفتاح الصلوة" از موسی
 اب گرفت خوابند فاصونیز اجزاء اخیرہ مقول عنہ شرح قصیدہ مبارکہ حضرت
 غوثیہ برای مطالعہ خوابند فرستاد کہ یک دو موقع نظر دید کردہ متعاقب شعا
 فرستادہ خوابند شد کہ چند روز برای ختم شریف کلام اللہ مجید فر بہرہ
 توفیق است۔ کتاب "مفتاح الصلوة" اجزاء شرح قصیدہ ضرور خوابند فرستاد۔
 وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتٰهُ النَّهْدٰی۔

بعونه تعالی

ص ۸۴ | مکتوب اول

در خدمت با برکت مظهر کماله، مصدر حسنه امام العظمی، زانی
 الصالحین، سلجانی و ملوای حضرت مولانا غلام محی الدین متخدا الله و بیع
 القلیبین یقولون خیر لهم و خیر لکم ان ینزل علیهم من عند ربهم
 الذی عنده تجاوز عن عیبکم بعد تسلیت و تعیان مسنون و دعوات به اجابت
 مقرون مشهود آن که از استماع اختلاف مزاج شریف مدتی طولی من و التوب
 و التوب و التوب به حد کمال به خاطر کمال سیده بانا الحمد لله که توبه صحت
 و شفا هم معاً شنیده شکرها و حمد ها به جلال و عباد تعالی بجا آورید الله
 تعالی آن حضرت را مع جمیع متعلقان و تابعان از هر یک خطوط ثابت یا هر از
 عزت دین و دنیا محفوظ و مسرور گردد بلکه از انتقال جنت من فریب و رفعت
 بسلام حضرت سید حیدر شاه رضی الله تعالی عنه و ارشاد عنا و العت العلی اوله
 چنانکه کسار قلب و انقباض صدر و غم و هم القسوس و حسرت بهم رسیده که
 لعل تعزیر و تقریر نیست سبحان الله درین زمان ظلمت نشان و نبود این چنین
 نور الهی و نبود دین حضرت رسالت پایی غنیمت کبری بود معجب صدق

وعلی فانی بودند سوخته آتش عقاب و آشوب فراوانی آغوش فدایان و ایام
 اختر الخیر علی الطلیب و آخر زمان من الآخر الخیر من العین و اللیل
 بر خوردن سعادت اثر موصولی بران کبار فضیلت اشعار حفظ غلام دستگیر
 به دعوات حصول مقاصد دارین مشغول بر خوردن سعادت اثر موصول برود گذر
 موافق رسیده نور چشم مغانی غلام احمد به دعوات حصول علم دفع و طول عمر
 و حصول برکات ظاهری و باطنی موصول است.

مکتوب دوم

به خدمت ذات با برکات مظهر کمالات المشعل اِنِّی مَوْلَا الْقَرْنِ عِزِّ مَنَا
 مَوْلَا الْوَابِلِ اِنِّی اَعْلَى اِمْرِ ۱۸۸ مَقَلَّاتِ الْاُتُوْبِیْنِ وَالتَّسْلِیْمِ وَالرِّضَاءِ الْبَاطِنِ اِنِّی
 اَفْضَى غَايَاتِ التَّكْوِیْلِ وَ الْاِرْتِدَادِ وَ الْاَكْرَمِ الْاَكْمَلِ الْاَفْضَلِ
 الْاَعْلَى وَ الْفَلَسْفِیِّ فِی بَاطِنِ الْفَنَاءِ مَتَعْنَا اللهُ تَعَالَى بِطَوْلِكَ اِنِّی اَفْضَى غَايَاتِ
 اِنِّی اَفْضَى اَزْ مَهْجُورِ مَكْسُورِ مَحْزُونِ مَطْلُوعِ عَبْدِ الرَّسُولِ بَعْدَ تَسْلِیْمَتِ الْاَقْبَاتِ
 وَ اَحْبَابِ زَاكِيَاتِ اَشْرَاقِ وَ اَهْرَامَاتِ وَ دَعْوَاتِ مَشْهُورِ اَنْ كِهْ اَحْوَالِ اَبْنِ خَرِ سَكَا
 مَطْرُونِ حَمْدِ نُوْرِ الْجَلَالِ اَزْ اَنْفِلَالِ مَرْحُومَتِیْنِ مَخْطُورَاتِیْنِ چندان غم و الم و حسرت
 و اندوه به خاطر پریشان رسیده ، که قلیل تحریر نیست بر حساب لغت است
 اَفْضَى اَشْرَاقِ اِنِّی اَعْلَى اَنْ اللهُ يُعْزِرَ بِالْعَمَلِ نَجْمَةَ ذَاكَ حَقِّ سَجْدَةِ تَعَالَى وَ سَلَوَاتِ

دایم و رحمت کامله او عزشانه و اعتناء صادق آن سبب شکر را و جمیع
 نواحق را روزی باد. و برکات دین و دنیا در اولاد و احفاد آن حضرت تا قیام قیامت
 ظاهر و باقی میماند. شوق دیدار فیض بار جوش در جوش است لکن از طرفین
 اسباب و — ۱ مفلکود دانند. قادر مطلق اگر میسر گرداند بعید نیست اراده
 ضعیفه برای سفر نواحی در خاطر هست. "ماشاء کما و لَمْ یَشَاء لَمْ یُکُنْ" در
 حال زمانه نوشتن از آن خانی است، به خوب طور واقع اند بر خوردار سعید اول
 ولید نور چشم غلام احمد اجتهاد اله تعالی اله و رفعه فی الدارین و جعله امنا
 — ۲ و ببارک فی عمره و عمله و دینه و دنیا و ولده و ذریته و سر و هداه سلام
 و دعوات قلبی مخصوص است.

در خدمت اشفاق و اخلاص مرتبت جامع کمالات حافظ غلام دستگیر
 صاحب سلمه الله تعالی و وقایع و عتقاد و هدای بعد سلام و دعاها معلوم آن که خط
 مبارک آن عزیز رسید مسرت و — ۳ ساخت از ملاقات و الملاح اراده شدی
 خسته بر خوردار سید محمد نوشته اند صاحب اراده خسته در ماه چیتز مصمم اله
 تعالی آسان فرمایند تکلیف تشریف فرمای حضرت مفتی صاحب مدظله
 مشکل است. لیکن تمام فرحت و اهم مقاصد است. — (ص ۸۹) شرف زیارت
 خلقه مغلی هم غنیمت است بود در صورت دیگر قدم بیعت لزوم شما

برخورد دار غلام احمد صاحب ضرورت است بیشتر بر چه مرضی مولی اولی
 تمام دوستان سلام و دعاها را رسانند و خائنه شریف به سبب کثرت بارش با کمال
 سزا و منهدم شده بود. اسباب عمارت و معماران به دست نمی آمدند محل از
 تاریخ ۳۳ سوال عمارت جاری است کار بسیار سخت و هولناک است بود
 خرج کمال تکلیف دعا کنند که به مدد ارواح مقدسه حضرات قدسی اسرار هم
 خائنه مبارک بار حسب دل خواه مرتب و آباد شود. آمین یا رب العالمین.

مکتوب سوم

در خدمت با برکت ملجانا و ما و انا عالم ربانی غرض حقایق منع مواهب
 حضرت مفتی صاحب فسح اللہ فی حقہ و رفع الشکوک نزلتیم از قبر
 عبدالرسول علی عت بعد تسلیحات و تعظیبات و دعوات مشہود ان کہ مکتوب
 شریف رسیده بود به ما فی ہا اطلاع دست داد مشور زید ایض بشارت زید
 لسان است توسط موانع قویہ این آرزو میسر نمی شود حال عزم مصمم
 است دعا فرمایند کہ بہ ظہور رسد سر خود دار غلام احمد اگر بی اطلاع
 آمدہ، لہذا غفلت است از صحبت اشراق اورا محفوظ داشت بہ لطف
 سیاست امیر پرویز کردہ بہ تعلیم و تادیب مشغول باشند اصل مانہ از
 بانک است بہ سبب ظل صحبت اشراق کثرتی در طبع او شدہ بود ظہور

مصالح بلیغ به لطائف الحیل اور انہما نیدہ و نیز بہ برکت مزار شریف آن
 کدورت بہ صفا میل گشتہ بیشتر بہ رضا آن جناب کہ رضا الہی سبحانہ
 است خواہد گو شید در علم و عمر برکت خواہد دیدہ بہ کمالات ظاہر و باطن
 خواہد رسید بہر خوردار سعادت تعمیر حافظ غلام دستگیر بہ سلام و دعوات
 حصول کمالات و طول حیات مخصوص باد سستی ققہ اورا شروع کنائیدہ باشند
 در خدمت جمع حضار مجلس شریف و تمام مخلصان آنجا خصوصاً مشفق
 حضرت حیدر شاہ و میان محمد دین و میان (۹۰) اہل علم دین و میان خدا بخش
 و میان احمد و میان چراغ دین و میان حسن الدین سلام شوق و دعا ہا باد۔

مکتوب چہارم

در خدمت ذات شریف مستفی عن التوسیف معظم مکرم حضرت مولانا
 جناب مفتی صاحب مَنعَ اللّٰهُ الْمَسْلِمِينَ يُقُولُ جِبَابِهِمْ وَتَقَعُ الْبَطْلَانِ بِسُؤْلِ
 بَرَكَاتِهِمْ آمِينَ از فقیر عبد الرسول عفی عنہ بعد سلام مسنون و اشوان زیارت
 فیض بشارت و دعوات خلوص سمان مشہود آن کہ نور چشم و راحت جان
 نعرہ الفواد انشاء اللہ تعالی مقبول ازل وابد بر خوردار اعزی غلام احمد جَعَلَا اللّٰهُ
 لِطَائِفَتِنِ اِمَامًا مَعَهُ عَنَابَتٌ تَدَامُ مَحْرَمَتِ شَعْبَانِ رَسِيدٌ مَوْجِبُ اَنْوَاعِ فَرَحَتِ
 اسرود گردید فقیر در سفر بود ہائشان برای زیارت مزار پر انوار در قصور

فرستاده بودم۔ مشرف شرف و چیزهای مجرب برای حصول علم و عمل و دیگر
 مطلب نوشته داده ام۔ اللہ تعالیٰ سعادت دیرین نصیب ایشان فرماید و قدری
 سرب استغاثی فرستاده شد^۴ در چشم کشنده اللہ تعالیٰ چشمان مبارک آن
 ذات فیاض پر برکات را که جان عالمیان و نور اهل ایمان منور دارد که نفع جهان
 بران متصور است مهر وقت برای سلامت غایت سوری و معنوی آن ذات
 مبارک و برای پر خوردار غلام احمد و سعادت تخریجی امری حافظ غلام
 سنگبر و مشفق مخلص اتحاد اگن حضرت مفتی سراج الدین سید رب
 العلمین دعاها می کنم۔

در خدمت ایشان سلام و دعا می کنند۔ در خدمت سعادت مآب الغلام
 شاعر حضرت سید حیدر شاه سلمه اللہ تعالیٰ را بگر را عزه سلام و دعاها باشد۔

مکتوب پنجم

ذات شریف مستفی عن التوضیح مظهر برکات معنی حسنات قیم الشریفة
 الطریفة کامل المعرفة و الحقیقة صاحب العوارف و الخواص مولانا مولانا
 حضرت مفتی صاحب اسمائه تعالیٰ ظلال لا ینور عبد الرسول علی عت بعد
 تسلیحات و تعظیفات و دعوات مشهوده ان که از انتقال مغفرت مال حضرت
 مفتی سراج الدین مرحوم مغفور چه نویسم او چه گویم اول کباب و جگر

(ص ۹۱) خون و سپینه پیریان این داغ تا مرگ لوال پذیر نیست بوند گنجی می
 بوستان جانی از هزار مرگ بدتر است، لیکن اختیار نیست، آخر رخساره قضا
 و تسلیم و تقویض موجب فلاح و نجات بخشیده از هر بلا است چه زاد آید و می
 خولیم که شریک ماتم شوم و اداء تعزیت نعیم جویر مزار آن مقبول و موصول
 پیران کبار فایز کردم، لیکن عنان اختیار به قبضه اقتدا نیست، مریض دلبی
 حضرت والده ماجده که هر دم حالت آخر است، مانع قوی است، الله تعالی
 آن جنت مکان را در جوار رحمت خود مستقر فرمود، درجات عالیات در جنت
 نعیم با دوام بقاء ذات مقیم دارد، و فرزند او را عمر طویل بخشید و بر کات ظاهر
 و باطن در مظاهر گرداند، و آن حضرت را بر سر همه مسلمانان و خوشان سایه
 گستر دارد.

بر خوردار سعادت آثار حافظ غلام دستگیر اسلام و دعاها قلی و
 نسوس و غم و نا امید شغل علم و صلاحیت و سعادت باد بر خدمت سعادت
 مآب حضرت سید حیدر شاه سلمهم الله تعالی سلام و دعاها نسوس و ارمان
 موصول باد بنور چشم بر خوردار غلام احمد رزقه الله تعالی الکملات الظاهره
 و السلطنه و جعله للمتجنین اماناً و میان محمد عظیم میان حسام الدین و دیگر چند
 کسان در اینجا رسیده، به مزار بر انوار مستفید شده اند، عربله ایشان دعوات

بنی کرده شده امروز رخصت شد و الله تعالی مقصودتان در مهتاب
برساند

مکتوب ششم

در خدمت بابر گنت جمیع حسنهات منیع خوات امام العقیقین الحاج
المسلمین مظهر بهائیت از شاه صاحب صدق و سداد جناب مفتی صاحب
سجی حضرت قادی و نعمتی مع الله التسلیم بقول فلیله از القدر عبد الرسول
لصوری عینی عنه بسلام الله و انشوان ما لا یطمان که از نظار تحریر و تقریر
خارج و دعوات اغلام سادات بود آن که سابقاً مکتوب شریف شریف فرمود
فرمود دعا گو از دعا گوی (ص ۹۲) بوی کمالی و نیک اندیشی آنحضرت بیک
دم خلیل نیست و نخواهد شد مالم الله تعالی آن ذات بابر گنت را از عوارض
جسمانی و روحانی محفوظ داشته چه بر ذات او عیبی محفوظ فرماید و در
جمیع شانکشان آن جناب هر کات ظاهری و باطنی و کمالات علم و عمل مخلص و
سنتقام دارد - حاملان رقیبه حضرت مخدوم صاحب که از کمال معلقان
حضرت اند قدس سره و میان حافظ سلطان محمود که امام مسجد اند بهائیت
عسلی حال و عسرت و زهر باری و مملوونی خود ظاهر ساختند بلکه گت اند
منزله شما را تصور محض برای پشین آمده ایم که به طرف حضرت مفتی

صاحب ناکید نویسد بلکه با مظهر اوست شد که ایشان اگر مستحق این
 براند چون آن جناب واقف حال ایشان اند سعی در تخصص ایشان فرماید
 بهایت موجب ثواب جزیل و ثناء جمیل خواهد شد. توجه ظاهر و باطن و عبادت
 مغزی و معنوی بر حال زار ایشان دارند **يَا اَللّٰهُ اِنّٰى اَعْلٰى فِى عَوْنِ الْعَبْدِ مَلَامُ الْعَبْدِ**
فِي عَوْنِ اٰجِبَةٍ -

در خدمت مشفق و محیی حضرت مفتی سراج الفلق و نور چشمان
 و راحت جانان حضرت حافظ غلام دستگیر و لخت جگر و نور البصر و ثمره الفواد
 حضرت غلام احمد سلام الله علیهما ان حصول برائت باد در خدمت سیادت
 مرتبت و اخلاص مشرکت جناب پادشاهان سید حیدر شاه بوسه الله تعالی
 ان منعمه و دیگر دوستان و حاضران سلام و تحیات باد -

مکتوب ہفتم

ذات شریف مستغنی از توصیف حقائق پناه دلتی دست گاہ جلسی دین
 منین سید المرسلین نجم و زما فلق و شیطانی حضرت مفتی غلام محی الفلق
حَبِطَةُ اللّٰهِ تَعَالٰی عَنِ الْاَفَاتِ الطَّيْفِرَةِ وَالْبَاطِنَةِ لَقَعَ الْعَسَلِيْنَ وَاسْتَظَلَّتْهُ
الطَّلِيْبِيْنَ - اَوْسِن يٰ اَرْبُّ الْعَالَمِيْنَ لِرَدَائِي بِالْخَيْرِ فَهِيَ عِبْدُ الرَّسُوْلِ اَعْمَدِي حَسْبِي
بَعْدَ اِبْلَاحِ اِسْلَمِهِ مَسْنُوْنٌ اَشْوَابٌ مَشْحُوْنٌ كَمَا اَرَادَ فَلَ تَلْسِي لَسْتُ بِعَرَضِي

مدعا آن که که عریضه مرسله در اخص اوقات عز و رویت اگر چه در کشور
 آن جلسات کلی بود اما چون این معنی جلسات امر ۴۳ که استطلاع احوال
 شریفه حرم و شوق مالاتون است.

و هم بی گشودن تحریر جواب بلا تون لاجل گشاده شد سوز اشعار
 نظیران توجیهات و ترقی فیوضات داده طرب و سرور داده شد **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا**
اَكْثَرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا عَلِيَّ اَوْتَعَالَى شاه استقامت طریقت و شریعت مضامین
 کناد بویه تحصیل آمال ظاهری و باطنی که به مرضیات الهی مقرون باشند
 خورسند داراد بیمنه و کمال کرمه و حضرت قبله و کعبه دست بر کتفیم علینا به
 تاریخ هشتم ماه صفر از اینجا کوچیده شریف فرمای لواهی شرفیور شدند سوز
 انجا در موضع با مارونق افزودند موخطی مجرزه بیست اوا هشتم ماه مذکور و
 مشعر بر اراده سفر دارالامان ملتان عنایت فرمودند باید قوی است که چند
 روز در آن مکان آرمیده از راه دیره اسماعیل خان متعظشان زمان وصال مهلی را
 مثال ابرنسانی در موسم پشکال شاداب وریان خواهند فرمود باطمینان کلی
 دارند و تفرقه را به باطن راه ندیند آن شاه الله تعالی العجیب عفریب وجه
 حبیب خواهند دید و محنت دوری بسر خواهد شد - **اَمِنْ يَارَبِّ الْعَالَمِينَ** -
 در خدمت اخلاص دست گاه پدایت الله و اشقان آگین میان صاحب

میرا سراج الدین مہمان خیر محمد و خفا بخش و علمی ملخصان سلام شریف
 ترسند بہ شرف مطلقہ لامعہ شریعت و طریقت ہند مطلق و دقیق اکادمی
 خود و مواہب حضرت مفتی صاحب در موضع لکھنؤ شریف ہند۔

رقبہ فقیر عبد الرسول قصوری محررہ بہ تاریخ بہ ہر ماہ ربیع الاول۔

مکتوب ہشتم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حضرت مفتی صاحب سَلَامُ عَلَيْكُمْ الْكَافِرُ كُفْرًا
 وَخَيْرُكُمْ وَصَلَاتُكُمْ عَشَائِكُمْ اَلْفَقِيرُ عَبْدُ الرَّسُولِ بَعْدَ اَلْاِسْلَامِ عَلَيْكُمْ وَحَمْدًا
 لَدَائِمًا وَرَحْمَةً بِمَا لَفُوَانِ اَعْلَانِ اَنْ كِه اَعْوَالِ بِه خِر اِسْتِ حَوْلِي اَلْتَوَجُّه
 اِلَيْهِ لَوْ سَعَادَةِ تَعْلِي بِاَرْوِه وَجِه اَحْسَنِ حَوْلِي بِمَوَاسِلَتِ كَثَرِ الْمَطْعَمَتِ نَصِيبِ
 اَمْرٍ ۱۲ اِلَى خَلِيبِ كِتَابِ بِلْسِي وَاَلِه وَاَلْمَجْدِ۔

عنايت نامه از جناب حضرت مظلومان و ائمتنا با صلوات و غرور رب اللہ
 غرور و دینک سب را مالا مال فرحت و سرور ملت، حضرت ایشان نوشتند کہ
 بہ تاریخ غرور ربیع الاول ہر مکان معبود یعنی کون مکان خان کہ حاصل
 کون دیہی است داخل شدہ ایم۔ ملخصان ان مکان احساس کنند کہ از
 موسم ہشکال روانہ شوند۔ ہر اندہ روانگی فقیر بہ طریق خانہ خود در ماہ ربیع
 الثانی سفرہ است بشارت صد بشارت فرحت صد فرحت حاصل گشت۔

زمان و سال نزدیک رسیده است، در نماز جماعتی یا رجب انشاء الله تعالی داخل
 تصور خواهید شد - آمین یا رب العالمین - تسلی دارند خاطر جمع فرمایند -

به میان هدایت الله صاحب و دیگر متعلقان السلام علیکم یا رسول الله
 در پیش السلام علیکم قول باد - در خدمت حضرت سراج الدین صاحب سلام
 شون انعام برسانند -

مکتوب نهم

ذات شریف مستفاد من التوضیف فیم الشریعة وطریقه ملجای و بیست
 پنجمی فیکم سلام حضرت قبله که در جواب مثنی صاحب فُسَّحَ اللهُ تَعَالَى فِی
 قَلْبِهِمْ از مسجور مکسور متزوی زاویه حسن المقول عبد الرسول احمدی رزاق
 الله تعالی الوصول بعد از تبلیغ اسلحه مستوره اشواق مشحونه و اتعاف دعوات
 اجابت مشرکه مشهوره آن که غایت نامه فرحت شعله سعوی الطاف عاف
 برلوه وصول افکنده سپه را سروری و دیده را قروری بخشید خاطر آسوده نگر
 و جان مرده را زنده ساخت - مخلصین عالمی است به وضوح الحامد از خیر و فایده
 مشفق فی الله میان هدایت الله چند حسرت و حیرت روداد که از تحریر خارج
 است - لاچار به جز صبر چاره نیست - این چنین مخلص ایمانی درین جهان
 مثنی علیه البدول است "إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ" -

(ص ۹۵) حق سبحانہ بنیم اور انہ بنیم گرداناد سو در حق ہمیشہ صاحبہ

سرورہ مغفورہ دعاہا مغفرت و رحمت کردہ باشد باللہ تعالیٰ درجات جناب

نصیب فرماید و کتاب "ظہور الشہاب" بہ غیریت رسیدہ سو کتاب شرح

متنوی محمد افضل موجود است حامل خط علم ظہر کرد کہ از راہ دیگر

خواہ ہم رفت۔ لہذا اور ادادہ نشدہ بہ سہی دیگر در خدمت خواہد رسید۔

در خدمت سراج محبت مخلص بالیقین مشغلی ملتی سراج الدین سلام

شون و دعاہا موصول باد۔

برخوردار سعادت آثار موصول شدہ نور چشم غلام احمد و سعادت تخریر

غلام دستگیر بہ دعوات مزاید حیات و حصول جمع کمالات مخصوص اند۔ در

خدمت جمیع مخلصان خصوصاً محبت پناہ حضرت حینر شاہ سلام شون

دعاہا باد۔

مکتوب دہم

سیادت و رشادت پناہ سعادت و افتادان دست گاہ مظہر فیض حضرت

رسالت پناہی مورد عنایت جناب قبلہ گاہی عاشق صادق بلاانشاہ حضرت

سید حینر علی شاہ نور اللہ عیون قلبہ و اوصیہ الی مشنہ از فقیر زحر مسکور

ملول عبد الرسول رزقہ اللہ بقول بعد از سلام شون و ابلاغ غرام و ثون کہ ماقول

برای متصوراتی مشهوره آن که گویانی و معنی که سر و مفارقت و پیوستگی
 سوری آن مظهر کمالات الهی و فانی ذات حضرت رسالت پلانی امی
 حضرت مولانا و سیدنا و شفیعنا و وسیلتنا فی الدارین تمام لیل ایمان و محبت
 صفی الاصلی را عموماً و این غلام شکرانه نغمه را خصوصاً سروده جو شده
 سنگ قرآن سنگ و قرآن تحریر و نظریه معینه به هر از هر سنگ و عقل جری ۱۳۱۳
 بگری مسیحت و در آنجا کلام کرده فانی فانی گویانی و در قضیه اوستونی -

مسو گویانی بر قرآن چون نوری سخت انوار است

اما چرا نیست از هر صبر و تسلیم مانی نیست

مرا و شما را صبر جمیل نصیب کند، و در فوضات و در کائنات آن فیته

انگیزد که سحر و جادو در آنجا ۹۹ نوشته در کتاب صبر کند - در حق انبی

نصیب میاید روز از صدف و سوز دعاها کرده باشند و در مکتب و معنی جان

ارشد مانی گفتار دارند زیاده و السلام

مکتوب پلر دهم

به خدمت اشفاق در جنت جانی شرح مانی جان حضرت مانی غلام

معی الهی سلیم الله رب العالمین از مباحث و مسنون و مفارقت و محبت صبر

عبد الرسول بعد تعالی بانی آن مسلطی می خواهم که بهم تلخ بمانی و در نما



است و باعث التراح و القشاح قلب و قلب این بی سوره است و مکتوبی در
 آن بهجت منزل می گردانند چون که حقیر درماده معروضه بعضی از این ملاحظه
 سوره آیات انجمنی بکتابی نموده تا موضع پاک بن رسیده از به نوبت اعمال
 و عیونت احوال واقعه هایکه مرض بیفته و آنپ چنان حاصل حال شد که طاعت
 قدم پیش نهاد نمائید - لا چهار مر کب چهار پای به سوی خاک راند و چنانچه مدت
 زیستار به آن بلا مبتلا ماند حال به فضل ازین حال از عرصه پاک شده شفای
 کفیل است مگر بعضی و نتوانی حاصل بلکه نوبت نوشتن خوانند هم زایل
 است باین رقیبه از تعلیمی نوبت عمل است ملاحظه مرقوم که پیوسته به دعای
 یاد دارند که او به سیحانه به فضل و در شرکین محفوظ داشت به خبر
 کوشین فایز کند باینی و آنه الامجاد که در بعضی قیودا به موجب اسم
 درصوم جای به جای جناب مولانا قدس سره مصور است
 دیگر آن که از سماع حدیث جان که بپتان جاسمین و آنکه مطلقان در
 بطور جان به اضطرار می ماند و حقیقت که آخه بیج واضح نشده است به
 دعای جناب نوالعلی که نوالعلی شد بشرار به شرار علیه نوبت آن صاحب
 در این بیان و حالات مصور در آنه بلون و الضد - به سبب ضعف و نتوانی
 امره که این رقیبه الدعاء از مخلص نویسنده فرستاده شده به جویزش سر قرار

www.mujaaddidway.com

در خدمت برادر بالیقین میان صاحب میان سراج الدین میان هدایت اله
 و تمام مخلصان سلام شوق و دعاها و پیر دو خط موسوم به میان پیر بخش تنوال واک
 و میان فتح محمد موسول باد سزاد میان فتح محمد در موضع پند دادن خان
 ارسال فرمایند به جناب هدایت مآب حضرت مفتی صاحب میانی واک مدظله
 موسول باد الراقم الائم فقیر عبد الرسول قصوری -

مکتوب دوازدهم

الْحَمْدُ لَكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ أَيْحِ الْهَدَىٰ مَرَّةً عَشْرًا يَا جَنَابَ قَبْلِهِ كَلِمِي
 معنی است مباحی بدعت و لی بی نظیر مسمی بر دستگیر مع الله المسلمین بطول
 بقایه آمین - اما بعد به خدمت عالی در جنت مظهر کمالات الهی مصدر
 فیوضات حضرت رسالت پناهی از مهجور مکسور کرامت مشمول عبد
 الرسول احمدی عفی عنه بعد از تسلیحات واقیان و تحیات زاکیات معروض آن
 که احوال اینحال مستوجب حمد فوالجلال سلامت ذات بلوکات خلاصه
 مستولات شوقی و راجدایی که این محروم را به زیارت فیض بشارت دلس گیر
 حال حیرت مانع است - متجاوز البیان و پیر دم و لحظه به ذکر جمیل آن مکرم می
 لبهیل رطب اللسان چون از وجود مسعود آن مغرب در گله معبود به سبب

محبت صادقانه متابعت کامله التبیات و غیرت به کلی بر خاست و تحلیف فانی
 الشیخ آرسته شده، دل بی تسکین این مسکین عزیزین می خواهد که یک دم از
 دیدار فرحت آثار که مثل دیدار آن محبوب برورد اگر شفا بخش نباشد
 آنکار است بی نصیب و محروم تعالیم و تقیه حیات که تلخ تر از معات است بحر
 محبت کبیا خاصیت بگنوا تم سلیمان عثمان اختیار به قیفا اقتدار نیست -

نفا کشتی آنجا [ص ۹۸] که خواهد بود

الحمد لله والمنة که خدمت عزم مبارک حسب خواہش این غلام به
 انصرام رسیده مخلصان کامل العتبه از اطراف قریه و بعیده مجتمع گردیده
 بودند سفت روز اطعمه متنوعه دل خواران بخت شد قلیل الصلقات این همه
 خیرات که ثمرات برکات آن محبوب الکلیات است، قبول فرموده روح بر شمع
 را خوشنود و خورستند گردانند -

اراده فقیر برای زیارت پناک پهن شریف بعد نماز عید مصمم است -
 رسائل که نزد آن جناب اند ضرور هر کلمه مبارک در پیش را محض برای
 استغفار احوال شریف و آوردن رسائل فرستاده شد سعادت فرموده تمام رسائل
 ها خواب آتش سلواند -

پندیه اثنا عشریه مصیبت العوام فیض العام سراء الظنوی رساله فضل

حق رساله سماج، جزو سماج نظام القرد این رساله ها ضرورت با ضرورت رساله دارند تا اگر چه فراخ نگردیده باشد. و ظهیر الشهاب همچنان در فکر نیست بعد بر اقامت بغور بسند و شرح قصیده شریفه بنویز فراخ نشده و القوی مقابله مانده است در خدمت محبت پناه مستظرف میان هدایت اله و دیگر خطای محض شریف و تمام مخلصان آن مکان را سلام شود دعاها رساله مطابقت گزینی جناب مفتی صاحب کلان و برادر مفتی سراج القیوم علیهما الله مشرف به سخن به تاریخ سلطه بنا نوقعت

مکتوب سیزدهم

جناب فیض مآب اشفاق نشان در کتب مفتی صاحب سلمه الله تعالی از تقریر عبد الواسع احمدی بعد از سلام نیار و دعاها استودان که طبعت تقریر به سبب قلیل خطبیر زبیر است به حد صدق دل توجه فرماید که الله تعالی شفا عاجل فرماید و درین پلایندی به فضل (ص ۱۹) قسم خود و از هاند و از مقصد معلوم هیچ وجه و خیال نکنند که حق تعالی به برکت سر و رحم اعتناء غایب و غایب خواهد ساخت محرک میان قدر بخش سعی بیخی فرماید که حق به خطا رسد.

در خدمت جمیع دوستان و درویشان خصوصاً سیادت پناه مخلصی حیدر

شاه و محب سعیم و حافظ عبد الرحیم سلام شوق و دعاها برسانند - بر خوردار
سعادت آثار مقبول الصمد بر خوردار حافظ غلام احمد راننده یوسی ها و دعاها
باد -

مکتوب چهار دهم

جناب فیض مآب افاضت پناه افاضت دستگام مکرم معظم جناب مفتی
صاحب بهواره بر مسند افاضت و افاضت سلامت باشند ماز فقیر عبد الرسول
بعد از سلام سنت سهیلا کلام و ادعیه از یاد اوز شب طریق و اعتلای مراتب
سوری و معنوی مکشوف خیر این تخمیر آن که احوال این محال به کرم
الهی و نضل نلمتناهی موجب هزاران بار شکر و نوید صحاح سراج و پاهای
لطافت اسراج آن مکرم تا پنا از جناب او سجده و تعالی شاه منتس خلاصه
السلام آن که چون فقیر به عزم سفر به تبریز بیست ارا پنا مناه فی الحج به
طرف پاک پتن به جهت زیارت مزار شریف حضرت پنا صاحب رفت بود بعد از
مشرف شدن به زیارت در اثناء راه به غرضه تب و بیضه مثلا گردید سررضی
ملبور غلبه و استیلائی بعدی گرفت که ملبوسی و نالمیدی دلمن گو حال شد
بعد از سختی فراوان در مقام پنا رسید از آن جای به صد شدت به سواری محله
بعد از ——— ل شلاید و مصائب راه در مقام قصور رسید شد سفره در راه به

عذر نه لب مبتلا مانده چنانچه دوباره سهیل کرد. اتحاد به فضل از سجد
 و تعالی خیر است. اما فقیری ضعف و ناتوانی باقی است امید غلب از جناب
 از سجدانه عزاسمه که اوهم عظیم دور خواهد شد مخاطر خاطر را من کل
 الوجوه نسلی فرمایند و به خدمت برادر عزیز عزیز القدر میان سراج الدین و میان
 هدایت السله و میان فتح محمد ساکن بند سلام و دعوات رسانند
 فقط از ۱۰۰ کوهون فقیر را طاقت نگارش به دست خود نبودار دست شاگرد
 نوشت کتایفه ارسال داشته شد.

مکتوب پانزدهم

جناب عنایت مآب حضرت مآب صاحب سلمه الله تعالی از فقر عبد
 الرسول بعد از سلام مستون و دعاها مشهوره آن که سمعت فقر از حالت سابقه
 به غیریت است. دلیل که بر پا بود از در دورم تخلص یافته. لیکن بالکلیه
 ذلیل نشده دعا کنند که حق تعالی عالیت کامله نصیب کند. لاچار شده. به
 تاریخ ۱۳ ماه رمضان شریف از بهیره کوچیده روانه پیش شده امیرسله
 دوهلی تصنیف حضرت ما قدس سره که از مسوده نوشته بودند عنایت فرموده
 ضروریه حد ضرور حواله میان صاحب فرمایند بنا کید دارند.

در خدمت اشفاق بریت اتحاد اگین مخلصی سراج الدین سلام و دعاها

موصول باد - بر خوردار مقبول الصمد غلام احمد و سعادت نجر غلام
 سنگریہ دعوات مزید درجات مخوم السعادت پناہ حیدر شاہ و حافظ عبد
 الرحیم و میان الہی بخش صاحب و دیگر دوستان سلام و دعا محفوظ اند۔

مکتوب شانز دہم

در خدمت فیض نہمت جامع کمالات صوری و معنوی محترمتہ نوبی
 مامی بدعت ہم نسال و شوی مجسم شریعت فیم طریقت حضرت مفتی
 صاحب سلمہ اللہ تعالیٰ مع بندہ العواہب لانفتاح المسلمین الی یوم الدین ہار
 مسکن عبد الرسول حظی احمادی قصوری رزقہ اللہ تعالیٰ دوام الحضور بعد
 الی السلام علیکم ورحمۃ اللہ وابتیان مدعا و صوری کہ خلاصہ مطالب است۔
 معروفہ آن کہ صحیفہ شریفہ حضرت مظلومی و مظاہر مشعر برر سینہ در
 بہار نیور بہ تاریخ بیست او ا دوم ماہ محرم الحرام و کوائف لڑان مقام بہ تاریخ
 سلخ ماہ مذکور و متضمن دیگر کوائف لطیفہ بہ تاریخ چہار دہم ماہ سطر غرو
 لزل فرسودہ موجب ہزاران ہزار شادمانی گردید۔ اطلاعاً و تقریباً نوشتہ شد۔
 ذَقْنَا اللّٰهَ وَاٰتٰكُم مَّتَلٰفًا حَبِیۡۃً ظٰہِرًا وَّیٰۤاٰتٰۤا سِرًّا وَّیٰۤاٰتٰۤا خَفِیۡۃً وَّوَقَفْنَا لِنَا
 نَجْرًا لِّرَبِّیۡ وَجَعَلْنَا لِحُرَّتِنَا حُرِّۡمًا مِّنْ اٰوٰیۡۃٍ۔

(ص ۱۰۱) دیگر ان کہ خدمت شریفہ را معلوم باد کہ میان رانا صاحب

کوتاهی و ناپکاری به کار آورده مبلغ خود بر دو مبلغ اینجاب نرد آن
سگ گذاشته ، آدم اجوره دار نرد آن سگ فرستاده شد ، از جواب صاف داده که
من بدون ضمانتی این شر کلوان چیزی نخواهم داد پس بدون آمدن میان وانا
درین مکان مبلغ به حصول نمی انجامد ، اگر بیلید بهتر و الا نه ضایع خواهد
شد خطی درین باب به طرف حافظ نور الدین صاحب نوشته شده است -
مهربانی فرموده با به شان برسانند به میان عنایت الله و دیگر متعلمان السلام
علیکم رسانند -

مکتوب هفدهم

در خدمت فیض نهمت جامع کالات ظاہر و باطن حافظ کلام ربانی
واقف رموز قرآنی و راع بارح حضرت حافظ نور الدین سَلَّمَ اللهُ لَا تَبْطِغِ
الْمُسْلِمِينَ - آمین از مکسور مہجور فقیر عبد الرسول علی بن محمد بعد از السلام
علیکم ورحمة الله وشرق مالا فون منہی آن کہ مجاری حالات قرین شکر
سحت و عنایت آن مجمع اعلیٰ خلاصہ امتیاز -

عَلَّمَ

www.mujaaddinway.com

تعلیقات

ص ۲۰۱

حمد برای او که وحید است

شکر برای او که معید است

پرده گلرما کج و کم ندارد

و در کس حرف و همسر او نیست

بعد از آن درود ما را حمد

که جلو شمار نه است

و بر آن واصحاب با عظمت

و بر پیران که جمله با سعادت است

هر که با ایشان بغض و بددیر گاه هلاک شود

و محب شان بالیقین لایق تعریف باشد

بعد از آن عرض می پردازد کشتوبین خلائق و آخرین لشکر، عجز و
 مسکن شماک و اللو هکین، که فطش نواست از دست حقو غلام محی الفس
 منفس از روی منسوب و تصویر از روی مولا و مسکن و منکی یا منفی از روی
 منفس، انشاء الله که قادر است و مقدر - به عظمت آن کس که خطای تعالی

او را شرف داد با خمیر کردنِ خاک او به خاک مدینه رسول و او را شهرت بخشید.
 به غریب الوطنی هم جو آفتاب نیم روز اگر چه او خود جوینده گم نامی بود و
 توفیقش داد به فهم اسرار قرآن و حدیث و به رهنمائی هر گم کرده راه و خبیث
 معین انواع علم و عرفان، منبع انعام سخا و احسان، اختیار کننده اعلان
 سید المرسلین، که ورد زبان دارد "اگر تکلف کنندگان نیستیم" پاکیزه نسب،
 نمایان حسب، مقبول حضرت برای، زینة آل امی ایوب انصاری - مولانا شیخ
 احمد عرب خدا نگاه دارند او را از جمله کرب با (عرض این است) که چون در
 بلده تصور ذکر مدائح جناب عالی به اکثر شنیدم، شوق من برای زیارت شما
 بجزو تنور جوشید. پس بر سواری ها سوار شدم و از مرگ ها مرکب گرفتم و
 صحراها و بیابان ها قطع کردم و به هر چه مناسب حال بود و نامناسب، عجلت
 نمودم. تا آن که به موضع شیخ یوسف رسیدم، خدا را کفایت را از انبوس
 حظت کناد. پس معلوم کردم که خادمان شما روزها است که زیجا رحلت
 کرده اند. پس حیران و سرگشته ماندم و صورت بیپوش گرفتم. پس آنکه که
 از زمانه خویش مرادی نیافتم.

من پس در دریاهای غم ها غریب ماندم و در آتش های آفتابها

مرئی تا آن که ناله عالی شما رسید که پسر گهرهای آبدار بنظید و به نام این

عاصی معنون بود که جان دغلاک خدای بزرگوار آید که به تمام بوهانی
 یسائی گرفت شود "تعلیق کنند هر چه شنیده بود در کوشش و تلاش و
 اعلان کوشش شعاع عظمت شگفت باطنش نیکو و نورانی و نورانی
 خیر تر ازین می باشد کیست؟ وجه لطیف است که تر ازین الطاف پس
 خدای تعالی شمارا بر اعداء چنگ از چاشنی به نیاگر بخشد از این
 شام حصولی پس از برگ شد که مکتوب عقد ملاقات است
 پس از شام عقد هم فارغ است و خدا قدر است که عقد بقی و این
 نور برده به فضل و احسان شمارا سوگند سوگند میم که مرا از خدای
 حسن خالیت و یکی تمام فرزند در طرفه از دل صدای خویش در طلب
 مسوئله نرد و نه مطهره و نرد است که این هنگام طواف و سوال کند از
 خدای تعالی که میان ما و شما یک جای کند از این خویش در دنیا مساوی
 در باغ های جنت به رحمت خویش و این که ملاقات شمارا در این که از طریق کبر
 و طغیان سوی طر الا بجان به اس و اسرار و توفیق مانیت هر چه خدا سوی
 اینک سو شود و بر تو کمال کنیم و خدا نرد کند بر بهترین مخلوق خویش
 محمد که سر در آس و جان است نرد و شب مکرر مکرده و بر نفس روشن
 ملک آس ای نرد که به خدای

و فقیر سرگشته اراده دارد که اقلیت کند در این مقام تا به آخر ماه محرم الحرام پس اگر شما قصد کنید و زحمت بکشید برای جواب این منظره عین مرحمت باشد و موجب زیارت توابع و الله اعلم بالصواب.

ص ۴- جواب از مکتوب الیه رحمة الله علیه

تا سلسله روز و شب باقی است، اسلام از خدا

بند بر آن شما لیل و خصالت های بزرگان

سلام در سلام باشد

بر آنکس که مکتوب جمله انواع کرام است

سلام بر جمله ساکنین منزلی

که درو فروش است آن که بر جمله مخلوق فانی است

سلام بر طواف کنندگان کعبه

که به طوافش کنند گانیش حج اهل کرم انعام یابد

سلامی هم چو شکوفه های باغبان که خاطر من فریست سوی شما

و شوق های من در دوری فزون تراست

اگر چشم شما را نه بیند (خرای نیست)

که زبانی دارم که متواتر دعا کند و شکر

سنانش خدای را که یکتا است در بدائع اظهار و تکرار کلامی، و مظهر است در جمال تخیلی و ایجاد آنکه در بحرهای محبت سفینة رقعات جاری کرد. به ستون های بیان و بادبان های قلم، و پرندگان مشرب و خوی را در هوایی یکجائی برآورد. به بال های دو دو سه سه و چهار چهار، و درود سلام بر رسول او محمد مصطفی، از پیش نوع انسان که از جمله انواع مکرم است، و بر آتش و اهلیت، صاحب معرفت و احسان و بر اصحابش مع احباب و پیروان.

ایا بعد ستون سعادت های دعوات و تعارف تحفه های تسلیحات از امید و ارادت و رحمت پروردگارش که بی نیاز است، بنده او احمد عربی، سوی خاصه، اخوان القضا، و مخلص ترین دوستان باوفا، صاحب فضائل و منبع فواضل، که سوی او اشاره انگشت ها باشد، و پنداره گله افاضل است جامع اصناف کمالات و مناقب فیض رسان معالی درجات و مراتب مرکز دائره الطاف و استغاثه، قطب منطقه محاسن اوصاف و مکارم اخلاق، روشنی دیده محبت صافی شکوفه باغ شفقست وافی انشاء الله، مقبول درگاه رب العالمین، مراد من اسب مولانا شیخ صاحب شیخ غلام محی الدین مهاجر صدفی، الهی کردن طالبین به فلائذ فوائده فریده او همیشه زیر حمایت باد و دین های محبان نشینان بر شعاب فیض او همیشه تریتر، مکشوف باشد به خاطر خاطر که مانند ابر باران است، که من به

عاشقانه علم و ذوال او پر غم بودم و از غروب ماه و مهرش براندوم. خاصه علم
 ادب که در رتبه فوقیت دارد بر جمله فنون. از آن که نهر در عبارات سینه شوی
 کن دست از دریا های اوست و توفیق به موافق رسائل بلذت و سجع های
 فر لطف از شگوفه های نسیم سحر اوست به حدی که گویی شب تابغ و از
 داشتیم و غم های یعقوب وار. مقاومت کنم شدت انقواء را و بی خواب مانم به
 مقابله ستارگان. و ناگاه کتاب مستطاب خوش خطاب رسید که در مراتب
 بلاغت به درجه عالی فخر است. پس ندا کردم که ای ارباب دانش "این چیزی
 است عجیب" پس به مطالعه او شرح صدر یافتیم و قدم افروزد و پشت من قوی
 شد. و به ورود او نشاط و مسرت من تکامل یافت و مرا شیرینی "چشمه ای که
 مفریان از و بنوشند" چشائید و جام سیراب کرده شوند از شراب خالص سر به
 مهر که مهرش از مشک باشد" بنوشائید. چنانکه شاعر ارمی گفته.

ای فخر عالی رنگان از تو

به من نامه ای رسید که لفظ او به رنگ گوهرها (تبانك) است

به من رسید نامه ای از کریمی که گویی

که او گلو بند های گوهر است بر سینه ستارگان

پس به او خوش آمدید و مرحبا گفتم

که بهترین نامه ایست از بهترین نویسنده

به من رسید صحیفه ای از فاضل

که در فضیلت بر جمله افاضل آفاق فوقیت دارد

پس مقام بادا بزرگی و فیوض شما به احسن شمایلی و پاکیزه ترین اخلاق،

عطا شمارا جز اهدای بهترین جزا، و سوال کنم از خدای تعالی که ملا و شمارا

زیارت بیت الله الحرام عطا کند و پس از آن (زیارت) روضه مطهره در مدینه منوره

و بعد از آن بکجا آورد ملا و شمارا فرجنت. پس امید است از عنایات شما که

ملا فراموش ننماید از دعاها که امید اجابت دارد. و نیز ملا فراموش ننماید.

شاهکام ملاقات، از نامه پاکیزه که بر باشد به عنایت و مجتمع به گرامت تا قدم

الطینان گیر تا از آن خوش خوی با آن رحمت یابد روح به آن اشارت. الله تبارک

شعانت بر کجا که می باشد.

ای زیست خوبان، نامه نوشته سوی تو

بزرگی که با هوالهایم بود

و اگر پرواز داشتیم، بالین از شوق پریدم

اما چه طور به پرواز آید آن که شهیوش شکست باشد

چون ملاقات به احباب میسر شود

هیچ چیزی از نامه سوسمند تره باشد

وسلام از مسافر خلیفہ اکبر شمساکہ مولوی غلام محمد ملواری نام دارد و

مکتوبت بہ قریہ شیخ یوسف دارد۔ فقط۔

ص ۲: جامی

نور الدین عبدالرحمن ابن احمد بن محمد دہشتی از اساتید مسلم نظم و نثر

فارسی در قرون نهم ہجری است۔ لقب مشہور نور الدین واسم ایشان

عبدالرحمن است اور "خرچرہ جام" بہ دنیا آمدہ بہ بدین لحاظ "جامی" تخلص

می کند۔ و سلسلہ ارادتش خواجہ ناصر الدین عبداللہ معروف بہ خواجہ احرار

لقبشند می کشند۔ جامی در ماہ محرم روز جمعہ سنہ ۸۹۸ در شہر ہرات وفات

یافت۔ (دعوت، ج ۱۶، ص ۱۰۴)

ص ۱۳: أَمِينَ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

ترجمہ: آمین اے پروردگار ہمہ عالمان

ص ۱۵: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (سورۃ البقرہ، آیت ۱۵۶)

ترجمہ: ما بہ فرمان خدا آمدہ و بہ سوی اور جوع خواہیم کرد

(مترجم انس کتبہ ای)

ص ۱۶: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (سورۃ البقرہ، آیت ۱۵۳)

ترجمہ: ہر آنکہ خدا باصابران است (مترجم فیض الاسلام)

ص ۱۸: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي مِنْ كُلِّ قَلْبٍ وَاللَّوْنِ لَمَلِي
ترجمه: مغفرت طلبم از خدا، هر دو کلمه خویش از هر گناه و رجوع
کنم سوی او.

ص ۱۹: اَلرِّبِّيُّ نَفْسِي اِنْ نَفْسِي لَا مَلْمُؤَةَ بِالسُّوءِ

(سوره یوسف ۱۱۲ الی ۱۱۳)

ترجمه: من نفس و جان خود را سزاوار نی گفتم محققاً بر
نفسی بسیار فرماینده بدی است. (مترجم فیض الاسلام)

ص ۲۰: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِي اسْطَقٰ

(سوره النحل ۲۴: آیه ۲۹)

ترجمه: هر حمد و ستایش از آن خداست، سلام و درود بر بندگان
او باد، آن بندگانی را بزرگترید. (مترجم فیض الاسلام)

ص ۲۱: اِنَّكَ رَوْفٌ رَّحِيْمٌ (سوره الحشر ۵۹: آیه ۱۰)

ترجمه: محققاً تو بخشناننده بسیار مهربانی (مترجم فیض الاسلام)

ص ۲۲: فَيَوْعَدُ بِالْاِقْلَامِ وَالْاَقْلَامِ (سوره رحمن ۵۵: آیه ۴۱)

ترجمه: پس آنان را به سوزهای پیشانی و به پاهای گزند

(مترجم فیض الاسلام)

ص ۲۴: بِالنُّورِ وَالْقُدْرَةِ بِحَرَمَتِ النَّاسِ وَاللَّامِئَةِ

ترجمہ: بہ نور و صلاح و حرمتِ ناس و آلِ نور کو رو۔

ص ۲۵: لاہور:

شہر لاہور پر کشاورود خطِ راوی میں ۳۱ درجہ و ۳۸ دقیقہ عرض

شمالی خطِ استوا و ۷۴ درجہ و ۲۰ دقیقہ عرضِ شرقی است۔ کراچی دراصل

۷۴ میل، کلکتہ ۱۲۵۲ میل و بمبئی ۱۲۸۰ میل لڑاں است۔

(معین اللہ نقوی، مصلحت ازہد الخوانیز ص ۱۵۹)

ص ۲۶: حَفِظَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ رَبِّبِ الْعَمَلِ

ترجمہ: اللہ تعالیٰ اور ان کی دینِ زمانِ محفوظ قرار دے۔

ص ۲۷: فَرِيْدَالْمَدِينِ كُنْجِ شَكْرِ

فَرِيْدَالْمَدِينِ كُنْجِ شَكْرِ فَرَسِ بِالْمَدِينِ هُنْتَ تَعَالَى بِرَفْعِ كِبَرِ نَوَالِ كِه

اَمْضِيَّتَانِ مَشْتَرَاكِ اَسْتَبَدَّ بِهٖ وَقَوَّعَ اَمْدًا وَنَشْرًا لِمَا فِي مَشَارِقِ اَسْتَبَدَّ وَخَرَقًا قَبْرًا

اَزْدَانِ اَزْدِ اَسْتَبَدَّ خَوَاجَهٗ قَطْبِ الْمَدِينِ بِخَيْرِ يَوْشِيْدٍ وَبِهٖ قَطْبِ الْمَوْجِيْنِ وَ

قَطْبِ الرَّابِدِيِّ وَكُنْجِ شَكْرِ مَطْلُوبِ شَدِّ جَوْنِ وَفَاتِ بِلَقْتِ فَرَفِصَا كِبَرِ نَوَالِ

(غلام سرور مفتی، خزینة الاسیاس ۲۸۸)

مفتی شمس

مر ۸۶: وَلَا يَأْتِلْ أَوْلِيَا الْفُضْلِ (سورة النور ۲۳ آیه ۲۲)

ترجمه: و باید نروستندان و داراییان و دارندگان گشایش دروندگی از

شما سو گندیا ننگند (مترجم فیض الاسلام)

مر ۱۰۳: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْنَا كِتَابَهُ فَكُنْزًا وَلَمْ يُجْعَلْ لَهُ مِثْرًا

(سورة الکهف ۱۸، آیه ۱)

ترجمه: همه ستایش مرخفا وندی را که کتاب (قرآن مجید) را به

بنده خود (محمد) فرودرستاد و در آن هیچ کجی و نراستی

تنباد (مترجم فیض الاسلام)

مر ۱۰۴: غلام نسلی للمسی

غلام نسلی للمسی نقشبندی مظفری احمدی فرزند قاضی حسن دین

روستای لاله در جهلم پاکستان ۱۲۳۴-۱۳۰۴ هجری شمسه دینی و عارف

و نویسنده فارسی نویسنده شب قمار، صرف و نحو و فقه و منطق را از پدرش

آموخت. سپس به پیشاوررفت و دیگر کتاب های درسی را از مفتی محمد

حسن پیشاوری، معروف به حافظ دراز، فراگرفت و در طریقت به شیخ غلام

حسن الدین قصوری دست ارادت داد. و از وی خرقه خلافت گرفت.

(حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی ج. چهارم، ص ۱۸۹۸)

ص ۱۰۳: امام ربانی

احمد فاروقی از بزرگان مشایخ نقشبندی و مشهور به "مجددات ثانی در

۱۴ سوال ۹۷۱ در شهر سرهند متولد شد، وی از محضر شیخ باقی بالله و این

شیخ از محضر عبداللہ احرار کسب دانش کرده بود. مکتوبات وی درجه فضل

و کمال اورا می رسانند. در سال ۱۰۳۳ هـ/ق وفات یافت.

(مختار ص ۸ ص ۱۳۹)

ص ۱۰۴: وَمَا أَلَيْكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (سورة ابراهیم ۱۴- آیه ۲۰)

ترجمه: و آن بودن و آوردن بر خدا دشوار نیست.

(مترجم فیض الاسلام)

ص ۱۰۵: وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَيْرِ خَلْقٍ مَحْمُودٍ وَآلِهِ وَالصَّالِحِينَ

وَإِحِبَّاهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ترجمه: بهترین خلق او حضرت محمد و جمله آل و اصحاب او.

ص ۱۴۹: غلام دستگیر قصوری

محمد معروف به غلام دستگیر قصوری هاشمی، فرزند حسن بخش

۱۳۱۵ ق، دانشمند دینی، صوفی نقشبندی، شاعر و نویسنده اشعار، از مردم

قصور در پنجاب بود. خواهرزاده، داماد، سرید و خلیف، غلام محی الدین

تصویر دود، بیاطیبت و شوران اهل خدمت، بزبان غلام احمد قادیانی
 و سید خیران بیخوبت و بیخالتیست، بی آرزوی دوستی و بی کلامی، کتاب های مریدان
 و مکتوبات است، بیخبر از روش به اردو است، ولی چند کلمه فارسی در آن به
 فارسی شعر نیز می گنجد.

(حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، جلد چهارم، ص ۱۸۸۴)

وَارْتَهَانًا

www.mujaaddidway.com

Fare (Staingass)	اَجُورَة:
Damage Injuring (Staingass)	اَذِيَة:
جمع، رقم، خط‌ها، نوشت‌ها (عمید)	اَرْقَام:
پناه خواستن، پناه گرفتن - (عمید)	اِسْتَعَاذَة:
ماه نودیدن، جستجوی ماه نو کردن (عمید)	اِسْتِهْلَال:
صبر کردن (غیبت)	اِسْطَبْر:
Vanishing, Disappearing (Staingass)	اِسْتِحْلَال:
آسان کردن در معامله (انتزاع)	اَضْعَاف:
اختیار کردن (غیبت)	اِقْتِحَام:
بازگشتن به سوی خدا، توبه کردن (عمید)	اِثْبَات:
نسخه برداشتن، نسخه گرفتن (عمید)	اِتْسَاع:
جداشدن (انتزاع)	اِتْفَاع:
گرفت شدن (عمید)	اِقْبَاب:
محکم نو (عمید)	اِوْق:
راه یافتن، هدایت شدن (معنی)	اِعْتَدَائ:

پ

پورخسرو، (انصراج)

پراج

شهر (غیاث اللغات)

پلند

مصیبت، راج، (عمید)

پلیہ

پ

موسم برسات (غیاث اللغات)

پشکال

ت

تغیر کرنا (غیاث)

تزلزل

زیادشمار، افزون شد (عمید)

تزیاد

پراگندہ شدن (عمید)

تفتت

دور از شدن (عمید)

تعالف

سودن و گشتن چیزی در جایی بجز کسی (عمید)

تویج

سہل گشتن، آسرا شدن (عمید)

تہتر

ج

جنگ و خصومت کردن (غیاث)

جنگ

ح

حضرت: بهشتی، نشیب جای پست در زمین (عمید)

خ

خام: ناپخته، ناآزموده (عمید)

خطر: بزرگ، (علمیه)

خورسندی: شادمان خشنود (عمید)

د

دموی: منسوب به دم، یعنی خون باشد (استراج)

دمری: ربع يك پسه (علمی)

ذ

ذلیل: فراموشکار (عمید)

ذیول: Withering, losing flesh (Staingass)

ذولان: گذارش، گذار (معین)

ذولایی: Forgetting, neglecting (Staingass)

ر

willingly, with pleasure (Staingass)

راضیہ

مصیبت و کمی و عیب (انتزاع)

رزقہ

نوشتہ، نامہ (عمید)

رقبہ

سیراب، تروتازہ (علمیہ)

زبان

س

سوز و حسرت (غیاث)

سابل

محکم و استوار (عمید)

سبیدہ

علامت ها (عمید)

سبک

بیمار و مجزاً یعنی چیز ناقصہ از سبب (غیاث)

سقیم

ش

بمعنی آشکار و فاش یعنی مشہور، (انتزاع)

شائع

بدی ها و شرارت ها (غیاث)

شُرور

ص

جمع صی، کود کاه (عمید)

صیان

سینه انسان (عمید)	ضلع
الکترون یوزمیں وہ نام مرضی کہ سلب خود را یوزمیں اٹکنده به ہندی اور امریکی گویند (غیاث)	ضلع
بمعنی عفو کرون گناہہ درگشتن از خطای کسی (غیاث)	ضلع
طرف و جوانب (غیاث)	ضوبہ
ض	
عجز (عاشق)	ضراعت
مرہمی کہ روی اور نگارند (عمید)	ضداد
ط	
بیماری است کہ در سوزنہم رسد (الراج)	طحا
ح	
تھرمان، گناہگار (عمید)	حاشی
پیکری (عمید)	حظن
عظیم، بزرگ (عمید)	حظنی

ظناب

جمع، ظرب، کوزمها (معنی)

غ

عزود

اول ماه قمری (فرهنگ نظام)

ف

فخیمه

بزرگ فنوار ارجمند (معنی)

ک

کوتنی

غم و اندوه (نظام)

کوت

دفعه، مرتبه (معنی)

کسبند

صاحب کسب و بسند (اندراج)

ز

زبان

زادگان سخن (بزرگ سخن)

س

سکندر

شور و غوغای معروف است (الندراج)

ل

لُعَاب: بلزی گره، بلزی کن (معین)

م

مُنَاع: بلز دارنده (عمید)

مُعَاوَدَت: مراجعت، بلز آمدن (دهخدا)

مُنْتَلَاي: روشن و تابان (غیاث)

مُنْتَسِر: دشوار (غیاث)

مَجَالَسَه: همنشینی کردن (آندراج)

مُجْتَمِر: منقل آتش، آتشدان (معین)

مُخَلَّد: جاویدان، پاینده (عمید)

مُسْتَجَاب: جواب داده شده و بمجازاً بمعنی قبول کرده شده (آندراج)

مُسْتَنَام: دوام یافتن، پایدار (عمید)

مُشْحُون: پر کرده شده (غیاث)

مُشْبِر: خرد دهنده (دهخدا)

مَشْهُود: دیده شده، آنچه بر آن گواه شوند (معین)

مَصِيْر: محفوظ (دهخدا)

مُفَارَقَت:	جداشدن از هم (عمید)
مَقْرُونَه:	زردیك شده (عمید)
مَكْسُور:	شکسته شده (عمید)
مُقَرَّر:	اقرار کننده (دهخدا)
مُقَرَّر:	محل عبور، گذرگاه (عمید)
مُقَطَّع:	به پایان رسیدن (دهخدا)
مُطَهَّر:	خبر دهنده (فرهنگ نظام)
مُنْهَبَات:	جمع، متوجه کارهای ناروا، اموری که در شرع منع شده، ناشنا پستها (معین)
مَنِيَه:	خواهش و آرزو (تقیسی)

ن

نَاجِلَه:	دندان آسیا (عمید)
نَوْع:	جان دادن (عمید)
نَهْط:	طریقه، نوع، روشن (عمید)
نَهْمَت:	نیاز، حاجت (عمید)

و

To dismiss, to send a way (Staingass)

زاهلیدن

چرک جام (عمید)

زنج:

■

ویوان کردن (غبات)

فردم:

اندوهها و اندیشها (غبات)

شموم:

ي

خشکی (دهخدا)

توست:

خبر و برکت (قیسی)

یمن:

چشمه (دهخدا)

پنوعه:



کسان ها

۲	ابوب الصاری
۳۸	احسن الدین میان
۹۷	احمد الدین میان
۳۳-۳۸	احمد الدین میان
۱۱۷-۳۰	احمد قسطلانی امام شافعی
۹۷	اسماعیل حافظ
۱۳۷	اشرف جیو
۵۹-۳۳-۲۲-۱۷-۱۴	اشرف محمد
۱۰۵-۱۰۳	اللہ جوایا میان
۱۲۰-۱۱۷-۱۱۶	امام الدین میان
۱۰۳	امام ربانی
۱۲۹-۲۹-۱۹-۱۸-۱۵	بقرہ محمد
۱۵۳-۱۳۷-۱۲۹-۱۲۵-۱۲۳-۱۱۹-۷۰-۶۱-۳۲	پیر بخش میان
۲	جلی
۳۰	جان محمد جالندھری

۱۴۷	جان محمد
۱۰۷-۹۵	جعفر میان
۹۷	جمال چنانی
۱۴۲	جراغ دین
۸۰-۷۹-۵۵-۴۸	چنین دین، میان
۹۱	چوغت، میان
۱۴۳	حسام الدین، میان
۱۴۲-۹۳	حسن الدین
۱۴۶	حیات محمد
۱۵۵-۱۵۰-۱۴۴-۱۴۳-۱۴۶-۱۴۸	حیدر شاہ، سید
۴۹	خالد روسی، مولانا
۱۴۸-۱۴۲-۹۳-۴۴	خدا بخش میان
۴۸-۵۵	خیر محمد، میان
۱۴۸-۱۱۴-۱۰۹-۹۵-۹۳-۸۲-۷۲-۶۶	خیر الدین، میان
۱۱۵	دوست محمد، مولوی

۵۰_۴۵_۴۴_۴۲_۴۱_۳۹_۳۸_۳۶_۳۵_۳۲_۳۱

سراج الدین، محمد

۴۲_۶۹_۶۶_۶۵_۶۳_۶۲_۵۵_۵۴_۵۳_۵۲_۵۱

۹۳_۹۲_۹۰_۸۸_۸۵_۸۴_۸۳_۸۱_۸۰_۷۸

۱۴۵_۱۴۴_۱۰۴_۱۰۰_۹۹_۹۸_۹۷_۹۶_۹۵_۹۴

۱۵۷_۱۵۴_۱۴۸_۱۴۶_۱۴۴_۱۴۶

۲۸

سعود وهلی

۲۲_۲۵

سلطان محمد

۳۱

سید عباد اللہ

۱۴۴

سید احمد، میان

۱۴۴_۴۱

سید احمد، میان

۱۸_۱۵

شریف، محمد

۱۱۷

شمس الدین، حافظ

۹۱_۹۰_۳۹

شیر محمد، میان

۹۱_۹۰_۶۹_۶۷_۸۳_۸۲_۴۹

شیر محمد

۱۴۳

صدیقی، محمد

۱۱۴	علم دین
۷۵	عبدالحق محدث دهلوی
۱۴۷-۱۴۴-۴۵	عبدالرحمن، شیخ
۱۵۸-۱۵۶-۹۱-۸۲	عبدالرحیم
۸۴-۸۲-۸۰-۶۶-۶۴-۵۵-۴۹-۳۸-۳۵-۳۵-۳۲	عبدالرسول، حافظ
۱۱۵-۱۱۴-۱۰۵-۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱-۹۵-۹۳-۹۲	
۱۴۴-۱۴۰-۱۳۸-۱۳۶-۱۱۸	
۴۴-۴۴	عبدالغفور، حافظ
۱۱۹	عبدالله انصاری
۸۸	عبدالهادی
۴۵	عبدالله سولوی
۴۱	عطا محمد
۱۱۴	عطاءالله قندهاری
۱۴۶	علم دین، میان
۱۱۹	علی حجوری
۸۹	عیسیٰ خضرت

۱۵۸_۱۵۶_۱۵۰_۱۴۹_۱۴۴_۱۴۳_۱۴۲_۱۴۱_۴۹

غلام احمد

۱۴۴_۱۴۹_۳۸_۳۵_۱۵ غلام حسین اشواقی، حکیم

۳۹

غلام حسین

۸۶

غلام حسین

۱۵۸_۱۵۰_۱۴۹_۱۴۳_۱۴۲_۱۴۰_۱۴۴_۱۳۹

غلام دستگیر

۱۶۲_۸

غلام محمد

۲۷_۲۵_۲۲_۲۰_۱۸_۱۷_۱۵_۱۴_۱۰_۸_۶_۱ غلام معنی الدین قصوری

۳۹_۳۵_۳۲_۳۲_۳۱_۳۰_۳۸_۳۷_۳۶_۳۵_۳۳

۶۵_۶۴_۶۳_۶۲_۵۹_۵۸_۵۶_۵۵_۵۱_۵۰_۴۹

۸۹_۸۸_۸۷_۸۴_۸۲_۷۹_۷۸_۷۷_۷۵_۷۰_۶۷

۱۰۸_۱۰۶_۱۰۴_۱۰۳_۱۰۱_۱۰۰_۹۹_۹۸_۹۶

۱۲۱_۱۱۸_۱۱۷_۱۱۶_۱۱۴_۱۱۳_۱۱۱_۱۱۰

۱۴۲_۱۴۰_۱۳۹_۱۳۸_۱۳۷_۱۳۶_۱۳۵_۱۳۴

۱۳۸_۱۳۶_۱۳۳

۱۴۶

غلام مرتضیٰ

غلام نبی

۱۰۰-۹۸-۹۴-۸۵-۷۴-۶۶-۵۳-۳۸-۱۴-۱۱

۱۱۶-۱۱۴-۱۱۲-۱۱۱-۱۰۹-۱۰۸-۱۰۶-۱۰۴

۱۲۱-۱۱۸-۱۱۷

۸۰-۹

غوث الاعظم

-۱۵۷-۱۵۳-۸۷-۸۶-۸۱-۶۹-۵۳-۳۹-۳۵

فتح محمد، میان

۹۵

فتح محمد

۱۰۹-۳۲-۲۱

فرید الدین گنج شکر

۱۵۵

قادر بخش، میان

۳۲

کامل محمد

۱۱۱-۳۱-۶۱

کرم الدین

۴۰

گل محمد

-۹۴-۷۴-۶۰-۵۹-۵۸

لعل، میان

۱۳۰

محبوب سبحانی

۱۲۷-۱۲۶

محبوب عالم

۲۵

محمد بخش

۱۰۴-۱۰۱-۷۶

محمد جوی، میان

۱۰۰-۹۰-۱۰۸	محمد حسن
۱۴۴-۲۰	محمد دین، میان
۱۴۴	محمد عظیم، میان
۱۴۹-۱۸-۱۵	محمد کلال، میان
۱۰۰-۸۹-۸۰-۷۴-۵۸-۵۴-۴۷-۴۹-۴۴-۱۰-۹	محمد مصطفیٰ
۱۴۵-۱۴۴-۱۲۰	
	معاویہ، حضرت
۶۴-۶۰-۵۹-۵۸-۵۶-۵۲-۵۱-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶	مفتی غلام محی الدین
۸۸-۸۴-۸۵-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۰-۶۷-۶۵-۶۴	
۱۴۵-۱۴۴-۱۰۶-۱۰۱-۱۰۰-۹۹-۹۴-۹۳-۹۰	
۱۴۶-۱۴۵-۱۴۴-۱۴۱-۱۴۸-۱۴۷	
۴۹	مولوی کرم بخش
۱۴۴	میاں احمد
۴۶-۱۴۱	نظام الدین
۱۴۷-۱۴۴	نور حسین
۱۴۹-۷۴	نور محمد

۱۵۹-۶۱	نورالدین، حافظ
۹۴-۵۴-۳۳-۱۰	نور محمد، میان
۱۴۵-۶۶-۵۵-۳۵	وارث محمد
۱۴۵	وارث محمد
۴۸	باشم تپتوی محمد
۱۵۹-۱۵۷-۱۵۴-۱۴۹-۱۴۷-۴۵-۴۴-۴۳-۶۶-۶۲-۳۵	هدایت اللہ

ۛۛ

www.mujaaddidway.com

جاہا

۶۸	اجہرہ
۱۵۸	بہاولپور
۱۵۷-۱۳۷-۱۳۴-۱۱۶-۸۸-۵۰-۳۵-۳۲	بہرہ
۱۵۶-۱۵۴-۹۹-۸۰-۶۳	پاک پتن
۱۵۳-۹۰-۸۲-۷۰	پندادانخان
۱۲۲-۶۶	چوہدرکنہ
۱۱۵-۱۱۲-۱۰۹-۱۰۱-۹۸-۸۷-۶۳-۳۳	داؤد
۴۵-۳۲	دنکیان
۱۴۷-۱۰۸	دیوہ اسماعیل خان
۴۰	سندھ واگ
۸۷	سیلکوٹ
۶۵	شاہ پور
۱۴۷-۱۲۲-۱۲۰-۸۴-۶۵	شریف پور
۴۴	فیروز پور
۵۳	فیض پور

کتاب کا

www.mujaadunway.com

کتاب ها

۳۹	بخطاری شریف
۱۰۲	تحفه محمدیه
۱۲۹-۱۵	تفسیر بیضاوی
۷۵	در فائزیه (رساله)
۱۲۳	زاد الحاج (رساله)
۱۵۰	ظهور الشهاب
۵۸	عنايه حاشیه هدایه
۱۳۰	قرآن
۹۸-۹۷-۷۳-۳۰	کسری
۱۱۹	کشف المحجوب
۳۰	کلمات طیبات
۶۳-۶۱	کنز الهدایه
۷۵	مکتب بالسنه من الاعمال من ایام السنه (رساله)
۶۳	مستان الانوار

١١٠-٨٩-٢٢

مشكوة شريف (شرح)

١٣٤

مفتاح الصلوة

٩٤-٢٢

شرح التيمم

٣٠

مواهب اللدنية

١٢٠

عنايت الحر

www.mujaddidway.com

مطالعة
و ما ظن

منابع و مأخذ

- ۱- برهان، محمد حسین خلف نیروزی، برهان قاطع (دکتر معین) ایوان، ۱۳۲۵ ش
- ۲- بهار، محمد نفی، سبک شناسی، ج اول، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۰ هـ
- ۳- جامی مشهوری هفت رنگ جامی، کتاب فروشی سعدی، تهران ۱۳۶۱ هـ ش
- ۴- حسن النوری، دکتر، فرهنگ بزرگ سخن، تهران ۱۳۸۱ هـ ش
- ۵- خیام پورنا هزار زاده، دکتر، فرهنگ سخنوران، انتشارات طلابه تهران چاپ اول، ۱۳۴۰ ش
- ۶- داعی الاسلام، سید محمد علی، فرهنگ نظام (۲ مجلد) شرکت دانش، تهران، دومین چاپ، ۱۳۶۲ هـ ش
- ۷- دانشنامه ادب فارسی به سرپرستی حسن انوشه، جلد ۴، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ هـ ش
- ۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، (گروهی از نویسندگان، زیر نظر دکتر محمد معین) ۵۰ مجلد، تهران، ۱۳۳۶ هـ ش
- ۹- سعدی، کلیات سعدی، فروغی محمد علی، تهران ۱۳۶۴ هـ ش

۱۰۔ عمید حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، تہران ۱۳۶۵ء ش

۱۱۔ غلام سرور لاہوری مفتی، حدیقہ الاولیاء، لاہور ۱۹۷۶ء/۱۳۹۶ء

۱۲۔ غلام سرور لاہوری، مفتی خزینتہ الاصفیاء، کابل ۱۹۹۳م

۱۳۔ غلام سرور، مفتی، تاریخ مخزن پنجاب، الکریم مارکیٹ اردو بازار

لاہور ۱۹۹۶ء

۱۴۔ غلام محی الدین قصوری، مکتب شریفہ، نسخہ خطی، کتابخانہ

دانشگاہ پنجاب لاہور، شمارہ ۱/۷۴۷/۳۷۸۰، نسخہ الف

۱۵۔ غلام محی الدین قصوری، مکتب شریفہ، نسخہ خطی، معلو کہ اقبال

مجددی، سبزہ زار لاہور، مخطوطہ "ب"

۱۶۔ غیاث الدین محمد، غیاث اللغات، بہ کوشش منصور ثروت، انتشارات

امیر کبیر تہران، ۱۳۶۳ء ش

۱۷۔ محمد بادشاہ متخلص بہ شاد، آئندراج فرهنگ جامع فارسی، زیر نظر

دکتر محمد دبیر سیاقی، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۳ء ش

۱۸۔ معین، دکتر محمد فرهنگ فارسی معین، شش جلد، انتشارات امیر

کبیر، تہران، ۱۳۷۱ع

۱۹۔ منزوی احمد، فہرست نسخہ ہای خطی فارسی پاکستان، مرکز

تحقیقات و تالیفات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد، مہرمہ ۱۳۶۲ع/

۱۹۸۳م

۴۰۔ نفیسی، داکتر علی اکبر (ناظم الاطباء) فرهنگ نفیسی (۵جلد) کتاب

فروش خیام، تہران ۱۳۱۸ھ ش

اردو

۴۱۔ اختر چیمہ ڈاکٹر، مشائخ کی فارسی مکتوبات نگاری کا اجمالی

حاکم، کاوش، مجلہ تحفہ فی و ادبی شعبہ زبان و ادبیات فارسی

جی۔سی۔یو۔ لاہور، شمارہ ۹۶.۵-۹۹.۵، ۱۹۹۵ء

۴۲۔ اردو دائرۃ المعارف اسلامیہ، دانشگاه پنجاب لاہور، ۱۹۶۸ء

۴۳۔ بدخشانی، مقبول بیگ، مرزا، مدیر خصوصی، تاریخ ادبیات مسلمانان

پاکستان و ہند، جلد چہارم، پنجاب یونیورسٹی لاہور ۱۹۷۱ء

۴۴۔ خویشگی، محمد عبداللہ، فرهنگ و ادب، اعتقاد پبلشنگ ہاؤس دہلی،

جنوری ۱۹۴۸ء

۴۵۔ رضوی، سید تصدق حسین، لغات کشوری (اردو) دارالاشاعت اردو

بازار کراچی۔

۴۶۔ سرسید احمد خان، آثار الصنادید، ج ۲، اردو اکیڈمی دہلی،

۱۹۹۲-۱۹۹۰ء

۴۷۔ شہر احمد شاہ، انوار محی الدین (سوانح مولانا غلام محی الدین

قصور) لاہل پور ۱۹۶۶ء

۲۸۔ ظہور الدین احمد، دکترا، پاکستان میں فارسی ادب، جلد چہارم

(مکتبوں کے عہد میں) ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاہور

۲۹۔ ظہور الدین احمد، دکترا، پاکستان میں فارسی ادب، جلد پنجم، انگریزی

عہد ۱۸۴۹ء تا ۱۹۴۷ء، ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاہور

۱۹۸۵ء

۳۰۔ غلام محی الدین قصوری، مترجم غلام مصطفیٰ صدیقی، تحفہ رسولیہ

(مترجم) مکتبہ سنیہہ جامع مسجد انوار مصطفیٰ تاجپور، لاہور ۲۰۰۳ء

۳۱۔ غلام محی الدین قصوری، ملفوظات شریفہ، مکتبہ نبویہ گنج بخش

لاہور ۱۳۹۸ھ/۱۹۷۸ء

۳۲۔ قاسم محمود، سید اسلامی انسٹیٹیوٹ لیا، الفیصل ناشران و تاجران

کتب اردو بلڈرز لاہور، ج دوم، ۲۰۰۵ء

۳۳۔ معین الدین نقوی، مولانا، مملکت لڑتے الخواطر، مترجم ڈاکٹر محمد

حبیب الرحمن خلیفہ اور ٹیٹل بلیک لائبریری پتہ ۲۰۰۱ء

۳۴۔ ہاشمی، عبدالقدوس، تقویم تاریخی، قلموس تاریخی، مرکزی ادارہ

تحقیقات اسلامی کراچی ۱۹۶۵ء

۳۵۔ یوسف مجتہدی محمد، جواہر نقشبندیہ، مکتبہ انوار مجتہدیہ سین بلڈرز

مصور آباد فیصل آباد ۱۹۷۹ء

عربی

۳۶. انجمن فقهیه ای، معنی الفقهی مهدوی، مترجم القرآن الکریم انتشارات

پراگ استانبولیان ۱۳۹۹ ش

۳۷. سعد حسن خان، المعجم عربی لغوی، دارالاحیاء کراچی ۱۹۵۵ء

۳۸. خلدونی الذی مترجم القرآن، محمد یوسف کنبی، اذکار دار لاہور، ۱۹۵۷ء

۳۹. فواد حسین، معنی المعجم المنثور، دار الفکر القرآن الکریم انتشارات

اسلامی لاہور ۱۳۵۳ ش

۴۰. فیض الاسلام، مترجم القرآن، دار الفکر القرآن الکریم انتشارات

انگریزی

P1. Halm S. The Large Persian English Dictionary Tehran, 1987.

P2. Statistical Persian English Dictionary Sang-e-meeh Publications Lahore, 1981.

عربی

۳۶- الہی قمشہ ای، محی الدین مہدی، مترجم القرآن الکریم انتشارات
پیراستہ اسماعیلیان ۱۳۶۹ ش

۳۷- سعد حسن خان، المنجد عربی، اردو۔ دارالاشاعت کراچی ۱۹۷۵ء

۳۸- شاہ ولی اللہ مترجم، قرآن مجید، پاک کمپنی ۱۷ اردو بازار لاہور، س-ن۔

۳۹- فواد عبدالباقی، محمد، المعجم المفہرس (الفاظ القرآن الکریم انتشارات
اسلامی تہران ۱۳۷۳ ش

۴۰- فیض الاسلام، مترجم قرآن عظیم، جای چاپ و تاریخ ندارد۔

انگلیسی

۴۱- Haim-S. The Larger Persian English Dictionary Tehran,
1367.

۴۲- Staingass Persian English Dictionary Sang-e-meel
Publications Lahore, 1981.